

مجموعه سُرُودهای شاعران و مرثیه سُرُایان برای اقامه  
عزاداری در دهه اول محرم الحرام ۱۴۰۲ هجری شمسی

# مجموعه سُرُود

دفتر شعرآسناز مقدس امامزاده اسماعیل علیه السلام (زرگهان)

الله الرحمن الرحيم

# صحیفه عاشورا

مجموعه سروده های شاعران و مرثیه سرایان برای اقامه  
عزاداری در دهه اول محرم الحرام ۱۴۰۲ هجری شمسی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شکر نعمت خدمت در آستان مقدس حضرات آل الله عليهم صلوات الله از عهده‌ی هیچ خادمی بر نمی آید. از خداوند متعال و اولیای نعم خویش بر این لطف بی نهایت شاکریم. کسانی که در این مجموعه خدمت کرده اند چشم امیدشان به نگاه صاحب این اشک ها و این توسلات است. مستدعی دعای شما خوبان هستیم. اگر طلب کند انعامی از شما حافظ حوالتش به لب یار دلنواز کنید

خادم خادمین آستان مقدس امامزاده اسماعیل علیه السلام

محمد صمیمی

## «رحم الله من أحيأ أمرنا»

برنامه ریزی طرح صحیفه‌ی عاشورا با هدف انتشار آثار شعرای هنرمند و خوش‌نام در عرصه‌ی شعر و نوحه‌ی هیئت توسط آستان مقدس امامزاده اسماعیل علیه السلام محله زرگنده تهران با همکاری کانون ادبی حلقه ریان در اسفندماه ۱۴۰۱ آغاز شد. با توجه به سابقه‌ی درخشان ۱۳ ساله‌ی حلقه ادبی ریان در برگزاری رویدادهای مختلف ادبی از قبیل برگزاری پانزده دوره‌ی آموزش شعر و نوحه آیینی، برگزاری کنگره‌های شعری با موضوعیت حضرت ولیعصر علیه السلام حضرت خدیجه علیها السلام، شهادت حضرت زهرا علیها السلام، ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام، حضرت ام البنین علیها السلام، سوگواری محرم، ولادت حضرت زهرا علیها السلام، شهادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ایفاء شعر حیاتستان، از این مجموعه درخواست گردید تا مسؤلیت اجرای این پروژه‌ی بزرگ را بر عهده بگیرد. به جهت نسب این امامزاده واجب التعظیم به حضرت امام زین العابدین علیه السلام، عنوان «صحیفه‌ی عاشورا» برای این طرح انتخاب و از ۲۲ اردیبهشت ماه با برگزاری جلسات معرفت‌افزایی شاعرانه در آستان مقدس شاهزاده اسماعیل علیه السلام به طور رسمی آغاز گردید. طبق برنامه ریزی‌های انجام شده، دریافت آثار این مجموعه از پانزدهم خرداد ماه لغایت دهم تیرماه ۱۴۰۲ طبق فراخوان اعلامی انجام شد که در طی این فرآیند، از بین قریب به ۲۵۰ اثر ارسالی شعرای محترم از نقاط مختلف کشور، ۱۷۴ اثر منتخب هیئت اجرایی صحیفه‌ی عاشورا در این مجموعه انتشار یافته است.

از زحمات همه‌ی عزیزانی که در تمام این مدت در این پروژه‌ی عظیم به نحوی ما را یاری داده اند سپاسگزاریم. ان‌شاءالله همه‌ی این زحمات مقبول درگاه حضرت حق و حضرات آل الله علیهم صلوات الله قرار بگیرد.

هیئت اجرایی صحیفه‌ی عاشورا

## شناسنامه اثر

مجموعه‌ی «صحیفه عاشورا» مشتمل بر ۱۷۴ اثر است که به تفکیک دارای ۶۸ شعر کلاسیک و ۱۰۶ نوحه می‌باشد. نوحه‌های منتشر شده در این مجموعه متناسب با انواع نوحه‌های مورد استفاده در هیئات مذهبی از جمله ۱۴ زمزمه، ۵۳ پیش‌زمینه و زمینه، ۲۰ واحد و ۲۰ شور است. آثار این مجموعه در ۱۴ بخش شامل شب اول محرم تا شب عاشورا، روز عاشورا، شام غریبان (شب یازدهم)، شهادت امام سجاد علیه السلام و مناسب تمامی ایام محرم تقسیم بندی شده است. برای تهیه این مجموعه از آثار ۳۴ نفر از شاعران گرانقدر اهل بیت علیهم السلام استفاده شده است.

اسامی شعرا:

خانم مرضیه عاطفی	آقای امیرمحمد انصاری
آقای حمیدرضا عباسی	آقای امیر اسدی
آقای محمد عبدی	آقای پوریا باقری
آقای محسن عسکری	آقای سجاد توکلی
آقای وحید عظیم پور	آقای رضا جوان بخت
آقای بهمن عظیمی	آقای خسرو جولافیان
آقای مجید فراهانی	آقای ابراهیم جولافیان
آقای مصطفی فروردین	آقای حسین حمیدی
آقای داود قاضی	آقای سعید حمیدیان فر
آقای مهدی قربانی	آقای جعفر خدردی
آقای امیررضا قناتی	آقای حمیدرضا خونویی
خام نیره کاشی	آقای محمد جعفر درخشان
خانم سعیده کرمانی	آقای وحید دکامین
خانم منصوره محمدی مزینان	خانم عالیہ رجبی
آقای دانیال مهرانی	آقای یاسین زندی
آقای سید مهدی میری لواسانی	آقای مرتضی سراوانی
آقای هاتف نیک پور	آقای مهدی صابری

## راهنمای استفاده از آثار

به منظور سهولت استفاده از آثار توسط مادحین گرانقدر، در انتهای هر نوحه مطابق ذیل، آدرس دریافت فایل صوتی اثر (قابل استفاده در نسخه های الکترونیکی) و تصویر QR-Code (قابل استفاده در نسخه های چاپی) پیش بینی شده است. در صورت دریافت نسخه ی الکترونیکی این مجموعه، با کلیک بر روی گزینه [دریافت فایل صوتی](#)، نوحه مربوطه پخش خواهد شد. در نسخه های چاپی نیز با اسکن نمودن تصویر QR-Code (توسط دوربین تلفن همراه و یا برنامه های بارکدخوان) به راحتی امکان شنیدن نوحه انتخابی میسر خواهد بود.



[دریافت فایل صوتی](#)

## فهرست

شماره صفحه	عنوان
۶	شب اول
۲۷	شب دوم
۳۷	شب سوم
۵۴	شب چهارم
۶۶	شب پنجم
۷۶	شب ششم
۸۸	شب هفتم
۱۰۴	شب هشتم
۱۲۰	شب نهم
۱۳۴	شب دهم
۱۳۹	روز عاشورا
۱۴۷	شام غریبان
۱۵۶	شهادت امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۱۶۱	دهه محرم



شباب اول



باز آمدیم و محضرِ تو گریه میکنیم  
بی اختیار، در برِ تو گریه میکنیم

ماهِ محرم است و کنارِ ملائکه  
با روضه خوانِ مضطرِ تو گریه میکنیم

جمعیم بینِ جمعِ جوانانِ هیئتی  
با روضه هایِ اکبرِ تو گریه میکنیم

طفلی اگر که بود در آغوشِ مادرش  
بر آن رباب و اصغرِ تو گریه میکنیم

ای رأسِ خطبه خوانِ نشسته به نیزه ها  
بر خونِ رویِ منبرِ تو گریه میکنیم

روضه به قتلگاهِ تو وقتی که میرسد  
انگار پیشِ مادرِ تو گریه میکنیم

داری هزار و نهصد و پنجاه جایِ زخم  
از آنچه آمده سرِ تو گریه میکنیم

یادِ دوازده اثرِ پشتِ گردنت  
بر آن سرِ مطهرِ تو گریه میکنیم

با اذنِ مادرِ تو در ایامِ اربعین...  
بالایِ جسمِ بی سرِ تو گریه میکنیم

در روزِ حشر، قبلِ حساب و کتابمان  
اول برایِ خواهرِ تو گریه میکنیم



مشکی شب را روی دوش عالم امکان ندیدی؟  
غم را میان سینه‌ی بی طاقت انسان ندیدی؟

آیا تو هم یک توده‌ی ابری گلویت را گرفته؟  
در چشم‌هایت نم دلگیری از باران ندیدی؟

در کوچه‌های کوفه وقتی با خیالت راه رفتی  
تنهایی و غربت ندیدی؟ گریه‌ی مهمان ندیدی؟

وقتی عطش از پله‌ی دارالعماره رفت بالا  
جان را بهای یک سلام از جانب جانان ندیدی؟

جای هزار و نهصد و پنجاه زخم بی امان را  
در خط به خط صفحه‌های روشن قرآن ندیدی؟

بعد از غروب سرخ خورشید و هجوم تیره‌ی شب  
یک کودک ترسیده را در خیمه‌ها پنهان ندیدی؟

با رشته‌ی زنجیر چون دردانه‌ها را جمع کردند  
هر نیزه‌ای را سر گران و سرخ و سرگردان ندیدی؟

امشب محرم کوچه کوچه آمده تا تکیه‌ی شهر  
پیراهنی را بر هلال ماه آویزان ندیدی؟



دست من نیست گریه هام آخه  
پیرهنت یادگار مادر بود  
عطر دستای مادرت رو داشت  
سالها دلخوشی خواهر بود

نیزه‌ها تکه تکه از تن تو  
دلخوشی های خواهر و بردن  
ساریان و حرومیا اومدن  
یادگارای مادرو بردن

شاه بودی امام بودی تو  
سرتو از تنت جدا کردن  
از امامت چیزی نفهمیدن  
شاهو بی پیرهنت رها کردن

پا گذاشتن رو حرمت سینه‌ات  
قتلگا مثل کوچه‌ها شده بود  
تن تو مثل چادر مادر  
خاکی و غرق رد پا شده بود

مادرت گریه می‌کنه هرروز  
پیرهنت تو هنوز پر خونه  
فکر نعلای تازه ی اسبا  
عالم و آدمو می لرزونه

روضه‌ی پیرهنت جگرسوزه  
آسمونو می‌سوزونه غصه‌ات  
اسم تو از دهن نمی‌افته  
تا ابد داغ می مونه غصه‌ات

خیلی غافل شدم ازت خیلی  
خیلی وقتا شدی فراموشم  
از همون غفلتا می‌دونم که  
باری از اشتباهه رو دوشم

من که لایق نبودم اما تو  
دنبال نوکرات کشوندی منو  
دعوتم کردی آبروم دادی  
روی فرش عزات نشوندی منو

روسیاهم ولی هنوز دلم  
واسه تو می زنه توی سینه  
اسمتو وقتی می‌شنوم هر بار  
اشک توی چشم می‌شینه

اسم تو چشممو جلا داده  
کاش پاکم کنی به حرمت اشک  
آدم بهتری بشم ای کاش  
بعد گریه برات به برکت اشک

گریه‌های تو روضه‌هامونو  
همشو مادرت خریداره  
اگه تو گریه‌ها صداس کنیم  
هیچکسو بی جواب نمی‌ذاره

مادرت بانای عزای تو و  
عرش منبر شده برا روضت  
پیرهنت روضه خونه این شبها  
می‌شه جای فرشته‌ها روضه ت



می رسد آوای حزن از سوی جنات النعیم  
داغ شد آغاز، بسم الله الرحمن الرحیم

انبیا دارند جنت را سیاهی می زند  
اولیا دارند می گریند بر داغی عظیم

عرش با پیراهنی خونین مزین می شود  
چشم هامان همچو یعقوبند دنبال شمیم

هرکه حیران است، بسم الله، این باب نجات  
هرکه گم کرده است خود را، این صراط المستقیم

ما نه از امروز و دیروز و نه یکصد سال پیش  
ما گرفتار حسینیم از همان عهد قدیم

کربلا تنها اقامتگاه قلب مبتلاست  
دل بجز پایین پا، جایی نمی گردد مقیم



لطف مولاست نوکرش باشم  
و برایش نفس نفس بزنم  
پدرم کرده وقف روضه مرا  
هم غلام حسین، هم حسنم

کودکی بیشتر نبودم که  
مادرم بین روضه شیرم داد  
مادرم اشک بین شیرم کرد  
برکت حق بر این معامله باد

زلف من را گره به زلف زدند  
پای در بند این کمند شدم  
تا قدم از قدم گذارم پیش  
یا علی گفتم و بلند شدم

ماه‌ها پشت هم گذشت و گذشت  
و دل آشوب و خانه‌ی غم شد  
پدر آهسته گفت در گوشم  
که عزیز دلم محرم شد

مادرم گفت روز تاسوعا  
که سپردم تورا به دست عمو  
پدرم بین نوحه خوانی گفت  
جان بابا بگو حسین... بگو

مادرم گریه کرد و گفت رباب  
پدرم روضه خواند در گوشم  
و از آن روز در غم ارباب  
هر محرم سیاه می‌پوشم

در لباس سیاه هیئتی‌ام  
گوئیا چیز دیگری می‌دید  
بأبی أنت را که می‌خواندم  
پدرم بین گریه می‌خندید

من نفهمیدم آن چه شیری بود  
که برای حسین در به درم  
سال‌ها رفت و ماند پرسش من...  
خنده‌ی بین گریه‌ی پدرم

سال‌ها بعد، بعد از آن دوران  
کلبه‌ی کوچکی منور شد  
و به لطف و نگاه مولا بود  
همسر مؤمنی که مادر شد

ماه‌ها پشت هم گذشت و شدیم  
مثل هر سال جرعه‌نوش حسین  
و محرم رسید از راه و...  
پسرم شد سیاهپوش حسین

در دل مجلس عزای حسین  
من جواب سوال را دیدم  
با نگاهی به اشک فرزندم  
وسط اشک و روضه خندیدم

نور و رحمت به شیر مادرم و...  
لقمه‌ی پاک سفره‌ی پدرم  
لطف مولا همیشه هم‌رهشان  
و دو جمله برای تو پسرم:

نذر کردم که نوکرش باشی  
و برایش نفس نفس بزنی  
پسرم وقف روضه‌ات کردم  
هم غلام حسین، هم حسنی



## چهارپاره - رضا جوان بخت

از میان دفينه ی تاريخ  
اتفاقی بزرگ در راه است  
در پس این خطوط پيچاپيچ  
طالعی بر طلعيه ی ماه است

طالعی که برای آن هر شب  
چشم های ستاره بيدار است  
لحظه ای که برای آمدنش  
چشم چشم انتظار بسيار است

اتفاقی که نيست تکراری  
گرچه هر سال می شود تکرار  
آتشی که نمی شود خاموش  
کهنه داغی ز تازگی سرشار

همچو گنجی که از نهانخانه  
می رسد با صلابت محشر  
سر مستور می شود مشهود  
روی دست لطيف یک مادر

مادری که اگر نبود، نبود  
ردپایی از عالم خلقت  
می نهد پا به آسمان نخست  
سفره دار عشيره ی عصمت

از شکوه رسيدنش پيدااست  
روی دوشش رسالتی دارد  
راه رفتن برای او سخت است  
که خود این هم حکایتی دارد!

آخر کار از نفس افتاد  
داد تکیه به مسند خورشيد  
تحفه ای را که داشت در دستش  
پيش چشم جهانيان بوسيد

خلعتی بود زخمی و مجروح  
پر ستاره چو آسمان خدا  
آخرين يادگار يوسفش از  
حمله ی گرگ ها در آن غوغا

پيرهن پاره را به سمت زمين  
داد با دستهای خویش تکان  
شد برافراشته به طاق فلک  
رخت غارت شده به دست سنان

نالهی مادرش: "بنی حسین"  
رعشه بر عرش قدسيان انداخت  
جلوه اهتزاز پيروهنش  
شورشی در همه جهان انداخت

اولين ناله ی محرم را  
فاطمه (س) از نهاد سينه کشيد  
مادرش رفت و دست دوزش را  
مثل پرچم به آسمان کوبيد

دل هر کس که بود زهرایی  
شد حسينيہ های پيروهنش  
گریه بی اختيار شد وقتی  
پيروهن پاره هم نشد کفنش

چند روزی وديعه داده به ما  
مادرش پرچم محرم را  
خوب شد زنده بودم و ديدم  
باز هم شورش محرم را

پلک آشفته‌گان پیروهنش  
تر شد از زخم‌های پیروهنش  
یک نفر بین قتلگاه افتاد  
صد نفر از برای پیروهنش ...

بین جنجال یک نفر می‌گفت  
حرص بیهوده می‌زنید ای قوم!  
پاره تر می‌شود چنین که شما  
از تنش رخت می‌کنید ای قوم!

چیزی از پیروهن نمانده دگر  
سعی تان جمله بی‌سبب است!  
حین غارت سنان به پاسخ گفت:  
سنت جاهلیت عرب است

وحشیانه ربود از تن او  
پاره پیراهن عتیقش را  
ساریان خواست تا کسی نرسد  
کند انگشت با عقیقش را

شال و دستار، عبا و عمامه  
زره و رخت و خوود را بردند  
چکمه از پای او درآوردند  
کوفیان هر چه بود را بردند

نوبت غارت حرم شده بود  
دختران پابره‌نه در صحرا  
مردها عرب زبانم لال  
می‌دویدند سمت معجزها

زمزمه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر، یاسین زندگی



بند اول

ای همه ی دار و ندارم  
یه ساله که چشم انتظارم  
یه ساله واست بی قرارم  
قلبم  
عمریه که می تپه با دم تو  
قلبم  
شعله ور میشه با سوز غم تو  
قلبم ... ای وای  
ای کاش  
حاجتم رو شاه کربلا بده  
ای کاش  
مرگمو خدا تو روضه ها بده  
ای کاش ... ای کاش

بند دوم

پیراهنی که غرق خونه  
رو طاق عرش آسمونه  
مادر براش روضه می خونه  
مادر  
زدنت با سنگ و نیزه و عصا  
مادر  
کشتنت یه عده پست بی حیا  
مادر ... ای وای  
مادر  
تنت افتاده رو خاک کربلا  
مادر  
سر تو رفته به روی نیزه ها  
مادر ... ای وای

بند سوم

فقط همینه حال و روزم  
یه عمره از غصه می سوزم  
گریونه خواهرت هنوزم  
ای وای  
خیلی سخته پیش چشم خواهری  
ای وای  
بُرن تشنه سر برادری  
ای وای  
از تنی که مونده زیر دست و پا  
ای وای  
بمیره عالم از این درد و بلا



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

روی دوش آسمون یه پرچمه  
که طلیعه ی عزا و ماتمه  
پرچمی که بیرق محرمه

مادرش هر سال/پیرهن حسینشو میاره  
روی طاق عرش/به اهتزاز در میاره

شفاعت مادرش روزی/سینه زن و گریه کن هاست  
امانت فاطمه س/چند روزی تو این جهان مهمون  
ماست

بند دوم

روی دست فاطمه س گنج نهان  
شد علم مقابل هفت آسمان  
رخت غارت شده به دست سنان

مادرش میگه/با لب تشنه کنار دریا  
پیش چشم من/دست و پازدی رو خاک صحرا

عنایت مادرش اشکای/تو چشمای سینه زن هاست  
امانت فاطمه س/چند روزی تو این جهان مهمون  
ماست

بند سوم

وقت مغرب غرق خون یه پیکره  
زیر تیغ قاتل خیره سره  
قاتلی که خنجرش نمی بره

مادرش هر روز/زخم روی تنشو می بینه  
توی قتلگاه/دست و پا زندشو می بینه

قساوت قاتلش تو مقتل/مادرشو برده از حال  
امانت فاطمه س/مونده زیر دست و پا بین گودال



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول



الحمد لله رب العالمين  
با اذن بی بی جانم ام البنین  
کار روضه هات ارباب  
پرچم سیات ارباب  
هیچ سالی نمونده رو زمین

خود خدا پرچم تو رو بالا نگه میداره  
سینه زنت جز نوکری کار دیگه ای نداره  
پیرهن تو مادرت داره از طاق عرش میاره  
اشک مارو در میاره

خدا میدونه یه سال چقد غصه خوردم  
خدا رو شکر محرم تو دیدم و نمردم

بند دوم



الحمد لله رب الفاطمه  
دور سفره ت بازم جمع میشیم همه  
بین روضه هات ارباب  
ما سینه زنت ارباب  
بمیریم برات بازم کمه

مادر تو اسم مارو هم جزء نوکرات نوشته  
خدا گل مارو از ازل با غم شما سرشته  
بخدا این روضه ها برا نوکرات مٹ بهشته  
روضه هات خود بهشته

حاجتمو غیر خونه تون جایی نبردم  
خدا رو شکر محرم تو دیدم و نمردم

بند سوم



الحمد لله رب المرتضى  
شب ها از تو روضه میریم کربلا  
کوچه ها سیاهپوشه  
غرق شور و چاووشه  
خونه ها میشه دارالعازا


میرسه از طاق آسمون ناله های مادرونه  
یه تن پاره تو قتلگاه که غرق خاک و خونه  
یه مادری با قد کمون روضه واسه ما میخونه  
روضه واسه ما میخونه

جون ناقابل رو برا روضه هات آوردم  
خدا رو شکر محرم تو دیدم و نمردم



[دریافت فایل صوتی](#)




بند اول 

ببار ای غم و غم  
ببار اشک نم نم  
ببار و ببار باز  
در هوای محرم

وقتشه که با غیرت  
علم به دوش بگیرم  
زنده بشم به عشقت  
با روضه هات بمیرم

کوچه به کوچه ی شهر  
سیاه غم پوشیده  
زمزمه های روضه ات  
به زمزمه رسیده

ماه عزا و عزت.... باز سلام علیک  
ماه غم و معرفت.... باز سلام علیک  
وارث عشق و غیرت... ماه سلام علیک  
نور دل ولایت.... شاه سلام علیک

بند دوم 

شده فصل ماتم  
غم و اشک نم نم  
ببار اشک چشمم  
با نوای محرم

بارون غم رسید تا  
دوباره سیراب بشن  
با روضه های عطش  
چشمای تشنه ی من

فرصتام و سوزوندم  
چوب خطم آقا پره  
اشکای روضه اس که باز  
به درد من میخوره

ماه عزا و عزت.... باز سلام علیک  
ماه غم و معرفت.... باز سلام علیک  
وارث عشق و غیرت... ماه سلام علیک  
نور دل ولایت.... شاه سلام علیک

بهارم صداته  
امیدم نگاته  
بهشت دوعالم  
توی قلب کربلاته

آخه به دردم نخورد  
غیر خودت هیچ کسی  
زندگی بی تو یعنی  
انی ظلمت نفسی

هر جا خطا رفت دلم  
بیا و سر برام کن  
خیره کثیره دعوات  
فقط یه کم دعام کن

ماه عزا و عزت... باز سلام علیک  
ماه غم و معرفت... باز سلام علیک  
وارث عشق و غیرت... ماه سلام علیک  
نور دل ولایت... شاه سلام علیک



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

هر جا دلم گرفت،  
حسین برام نوشت  
غصه نخور کرب و بلا هست  
پاشو بیا بهشت

یعنی که باز آقام  
میخونه از چشم  
حال دلم خیلی خرابه  
محتاج کربلام

کرب و بلا  
از غبار حرمت شعبه میسازن تو بهشت  
کرب و بلا  
اسمم و امام رضا تو زائرای تو نوشت  
کرب و بلا (۲)  
کربلا... آب حیاتی  
کربلا... راه نجاتی  
کربلا... صوم و صلاتی

بند دوم

اسم حسین دواست  
ذکر حسین شفاست  
به غم بگو بیاد که ذکرم  
یا دافع البلاست

پُرَم از اشتباه  
رو دوشمه گناه  
حسین باید نگام کنه تا  
دل بشه روبراه  
جانم آقا

نوکرت اومده بین نوکرای سربراه

جانم آقا  
سر من خورده به سنگ نزار برم سمت گناه

جانم آقا (۲)  
جان آقا ... ردم نکردی  
جان آقا... که خیلی مردی  
جان آقا... دواوی دردی

بند سوم

عمری باشه بازم  
با پرچم و علم  
میام به سمت کربلات تا  
اونجا فدات بشم

ایشالا تو حرم  
قدم قدم قدم  
دستم و روسینه بزارم  
بهت سلام بدم

آرزومه

گریه ی عاشقونه تو صحن بین الحرمین  
آرزومه  
هی بگم یا ابو فاضل هی بگم حسین حسین  
آرزومه (۲)

آرزوم... بزم زیارت  
آرزوم... باهات رفاقت  
آرزوم... شهد شهادت



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

آسمون دلای شیدا/ بازم بارونیه  
گریه‌ی تو روضه دوا‌ی/ دل زندونیه  
دلم خوشه\* مادر تو/ صاحب این/ مهمونیه

بازم غمت توی دلم زده جوونه\*/ الحمدلله  
باز اسمم و مادر تو داره می‌خونه/ الحمدلله

با یاد پیرهنت/ چشم میباره  
بازخمای تنت /شدم آواره  
شد عریان بدنت/شدم بیچاره

بند دوم

چه خوبه که چراغ روضه/دوباره روشنه  
این دل دیونه تو سینه/براتو میزنه  
شکر خدا/ گریه برات/دومرتبه/رزق منه

محبتت خیلی زیاده از سر ما /ارباب خوبم  
مثل همیشه را میای با ما گداها/ارباب خوبم

غارت شد بدنت/ آقام ای آقام  
با سنگ می‌زدنت/ آقام ای آقام  
ای وای از کفنت/ آقام ای آقام

بند سوم

آرزومه که توی روضه/ بمیرم از غمت  
تابوتمو کاشکی بیارن/میون حرمت  
بارغمم /میره اگه/ نگام کنی  
باکرم

موهام سفید شده سر روضه ی گودال/جانم حسین ع

جان

چه ضجه‌ها زدم برا اون تن پامال /جانم حسین ع

جان

زیر و رو شد بدنت/ غریب مادر  
وای عقیق یمنت/ غریب مادر  
با عصا هم زدنت/ غریب مادر



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - حمیدرضا خونویی



بند اول

راهم بده، راهم بده، اشکم بده، آهم بده  
لطفی به قلب من کن و راهم بده

سیدالشهدا آقای دو عالم  
صاحب اشک و منبر محرم  
بخر آقا جان نوکراتو در هم  
ای که هستی جانا پناه قلبم

گریه میکنم برات آقا  
سینه میزنم برات جانا  
اشکم جاری برا اشکت  
غارت کردن تنتو آقا  
ای جانم حسین حسین ای جان

بند دوم

تنگه دلم، واسه حرم، بازم نگام کن از کرم  
بدجور دلتنگم آقا واسه حرم

اومدم بازم روزیمو بگیرم  
بنویس واسم واسه تو بمیرم  
این سیاهیا شاهدن یه عمره  
روزیمو هر سال از روضه میگیرم

تشنه بودی و ندادن آب  
خواهرت شده ببین بی تاب  
فاطمه رسیده تو گودال  
چرا شده محاصنت خضاب

ای جانم حسین حسین ای جان



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - امیرمحمد انصاری



بند اول

ای جاده های مرثیه را منتها  
وی تار و پود ادعیه را محتوا  
یا من اسمه دوا  
و ذکره شفا

ای لطف بی کران، نور عالم گیر  
از عمق دل و جان، میگویم از ضمیر  
حسینی بمان و حسینی بمیر

ای جان من جانان من  
ای روح من ریحان من

حی الله حسین ع  
ابی عبدالله ع

بند دوم

بر کشتی هدایت حق ناخدا  
ای بوده باخدا همه جا همصدا  
یا من اسمه دوا  
و ذکره شفا

خیرالعمل تویی احلی عسل تویی  
در عشق و عاشقی، ضرب المثل تویی  
هم آخر تویی و هم اول تویی

ای آهنگ لبهای من  
هم دنیا هم عقبای من

حی الله حسین ابی عبدالله ع



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

رسید اون شبی که، یه ساله آرزومه، نَمیرَم و ببینم  
شب اول محرم، پیرن سیاه پوشیدم، توو هیئتت  
بشینم

الحمدلله، رسیدم دوباره  
از ابرِ چشمام، بارون می باره  
داغت حسین جان، تمومی نداره  
حسین، آقا جانم ۴

بند دوم

اومد اون شبا که، پُر آشوبم انگار، مثل وقت غروبم  
با رفیقام توو هیئت، به اذن مادر تو، روی سینم میکوبم

نوکر نوشته، منصبم رو زهرا  
اوجِ کمالِ، سینه زنی ها  
مثلِ بهشتِ، روضه هات برا ما  
حسین آقا جانم ۴

بند سوم

رسید موقعی که، با ناله های زهرا، یه دنیا میشه دَر  
هم  
هلالِ ماهِ ماتم، خیر میده به عالم، رسیده باز محرم

جونم رو پایِ پرچمت میدارم  
بی تو میدونم هیچی ندارم  
توو روضه امسال، کاش تموم شه کارم

حسین آقا جانم ۴



[دریافت فایل صوتی](#)



خوش اومدی به قلبم  
غم عزیزم عالم  
یه ساله چشم انتظارم  
برا شبای محرم

داره میاد صدای پای  
قافله ی ماه و ستاره  
پشت سر عزیز زهرا(س)  
اشکای آسمون می باره

توی آسمون هفتم  
خود خدا عزا گرفته  
سیاهیا گواهی می دن  
که قلب شیعه ها گرفته

السلام علی الحسین(ع)  
و علی بن الحسین(ع)  
و علی اولاد الحسین(ع)  
و علی اصحاب الحسین(ع)



مگه میشه یادم بره  
شبای جمعه کربلا رو  
به عالمی نمی فروشم  
روضه های پایین پا رو

چی میشه من برا تو باشم  
اوج سعادتتم همینه  
اشک چشای نوکرت رو  
ایشالا مادرت می بینه

آخرش یه شب تو روضه  
حاجتمو ازت می گیرم  
تموم آرزوم همینه  
توی زیارتت بمیرم

السلام علی الحسین(ع)  
و علی بن الحسین(ع)  
و علی اولاد الحسین(ع)  
و علی اصحاب الحسین(ع)



[دریافت فایل صوتی](#)

واحد سنگین - سعیده کرمانی،  
امیر اسدی، سعید حمیدیان فر



بند اول

ای بهترین تقدیر هر سالم  
تعبیر ناب احسن الحالم  
عشق تو را من جار خواهم زد  
باید که بشناسد تو را عالم

در کوی و خیابان همه جا نام تو هست  
هر دل که شکسته است کاشانه‌ی توست  
دیوار به دیوار سیه پوشیده  
این خانه‌ی من نیست عزاخانه‌ی توست

هر کجا پر شده از مرثیه‌ی محتشمت  
شهر ما تکیه زده بر علمت  
یا حسین یا حسین یا حسین

بند دوم

این اشک‌ها آینه‌ی عشق است  
با گریه من تکثیر خواهم شد  
در روضه‌هایت زندگی کردم  
با روضه‌هایت پیر خواهم شد

هر کس که به عقل و عشق محرم شده است  
مجنون محرم است و دیوانه‌ی توست  
ای کاش که روزی بشود سجده کنم  
بر خاک عبایی که سر شانه‌ی توست

تربت مهر قبولی نماز است حسین  
بنده‌ی تو سرفراز است حسین

یا حسین یا حسین یا حسین



[دریافت فایل صوتی](#)

واحد سنگین - عالیه رجیبی،  
امیر اسدی، سعید حمیدیان فر



بند اول

شهر پر از رنگ و ریا کوفه  
بویی نبرده از وفا کوفه  
مسلم فدای غربتت آقا  
هر جا برو اما نیا کوفه

این کوفه همان کوفه‌ی بد عهد و وفاست  
بغض علی از بام و درش شعله ور است  
هر کس که برای تو نوشته ست بیا  
در کشتنت از بقیه آماده تر است

نیزه‌ها منتظر بوسه‌ی بر پیکر توست  
دشنه‌ها، تشنه تر از حنجر توست  
یا حسین یا حسین یا حسین

بند دوم

با سینه‌ای از درد آکنده  
مانند مرغی بال و پر کنده  
انگار دنیاست خواست تا مسلم  
باشد جلوی تو س افکنده

هر ثانیه دلواپس تقدیر توام  
ای کاش به گودال نیفتد گذرت  
دلواپس آنم که تو را دوره کنند  
با هر چه که دارند، بریزند سرت

السلام ای همه‌ی دار و ندار دل من  
السلام ای تن بی غسل و کفن

یا حسین یا حسین یا حسین



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)



بند اول

طریقی الیک  
وقلبی لدیک  
سلام الله علیک  
اباعبدالله

سفارش امام رضا همینه  
محرمات برات سیا(ه) بیوشم  
تا که میزارم پامو توی هیئت  
صدای مادرت میاد به گوشم

سینه‌زنای پسرم خوش اومدید تو روضه‌ها  
وعده‌ی بعدی ماها توو اربعین، کرب و بلا  
حسین حسین ثارالله

بند دوم

طریقی الیک  
وقلبی لدیک  
سلام الله علیک  
اباعبدالله

فقط تو دنیا خونگی تو امنه  
واسه ما هیئت تو سرپناهه  
این عرق سینه زنی تو محشر  
باعث بخشیدگی گناهه

ادخلوها بسلام آمین گفته خدا  
یعنی که با قصد شفا پا بزارید تو روضه‌ها  
حسین حسین ثارالله



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

به اذن الله و اذن نبی و دخت نبی  
به اذن الله و اذن آقام امام علی

به اذن حسن آقای کریم  
بسم الله الرحمن الرحیم

مشکی بر تن به اذن ثارالله  
گریه واست اینه بهشت من  
مدیون لطف مادرت هستم  
مهترت بوده تو سرنوشت من

آقام آقام حسین حسین آقام

بند دوم

به اذن الله و اذن همه‌ی اهل حرم  
به اذن الله و اذن عمو . به مشک و علم

به اذن عزا به داغ عظیم  
بسم الله الرحمن الرحیم

از تو میخام تا آخر عمرم  
آقا زیر همین علم باشم  
هر وقتی که چشمو می‌بندم  
با لطف تو توی حرم باشم

آقام آقام حسین حسین آقام



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

میشه با یه پرچم سیاه نور دلدادگی و کشید  
رقص پرچم قشنگه با نقش یا حسین شهید

من از محبتت-سرشارم/من از دشمن تو-بیزارم  
من از تموم دا - ر دنیا /همین حسین حسینو دارم

بذار بگم با زبون ساده

همین حسین حسینم از سرم زیاده  
خدا اجازشو به هر کسی نداده

آه/محرم اومد از راه

بند دوم

همیشه تو باعث شدی خیلی جاها نره آبروم  
شب اول قشنگه که گنبدت باشه روبروم

غمتم دلم رو در-یا کرده/روز و شبامو زبیبیا کرده  
درای بسته ی -دنیامو / نخ شال عزات-وا کرده

شال ماتمت آبرو به من داد موج پرچمت دل رو داده

بر باد

غصه ی غمت دریای نگاهم اسم اعظمت از لبم  
نیفتاد

تویی که جلوه تا بی کرونه داری

بین دلای عاشق یه خونه داری

قد تموم عالم دیوونه داری

ارباب خوبم ماه عزاتو عشقه

ارباب خوبم پرچم سیاتو عشقه

ارباب خوبم سینه زناتو عشقه

بند سوم

توی کوچه پس کوچه ها دم به دم شعر محتشم  
سر به آسمون میکشه تیغه های روی علم

چه بی کرونه این-الطافت/که باز تو روضه هات-  
مهمونم

به یاد اربعین هر سال/دارم بازم برات -میخونم

به سمت دریا تو میکشونیم

دارم میام نه تو میرسونیم

میون خیمه ت تو مینشونیم



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

از دارالعمارہ میبینم توو راهی  
برگرد ای عزیزم حالا که نداری لشگر و سپاهی

تو رو چون مادرت نیا ؛ لااقل با خواهرت نیا  
روی مسلم و زمین نزن ؛ با دخترت نیا

همه نامه ها دروغ بود / زدنت صدا دروغ بود  
گفتن بیا دروغ بود

بند دوم

اینجا آدماشون از سنگه دلاشون  
کوچه کوچه رفتم از بی مهریاشون موندم مات و  
حیرون

با علی اکبرت نیا ؛ لااقل با اصغرت نیا  
روی مسلم و زمین نزن ؛ با دخترت نیا

بیقرارتن دروغه / که کنارتن دروغه  
اینا یارتن دروغه



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

خودمو با تو شناختم/ای تموم خاطراتم  
برام از تو یادگارہ/پیرهن سیاه ماتم  
سرتاسر سال، عشقم اینه که برسه ماه عزاتون  
تا دوره بشه، عمر نوکریم زیر پرچم سیاتون  
زندگی بی غمت، دنیا بی محرمت، مگه میشه، مگه  
میشه، مگه میشه

با تو ام تا پای جوون، تا همیشه روضه خون، تا همیشه  
، تا همیشه، تا همیشه

بند دوم

ای تموم اعتبارم/زندگی مو از تو دارم  
هرچی داشته باشم آقا/بی شما چیزی ندارم  
خاک دلمو، آب و گلمو خدا از گل تو ساخته  
از روز ازل تا روزابد، نوکرت دل به تو باخته  
شده دنیا زندونم، بی حسین نمی تونم، نمی تونم، نمی  
تونم، نمی تونم

اگه عشقت نباشه، اگه جنتم باشه، نمی مونم، نمی  
مونم، نمی مونم



[دریافت فایل صوتی](#)





شد روز وعده ، صبر خدا سررسیده بود  
در چشم نوح کار به آخر رسیده بود

آماده ی اطاعت پروردگار شد  
با مومنان خویش به کشتی سوار شد

دنیا اگرچه غرق بلایی عظیم بود  
کشتی پر از نوازش دست نسیم بود

گهواره وار بود تکانی اگر که بود  
آرام بود هم سفر نوح هر که بود

ناگاه قلب نوح پر از اضطراب شد  
آرامش اهالی کشتی خراب شد

موج اهل نوح را به تلاطم کشانده بود  
چیزی به غرق کشتی ایمان نمانده بود

گفت ای خدا که جز تو نداریم هیچ کس  
این اضطرابها و تکانها چه بود پس

وحی آمد این تلاطم تو قصه اش جداست  
این سرزمین که غرق بلا بود کربلاست

جبریل روضه خواند و زمین و زمان گریست  
همراه چشم نوح نبی آسمان گریست

حرف از فرات و علقمه و قحط آب شد  
نقل حسین ع و دفن عزیز رباب شد

نوح نبی به کربلا یک اشاره کرد  
با چشم دل عزیز خدا را نظاره کرد

وقتی پناه عالمیان بی پناه شد  
با دست نیزه معتکف قتلگاه شد

با آخرین نگاه دل از خواهرش برید  
خنجر حیا نکرد و سر از پیکرش برید

با پای چکمه حرمت آئینه اش شکست  
در قتلگاه همه شد سینه اش شکست

می دید چشم نوح ، تنی پاره پاره را  
انگشتر حسین و سپس گوشواره را

پهلوی گرفت کشتی و شد میهمان دشت  
با گریه بر حسین خدا از بلا گذشت



نُه روزِ بعد، وقتِ جدا کردنِ سری  
فریادِ شمر بر سرِ زینب هوار شد

نُه روزِ بعد، هلهله وقتی که پا گرفت  
زینب به رویِ ناقه‌ی عریان سوار شد

نُه روزِ بعد، رأسِ شریفی به رویِ نبی  
اما تنش سه شب به زمین ماندگار شد

نُه روزِ بعد، قافله میرفت سمتِ شام  
پشتِ سری که زینتِ آن نیزه زار شد

در شهرِ شام، موقعِ ننگینِ شربِ خمر  
آنجا سرِ کنیز گرفتن، قمار شد

تا از مدینه قافله ای هم قطار شد  
فصلِ خزانِ گلشنِ این روزگار شد

منزل به منزل از همه جا دل بریده اند  
حبِ الحسین بر لبِ آنان شعار شد

آهسته آمدند و رسیدند عاقبت  
در مقصدی که روزِ همه شامِ تار شد

وقتِ نزولِ زینب کبری به رویِ خاک  
دور و برش ز جمعِ جوانان حصار شد

پرسید از حسین، بگو این زمین کجاست؟  
با چهره ای که مملو از انکسار شد

از این مصاحبت چقدَر هر دو سوختند  
طوری که چشمِ اهل حرم گریه دار شد

در خیمه‌ی زنانِ حرم شعله میکشید  
ترسی که رویِ صورتشان آشکار شد


گرمایِ کربلا که به اصغر رسید، وای  
حالِ رباب، مثلِ دمِ احتضار شد

نُه روزِ بعد، با نوکِ تیزِ سه شعبه ای  
کوچکترین ستاره‌ی زهرا شکار شد

نُه روزِ بعد، هستیِ خواهر به باد رفت  
در شیبِ قتلگاه، تنی تار و مار شد

زمزمه - سعیده کرمانی، سعید  
حمیدیان فر، یاسین زندگی




بند اول 

به کربلا رسیده مهمون  
شده دل زینب پریشون  
داره میگه با چشم گریون

ای وای، چرا دلهره سراغم اومده  
ای وای، انگاری بارون ماتم اومده  
ای وای...ای وای

ای وای، چرا دلواپس اصغرت شدم  
ای وای، نگران علی اکبرت شدم  
ای وای ... ای وای


بند دوم 

اینجا شده منزل آخر  
آروم و سیراب علی اصغر  
خوابیده تو آغوش مادر

لالا، نگرانم ولی تو آروم بخواب  
لالا، نکنه اینجا بشه قحطی آب  
ای وای ... ای وای

مادر، الهی داغت رو قلبم نشینه  
مادر، حرمله ای کاش گلوتو نبینه

ای وای... ای وای

بند سوم 

روضه رو مادرش می‌بینه  
تن حسین روی زمینه  
قاتل روی سینه اش می‌شینه

نامرد، خطرات مادرو به هم نریز  
نامرد، رگای این حنجرو بهم نریز  
ای وای ای وای  
نامرد، می‌شنوی ناله‌های خواهرشو  
نامرد نزن این جوری شکستی سرشو  
ای وای ای وای



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)

## زمینه - دانیال مهرانی



### بند اول



محمل های؛ آل الله / زیر نور خورشید؛ بین راهه  
مبدا نور و؛ مقصد عشقه / این سیر نورانی؛ الی الله

این شور شیدایی عاشق ها  
بر پا میشه با دستای سقا  
همراهه با کاروان ارباب  
دعای خیر حضرت زهرا

علم شد علم به پا شد عزا  
پناه بر خدا از کرب و بلا

### بند دوم



تا محشر این؛ پرچم بالاس / رد سرخ عشقه؛ که توو

دل هاس

بچه ها با؛ هم میخونن / کم نشه سایه ی؛ عمو

عباس

چاره ساز عالم سرگردونه  
چشما خیسه و از غم بارونه  
زینب میخونه بیا برگردیم  
که زن و بچه همراهمونه

دل غم گرفت حسین زد صدا

پناه بر خدا از کرب و بلا

### بند سوم



اشک خواهر؛ دریا دریا/سالار زینب موند؛ تنها تنها  
ده روز بعد؛ بین گودال/راس ارباب عالم؛ رو نیزه ها

ای وای از اون غروب عاشورا  
پاره ی تن زهرا و گرگا  
خیمه ها که غرق آتیش و دود  
آتیش میگیره همه دامن ها

اسارت میشه سهم دخترا  
پناه بر خدا از کرب و بلا



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

یا طیب من لا طیب له  
یا مجیب من لا مجیب له  
رسید ماه محرم  
یا حبیب من لا حبیب له

شوق پرواز از تو سر از من  
گریه از تو چشم تر از من  
عاشق پای عشقش میمیره  
دار از تو سر از من

مرده بدمو حیاتم شدی  
نور منو صراطم شدی  
توی این طوفان زندگی  
کشتی نجاتم شدی

ای جانانا مولانا حسین

بند دوم

ای عشق و دین و باورم حسین  
از داغت زار و مضطرم حسین  
می آیی به کربلا  
با اصحاب و اهل حرم حسین

بیرق تو دستای علمدار  
غیرت تو چشمای علمدار  
زینب از محمل پا میذاره  
برپای علمدار

جبروت و جلالُ بین  
ماه بی مثالُ بین  
علی اکبر یا پیغمبره  
به به به جمالُ بین

ای جانانا مولانا حسین

بند سوم

یامغیث من لا مغیث له  
یاشفیق من لا شفیق له  
بگیر دستمو آقا  
یا رفیق من لا رفیق له

آزادی میشه با تو معنا  
ای شاه افتاده به صحرا  
کی مثل سقای تو میره  
لب تشنه به دریا

کل سرنوشتم حسین  
علت سرشتم حسین  
با اشک چشمام عمریه  
رو قلبم نوشتم حسین



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

دل ارض و سما خون شد  
حسین آمد همه، کربلا خون شد

همه عالم، پریشانند  
ملائک سینه زن، نوحه می خوانند

که آمد کاروان، به دشت کربلا  
به لبها زمزمه، شده باز این نوا

لبیک شاه کربلا، لبیک شور روضه‌ها  
لبیک یابن فاطمه، لبیک یابن مرتضی

بند دوم

چه گل‌هایی، گلستان است  
بهشت بیکران، روح و ریحان است

حبیب است و علی اصغر  
زهیر و حنظله با علی اکبر

امیر کاروان، یل ام البنین  
علم می کوبد و، بگوید اینچنین

لبیک شاه کربلا، لبیک شور روضه‌ها  
لبیک یابن فاطمه، لبیک یابن مرتضی

بند سوم

نهان گشته، در بطحا  
میان خیمه‌ها، زینب کبری

ولی زینب، پریشان است  
که تنها و غریب، شاه خوبان است

شود گل‌های او، فدا در کربلا  
بگوید زینب این، سخن را با ابا

لبیک شاه کربلا، لبیک شور روضه‌ها  
لبیک یابن فاطمه، لبیک یابن مرتضی



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

روضه و عزا به پا کنید  
حدیث کربلا کنید  
به اذن نبی به اذن علی به اذن خدای روضه ها  
السلام ای بزم عزا  
السلام ای حال بکا  
السلام ای خون خدا

باز پناه آوردیم به روضه  
باز پناه آوردیم به نوحه  
باز پناه آوردیم به هیئت  
باز گرفته نوکر تو قیمت

روضه روضه ی عزیز زهراس  
روضه ی عطش میون دریاس  
دست و پا زدی میون گودال  
برای کشتنت شده چه جنجال

جان حسین (۲) حسین جان

بند دوم

رو به سمت کربلا کنید  
به حال بکا به اذن خدا  
به اذن علی موسی الرضا  
السلام ای کتیبه ها  
السلام ای ماه عزا  
السلام ای راس جدا

باز امام رضا خریده مارو  
باز گرفته دست نوکرارو  
باز اجازه داده دم بگیریم  
روی دوشمون علم بگیریم

روضه میخونه امام رضا جان  
دم گرفته باز غریب حسین جان  
حرمتت شکست شد تو گودال  
زیر پا شدی چرا تو پامال

جان حسین (۲) حسین جان



[دریافت فایل صوتی](#)

واحد سنگین - سعیده کرمانی،  
امیر اسدی، سعید حمیدیان فر



بند اول

ای خاک دامن گیر پر اسرار  
والا ترین گنجینه در اعصار  
دل را گره دادیم بر زلفت  
ای کربلا ای خانه‌ی دل دار

ای ساحل امنیت و آرامش ما  
ای خاک تو گشته حرم خون خدا  
در راه تو رنج و خطری مطرح نیست  
هر رنج و بلای این مسیر است دوا

کاش شود روزی هر ساله‌ی ما یا الله  
کربلا روضه‌ی صحن اباعبدالله ع

کربلا کربلا کربلا

بند دوم

در این زمین افتاد علی اکبر ع  
خوابیده در اینجا علی اصغر ع  
تا چشم می‌بیند در این صحرا  
خون شهیدان است سر تا سر

از تربت اطهرت شفا می‌ریزد  
در سینه‌ی خود عطر اجابت داری  
آغوش تو تا ابد به رویم باز است  
از بس که به زائران محبت داری

کربلا وصل تو شد دعای دل نشین ما  
کربلا مقصد قرار اربعین ما

کربلا کربلا کربلا



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)



بند اول

با شکوہ دیدن دلبر و دلدار  
میاد و دلا رو می کنه گرفتار  
با علی اکبر و قاسم و رقیه ع  
داره از راه میرسه قافله سالار

نورانیہ علم توی دستای سقا  
هو می کشن ملائکہ تو عرش اعلی  
دل تنگ قدماش شده موجای دریا  
عالم می بینہ ہیبت کرار مولا

ای والله ای والله به سردار حسین ع  
ماشالله ماشالله علمدار حسین ع

بند دوم

کربلا دل نگرون این قبیلہ ست  
نگرون لشکر فریب و حیلہ ست  
چی قرارہ کہ سر حسین بیارن  
چرا ابر غم تو چشمای عقیلہ ست

گوش زمین پراز خبر ناگوارہ  
سنگ بلا میخواد سر زینب بارہ  
اصغر رو شونہ ی پدرش سر گذاشته  
فردا قرارہ سر روی نیزہ بذارہ

آشوبہ آشوبہ توی قلب رباب  
میکوبہ میکوبہ دلش با اضطراب

بند سوم

روبرو سپاہی از نیزہ و تیرہ  
غصہ جون زینبو دارہ میگیرہ  
کاش نبینہ کہ یکی با نیزہ دارہ  
حنجر حسینشو نشونہ میرہ

کاشکی نبینہ کہ رو تنش پا میذارن  
سر نیزہ هاشونو رو تنش جا میذارن  
کاشکی نبینہ اون بدن غرق خونو  
بی غسل و بی کفن روی خاکا میذارن

میبینہ میبینہ ولی دوبارہ داغ  
سنگینہ سنگینہ براش غم فراق



[دریافت فایل صوتی](#)





مرغ باغ ملکوتم که شکسته است پرم  
ریخته دست زمان خاک یتیمی به سرم

چه فراقی و چه داغی که ندیده چشمم  
در همین فاصله از زندگی مختصرم

چند روزی است که از حال دلم بی خبری  
چند روزی است که از حال سرت بی خبرم

شانه ی سنگ شده جای سر دختر تو  
جای آغوش تو ای کوه ترین مرد حرم

مو ندارم به سر و سوخته گیسویی که  
می رسیده است زمانی قد آن تا کمرم

کاش میشد که دوباره به مدینه برویم  
تا که انگشتری از شهر برایت بخرم

کفتر جلد سر و دوش عمویم بودم  
حال با حرمله و شمر و سنان همسفرم

سیلی و هلله کم بود که با زخم زبان  
هر کسی زد نمک طعنه به زخم جگرم

گر چه گیسو و سرم سوخت ولی شکر خدا  
معجز سوخته ای هست ببندم به سرم

کاش می شد که نخعی از گل پیراهن تو  
باخودم محض تبرک به مدینه ببرم

آبرو بود که از کاخ ستم می بردم  
باهمین اسلحه ی اشک و همین چشم ترم

دست و پا گیر شدم مرحمتی کن ببرم  
که در این قافله با تاول پا دردسرم

بین زهرا و رقیه چه شباهتهایی است!  
کشته سیلی بعد از غم داغ پدرم



این نیمه شب انگار که خواب از نظرم ریخت  
با سر به حرم سر زدی و اشکِ حرم ریخت

بر صورتِ تو زخم زیاد است بمیرم  
خون است برایِ تو که از چشمِ ترم ریخت

تعریف ندارد به خدا حالِ بدِ من  
از بس که کتک خورده ام انگار پرم ریخت

من گم شدم و آمد و فریاد کشید و  
ترسیدم و لرزیدم و آنجا جگرم ریخت

آتش به سرم ریخته شد مویِ سرم سوخت  
یک مُشت از این مویِ سرم از کمرم ریخت

هر وقت که سیلی زدندم، سر که تکان خورد  
تنها گلِ سر بود که در دور و برم ریخت

یک دخترِ هم سنِ خودم پُشتِ خرابه...  
ته مانده‌ی نانِ شبشان را به سرم ریخت



عطری از یار می رسد انگار ماه! رخسار خویش پنهان کن  
آفتاب این خرابه آمده است آسمان را ستاره باران کن

خاکی است این زمین اگر چه ولی موی خود را به پات فرش کنم  
تو فقط یک قدم بر آن بگذار شعله‌ی موی من گلستان کن

من توانم نبود بیش از این تو ولی قول ده به من امشب  
دخترت را هر آن کجا بودی تا ابد نزد خویش مهمان کن

کنج طشت طلا و یا که تنور خاک و خون یا ذغال و خاکستر  
با همه هم سخن شدی اما با من این بار درد عنوان کن

درد زخم عمیق روی لبِت بشکند دست قدر شناسش  
جای او مثل آن قدیم بیا جان من را ندای قرآن کن

درد دندان خرد گشته چطور که مرا کشت در همان مجلس  
باز اما شبیه‌مان کرده... یک نگاهی به این دو دندان کن...

درد دیدار ما در این احوال دیدن من بدون موی سیاه  
حال من در کنار تو خوب است جان من کم دلت پریشان کن

گریه کردی مگر چقدر که هر کاسه‌ی چشم تو پر از خون است؟  
گر مرا در دل تو جایی نیست، گریه را بر دل خود آسان کن

غصه ای نیست درد اگر دارم غصه ای نیست رنج اگر دیدم  
معجزم از سرم نیوفتاده به سرافرازی خود ایمان کن

ترس دارم من از نگاه شهر چاره ای نیست خود بیا امشب  
دخترت را ز چشم های حسود در دل این خرابه پنهان کن



آخه من کار بدی کردم مگه  
که منو زندونی کردن کوفیا؟  
تو می دونی چیه این بزم شراب؟  
حرفشون رو من نمی فهمم چرا؟

من نمیدونم چرا تو شهر شام  
نون و خرما یه نفر به ما می داد؟  
من نخوردم لقمه ای از این غذا  
آخه خیلی بوی کهنگی می داد

کی میگه که من زبونم میگیره؟  
خیلی هم شیرین زبونم عمه جون  
خیلی وقته با کسی حرف نزدم  
آخه من بی همزبونم عمه جون

عمه، تو، شطرنج، میدونی چیه؟  
یا که اون طشت طلا واسه کیه؟  
خیزران دیگه چرا تو دستشه؟  
اینهمه گریه دیگه واسه چیه؟

واسه چی به ماها میگن خارجی؟  
من مسلمونم، مگه نه عمه جون؟  
این لباسا خنده داره؟ پس چرا  
تا منو دیدن شرو(ع) شد خنده شون؟

عمه این سر کیه پیش منه؟  
چقدم موی سرش خونی شده  
این سر خونیه بابای منه؟  
میگما اینجا چراغونی شده!

رنگ آسمون چرا اینجوریه؟  
صبحه یا که شب شده، اینجا کجاست؟  
عمه من کی خوابیدم تو یادته؟  
خواب بد دیدم بگو بابا کجاست؟

خوابه یا بیداریه این لحظه ها؟  
خیمه مون عمه مگه اینجا نبود؟  
جمعمون چرا پراکنده شده؟  
از کجا داره میاد این بوی دود؟

راستی گهواره چی شد؟ علی کجاست؟  
دل من پرمیکشه واسه نگاش  
توی آغوش کی خوابش می بره؟  
کی الان میخونه لالایی براش؟

عمه از علقمه نیمده عمو؟  
مشک پر آب عمو جونم کجاست؟  
دل من تنگه برای دیدنش  
این سر کیه که روی نیزه هاست؟

چی میخوای از جون من مرد عرب؟  
دیگه من چیزی ندارم به خدا!  
شعله های دامنم رو می بینی؟  
خسته ام دنبال من دیگه نیا

اومدی خاموش کنی دامنمو؟  
لطف تو حتما به بابا جون میگم  
توی مشک تو یه ذره آب هست؟  
واسه بابا ببرم تشنه اس یه کم

این همه راهو چجوری اومدی؟  
به همه گفتم که باباجون میاد  
نکنه با نیزه دارا اومدی؟  
پس تو هم اذیت شدی خیلی زیاد

کی رگای گردن تو رو برید؟  
کی یتیمی رو برای من نوشت؟  
عمه میگه رفتی تو پیش خدا!!  
چطوری تنهایی رفتی توو بهشت؟

التماست می کنم منو ببر  
راحتم کن از غم و از اضطراب  
دخترت رو تو دیگه تنها نذار  
با یه دنیا از سوال بی جواب



آغوش بابا رو می خواست دیگه  
انتظارش حالا به سر رسیده  
به همین قدرشم کفایت کرد  
سر باباش از سفر رسیده

دلبری کرد مثل اون وقتا  
سرشو رو سر بابا می داشت  
بوسه داد صورت کبودش رو  
خون خشکو که از لبش برداشت

کر می شه گوش شام امشب از  
قصه ی دختری که دق می کنه  
سر بابا و دامن دختر؟  
قلب دختر کوچیکه دق می کنه

دختری توی خونه تون داری؟  
تاحالا شونه کردی موهاشو؟  
تا حالا دیدی حال خوبی که  
داره وقتی می بینه باباشو

دیدی آب خوردن قشنگش رو  
چادرم داره تو پر و بالش؟  
چقدر دوست داره نوزادو؟  
وقتی خسته اس چطوره احوالش؟

ای به قربون اشکای چشمت  
گریه کردی اینا مگه روضه اس  
گونه ی نازک و لطیفش نه  
گوشواره اش رو دیدی اگه روضه اس

عصر روز دهم می گن ترسید  
شیعه می میره با همین یک داغ  
بچه از تاریکی نمی ترسه؟  
تو خرابه نبود شمع و چراغ

گم شدن از رو ناقه افتادن  
واسه لکنت گرفتنش بس نیست؟  
بچه ی کوچیکو کتک می زنن؟  
غیر زجر اینجا دیگه هیچ کس نیست؟

دختره با شیرین زبونی هاش  
گفتن از آرزو و آینده اش  
دندونای شکسته شو چی بگم  
دختره و قشنگی خنده اش



## چهارپاره - مهدی قربانی

یه بساطی ما داریم نگو نپرس  
عمه هام یواش یه چیزایی میگن  
نمیدونم راجب کیه ولی  
هی میگن که سرشو بد بریدن

من نمیدونم کیه اما میگم  
حالا که جدا شده سر از تنش  
اگه دختری داره اون بیچاره  
دخترش ندونه سر بریدنش

از کجا برای تو بگم حالا  
خیلی حرف برای گفتنم دارم  
خودشون دارن باهات حرف میزنن  
خود زخمایی که رو تنم دارم

زخمایی که جونم و به لب آورد  
زخمایی که رو پاهام آبله شد  
جواب گریه های دختر تو  
خنده شد کتک شد و هلهله شد

لکنت زبونم و چیکار کنم  
خیلی وقتا نفسم رو میگیره  
یکی از دخترای شامی میگف  
اینجوری بهتره دختر بمیره

مسخرم میکنه و کز میکنم  
دعا کن که دختر تو جون بده  
باباشو نشون میده به من میگه  
تو اگه بابا داری نشون بده

بابا، گوشواره‌ی من رو یادته؟  
تو خریدی و برام یه خاطرَس  
یکی از روی گوشام کشیدو رفت  
حالا روی گوشای این دخترَس

منو که دیشب زدن عمه میگف  
نزنید که آه مظلوم میگیره  
گفتم اینجور نیمونه و یه روز  
تو میای دل من آروم میگیره

زمزمه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر، یاسین زندی



بند اول

دیگه تموم شد بی‌قراری  
به سر رسید چشم‌انتظاری  
می‌شه منو تنها نداری؟!

بابا، من شکایت دارم از نبودنت  
بابا، با سر اومدی چرا؟! نیست بدنت!  
بابا... بابا

حالا، من چیکار کنم سر بی بدنو  
حالا، چجوری می‌خوای بغل کنی منو  
بابا... بابا

بند دوم

عیب نداره دردت به جونم  
حالا با لکنت زبونم  
بیا برات روضه بخونم

سخت بود، شبی که خیمه آتیش گرفته بود  
سخت بود، برا من نفس کشیدن توی دود  
سخت بود... ای وای

سخت بود، رد شدن از تو محله‌ی یهود  
سخت بود، مخفی کردن یه صورت کبود  
سخت بود... ای وای

بند سوم

کی دیده دست بسته مونو  
کی دیده حال خسته مونو  
دندونای شکسته مونو

بابا، رد زخما مونده رو پیراهنم  
بابا، بردم اسمتو زدن تو دهنم  
بابا... ای وای

بابا مته تو پاره شده پیراهنم  
بابا مته تو شاید منم بی کفنم  
بابا... ای وای



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)



بند اول

با اشک چشم - با خیال صدات  
خوابه رو جارو زدم - بشی مهمون من  
دلتنگ توام - میدونم که توام  
دلت برام تنگ شده - بابای مهربون من  
عزیزم / تو این شبای غربت  
نداشته دختر تو خواب راحت  
اسارت / بی رحمی و جسارت  
رها نکرده دخترت رو یه ساعت / ای عزیزم  
شبام تاره \* حالم زاره  
چشام برا یه خنده‌ی تو بی قراره  
دلَم خونه \* پریشونه  
هیچکسی حال این دلَم رو نمیدونه  
دلتنگ هستم (ای عزیزم) ۳

بند دوم

هی پاک می کنم - اشک از رو چشم  
تا خوب بتونم بینم صورت بابامو  
میگیرم جلوی - چشای بابا رو  
خدا کنه نبینه زخم روی لبهامو  
الهی / دور سرت بگردم  
خوش اومدی بابای مهربونم  
یه لحظه / فراموشت نکردم  
همش تو قلبمی دردت بجونم / مهربونم  
خدا مرگم \* بده، بابا  
رو صورتت یه جای سالم نمونده  
کجا بودی \* بگو با من  
موهای خشگل بابامو کی سوزونده  
دلتنگ هستم (ای عزیزم) ۳

بند سوم

زخمیه چشم - پر خونه چشات  
تو هم مٹ دخترکت - شکسته دندونات  
خونیه لبام - پر خونه لبات  
چقد دلَم تنگ شده بابا - برای بوسه هات  
باباجون / نبودى تو بیابون  
یه نانجیبی بالگد زد به پهلوم  
هنوزم / تو گوشه صداشون  
بین هنوز کبوده چشم و بازوم / ای باباجون  
دیگه بابا \* تلخه دنیا  
دیگه نمونده طاقتی بمونم اینجا  
از اون ضربه \* از اون سیلی  
دیگه نفس کشیدنم شد / مٹ زهرا(س)  
دلتنگ هستم (ای عزیزم)



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

ببین شکسته ترینم  
بابای نیزه نشینم  
تو اومدی ولی حیف  
نمی تونم که ببینم

همه پام پر از تاول و زخمه  
بابا دشمن تو چه بی رحمه  
کتک می زدن تا من و هر بار  
می رفتم پیش عمه

تموم این چند روز  
من و می زدن بی بهونه  
همش دعای اینه  
خدا مرگم و برسونه

بند دوم

برام /نمونده توونی  
پاهام /کبوده و خونی  
چیزی ازت نمیخوام  
فقط بگو که می مونی

گرفته چه خاکی روی موتو  
با اشکام میشورم سر و روتو  
بذار تا که با گوشه ی معجر  
ببندم رو ابروتو

دلت نسوخت واسم  
تو که حالمو دیدی بابا  
حالا که برگشتی  
چرا بوی نون میدی بابا

بند سوم

یه مدته تو خرابه م  
نمیشه کم، تب و تا بم  
منو ببر با خودت  
بذار تموم شه عذابم

دیگه مثل قبلا نمیتونی  
منو روی زانوت بخوابونی  
کسی جاتو واسم نمیگیره  
تو که اینو میدونی

تورو خدا بابا  
نذار بمونم تو و بیرونه  
رقیه بعد از تو  
دیگه زنده نمی مونه



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - منصوره محمدی مزینان، محمد  
عبدی



بند اول



مگه به غیر از تو من / بابا چی میخوام  
من و بگیری بغل / تا بره دردام

تموم دنیا فقط... بابامه  
اسمش یه درمون واسه .. دردامه

جدایی ازت بابا چقد برام سخته  
دخترت فقط با تو راحت و خوشبخته  
میدونم تو غصه ها تنها نمیداریم  
خیالم بابت اینکه تو میای تخته

با سلاح اشک می جنگم و رجز خونم  
کاخ دشمنارو با گریه میلرزونم ۳

بند دوم



دندون شیریم و با / کتک شکستن  
بی رحما با یه طناب / دستام و بستن

خیلی من و زد کتک... بابایی  
رو زخمام هی زد نمک... بابایی

هی میخوام به احترام تو پاشم از جام  
ولی به جون خودت نمیکشه پاهام  
نمیخوام گله کنم هی پیش تو اما  
ولی غیر تو کی گوش میده به این حرفام

با سلاح اشک می جنگم و رجز خونم  
کاخ دشمنارو با گریه میلرزونم ۳

بند سوم



از روی نیزه خودت / حالم ودیدی  
حرفایی رو که بهم / زدن شنیدی

یه نانجیب به حرم... آتیش زد  
به موهام و چادرم... آتیش زد

بابا جون بند دلم به چادرم بنده  
اینه ارثه مادرت یه ارث ارزنده  
یه نخ از چادرم و ندادم وسوختم  
چه خوبه که نشدم پیش تو شرمنده

با سلاح اشک می جنگم و رجز خونم  
کاخ دشمنارو با گریه میلرزونم ۳



[دریافت فایل صوتی](#)

## زمینه - مهدی صابری



### بند اول



حواسم بهت بود  
گلم روی نیزه  
گره خورده چشمت به گیسوی نیزه  
به گیسوی نیزه

حواسم بهت بود  
زمین خوردی بابا  
بمیرم که زخمتو می شمردی بابا  
حواسم بهت بود

شنیدم که گفتی  
دلَم بی قراره  
بابا جون آخه کی میای باز دوباره

چرا رفتی بابا  
به نیزه نشستی  
صدات می زدم اما چشمتو بستی  
دلَم رو شکستی

بابا هر کجا رفتم  
یاد مادرت بودم  
تو کنج تنور و من  
دنبال سرت بودم

بابا حسین بابا

### بند دوم



نمیخواهی بپرسی  
تو از حال و روزم  
پر از خاره پاهام بابا جون هنوزم  
بابا جون هنوزم

منو ضرب سیلی  
منو تازیونه  
پرستوی زخمیت دیگه نیمه جونه  
گرفته بهونه

میگفتم همیشه  
با چشمای گریون  
به دادم برس ای ابالفصل عموجون

من از وقتی رفتی  
مصیبت کشیدم  
نمیدونی از حرمله چی شنیدم  
ببین قد خمیدم

ای یاس پر از خونم  
مثل لاله پژمردی  
من از غصه دق کردم  
وقتی خیزران خوردی

بابا حسین بابا



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - منصوره محمدی مزینان،  
هاتف نیک پور



بند اول

برای شونه ات / دلم شده تنگ  
سر و گذاشتم / رو شونه ی سنگ  
زد سنگ خارا / به صورتم چنگ

با سختی پامیشم / میشینم باز  
چشمای نازت و / میبینم باز  
من تا ابد بی تو / غمگینم باز غمگینم باز

نبودی و ندیدی / اچی اومده سرم  
آتیش زدن به موهام / به بال معجرم  
ولی نشد چادرم / بیوفته از سرم  
گوشواره

من الذی، من الذی، ایتمنی؟  
بمیره دخترت، چرا بی کفنی؟

بند دوم

از زخم و تاول / پر از نشونه ام  
می باره چشمام / میلرزه شونه ام  
از نیزه گوش کن / برات میخونم

ای نیزه با حنجر / هم زبون باش  
ای طشت واسه مهتاب / آسمون باش  
ای خیزران با لب / مهربون باش مهربون باش

آخه ماها کجا و / بزم می و شراب  
نگاه نامحرما / غمای بی حساب  
آخه من و کنیزی؟ / مردم با این عذاب

من الذی، من الذی، ایتمنی؟  
بمیره دخترت، چرا بی کفنی؟

بند سوم

رسیدی با سر / فدات بشم باز  
محتاج مهر و / نوازشم باز  
من با تو غرق / آرامشم باز

سرداری و اما / پیکرت نیس  
جسم پریشون و / پرپر نیس  
ماه عشیره ات با / لشکرت نیس لشکرت نیس

آغوش گرمت کجاست؟ الان بغل میخوام  
دستات کجاست که خارو بکشه از پاهام  
کو پای تو که حالا بزاری رو چشمام؟  
گوشواره

من الذی، من الذی، ایتمنی؟  
بمیره دخترت، چرا بی کفنی؟



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

خیلی چشم برات بودم  
کجا بودی بابا  
ای همه ی بود و نبودم  
کجا بودی بابا  
نمیتونم بینمت با چشم کبودم  
کجا بودی بابا

نمیدونی چی کشیدم همه بابا داشتن آلا من  
حالا که تو اومدی تموم بچه های شام خوابن

اومدی اما نمیشه تا بگم به همه  
منم پدر دارم  
سایه ی سر دارم

هم ذوق دارم اومدی  
هم دارم دق میکنم  
بغضم واشد بابایی  
دارم هق هق میکنم

بند دوم

دنبال سرت میگشتم  
کجا بودی بابا  
از کوچه ی یهود گذشتم  
کجا بودی بابا  
صد دفه تا پای مرگ رفتم و برگشتم  
کجا بودی بابا

بابا نبودی یه شب تو راه از پشت ناقه افتادم  
بخدا از اون شب دیگه به زور روی پاهام ایستادم

هی منو میزد و میگفتم با گریه زاری  
منم پدر دارم  
سایه ی سر دارم

هم ذوق دارم اومدی  
هم دارم دق میکنم  
بغضم واشد بابایی  
دارم هق هق میکنم



[دریافت فایل صوتی](#)

واحد سنگین - سعیده کرمانی،  
امیر اسدی، سعید حمیدیان فر



بند اول

در رفتن جان از پی سرها  
گویند هر نوعی سخن اما  
منزل به منزل همسفر بودن  
با قاتلت شد قاتلم بابا

رفتی و پس از تو روسری‌هایم سوخت  
در طول مسیر تاول پایم سوخت  
هر بار سر تو را به نیزه دیدم  
گفتم که چگونه موی بابایم سوخت

ای پدر جان نبود نیزه جای سرت  
تا که هست دامن دخترت

ای پدر ای پدر ای پدر

بند دوم

دل را برایت خانه خواهم کرد  
موی سرت را شانه خواهم کرد  
برگرد بابا قول خواهم داد  
این شهر را ویرانه خواهم کرد

در راه تو جان برون کنم از پیکر  
از شوق تو پا نمی‌شناسم از سر  
شمشیر برنده‌ی من اشک است امشب  
میدان شهادت من این جاست پدر

جانفدایت شدن افتخار من است  
اشک من ذوالفقار من است

ای پدر ای پدر ای پدر



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)

واحد سنگین - عالیہ رجبی،  
مرتضی سراوانی



بند اول

رقیہ اسیرہ  
برا تو بهونه میگیره  
نشسته یه گوشه  
نگاهش به تو مونده خیره

عموجون چرا بی خبر رفتی  
نگفتی رقیه کیو داره  
نگفتی بدون تو این دنیا  
سرش چی میاره

تو رو خدا عمو جونم  
از اون بالا عموجونو  
منو نیگا عمو جونم  
عمو عمو عمو جونم ۲

بند دوم

چقد سنگ چقد خار  
که پای منو داده آزار  
چه شبها که دشمن  
منو با لگد کرده بیدار

تو رو نیزه ای و من این پایین  
نمیشه پیام توی آغوش  
دیگه مثل قبلا نمیتونم  
بشینم روی دوش ۲

تره چشات عمو جونم  
خشکه لبات عموجونم  
بشم فدات عمو جونم  
عموعمو عمو جونم ۲

بند سوم

تو رفتی بابا رفت  
رقیه تا شام بلا رفت  
الهی ندونی  
که تو بزم نامحرما رفت

بابامو که دیدی بگو دیگه  
رقیه نمیخواه جداییشو  
بگو حاضره جون بده اما  
ببینه باباییشو

بسه غمام عموجونم  
دیگه میخوام عموجونم  
باهات پیام عمو جونم

عمو عمو عمو جونم ۲



[دریافت فایل صوتی](#)

## شور - عالیه رجبی، مرتضی سراوانی



### بند اول

فاطمه ام فاطمی مرامم  
اهل سجودم اهل قیامم  
به سن و سالم نگاه نکن که /فاتح شامم

پشت در پشتم همه شیرین  
مرد جنگن ایل و تبارم  
سقای حرم عمومه  
با ترس میونه ای ندارم

خطر داره اشک و آهم  
برای آل امیه  
اگه نمیشناسید منو  
معروفم به رقیه

### بند دوم

مثله یه موجم که بی قراره  
سنگم اگه رو سرم بباره  
غمای عالم منو به زانو /در نیاره

حتی با اینکه اسیرم  
یا که سرتا پا پره زخمم  
پشت لشکر یزیدو  
میلروزنه دیدن اخمم

منم اهل این قبیله  
شاگرد درس عقيله  
به پای اراده ی من  
دشمن خار و ذلیله

### بند سوم

وارث زخم پهلوی مادر  
نسل حسین و نسل پیمبر  
مثل علی اکبر اقتدارم /رفته به حیدر

زیر بار تازیونه  
اشک منو کسی ندیده  
خوشحالم که سربلندم  
با این قامتم خمیده

مئه ماه آسمونم  
میوون شب های تاریک  
گره گشای جهانم  
با این دستای کوچیک



[دریافت فایل صوتی](#)



سب چہارم



ای به دستِ احسانت چشمِ انبیا، زینب  
 خاکِ چادرت دارد حکمِ کیمیا، زینب  
 چون خدیجه ی کبری مظهرِ وفا، زینب  
 در مراتبِ عصمت فوقِ فکرِ ما، زینب  
 مثل مادرش زهرا قدر او خفا، زینب  
 قهرمانِ میدانِ هر غم و بلا، زینب

قدر او و لا یدرک، شأنِ او و لا یوصف  
 او علم به دوش آمد، عصرِ روزِ غم از طف

او شریکِ ارباب و نائبِ برادر بود  
 کعبه‌الرزایا را دل اگر پُر آذر بود  
 مادر مصائب بود، لیکن او ز غم سر بود  
 در سپهرِ صبرِ آخر، او یگانه اختر بود  
 در فصاحتش گفتند مرتضای دیگر بود  
 چون که خطبه میخواند او، چشمِ دشمنان تر بود

این عقیده ی والا بنتُ الحیدرش نام است  
 از دمِ پُر از آهش، روز شامیان شام است

نهضتِ حسینی را خطبه های او جان داد  
 بر جهانیان تا حشر درس دین و ایمان داد  
 پای یاری دینش دو پسر ز پاکان داد  
 او ز صبر خود ما را مشقِ عهد و پیمان داد  
 پیکری که شد صد چاک را نشان به جانان داد  
 درس بندگی زین کار او به جمله یاران داد

رو به آسمان گفتا با دو چشمِ بارانی  
 کن خدا قبول از ما این قلیلِ قربانی

صبح و شب پس از آن غم، روضه خوانِ عاشورا است  
 او مُنادی داغی بس عظیم و جانفرساست  
 او به چشم خود می دید قتلگه ز خون دریاست  
 یک نفر به گودال و دور پیکرش غوغاست  
 خنجری نمی بُرید، دستِ قاتلی بالاست  
 وامحمدا ذکرِ اهلِ خیمه ی آقاست

روضه چون رسید اینجا طاقت همه کم شد  
 قامتِ کمانی مادری ز غم، خم شد

شیعه تا ولایت را با خودش قرین دارد  
 عاقبت به خیری را آخرت یقین دارد  
 کی مضایقه از جان پای حفظِ دین دارد  
 با علی ولی الله طینتی عجین دارد  
 چون امامِ خود صبری بر جفا و کین دارد  
 دستِ انتقام حقّ روز واپسین دارد

ما هوایی عشقیم، شور و تاب و تب داریم  
 ذکرِ "یا ابوالح" روز و شب به لب داریم

## غزل - مهدی قربانی



منکه به جز تو سایه‌ی بر سر نداشتم  
چشم از نگاهِ غم زده ات بر نداشتم

منت گذار بر سرِ من اذنشان بده  
شرمنده ام که هدیه‌ی بهتر نداشتم

گفتم به پایِ عشقِ تو بهتر بیاورم  
گشتم ولی به چادرِ مادر نداشتم

ناچیز را تو با کرم از من قبول کن  
هم پایِ اکبرِ تو برابر نداشتم

دیدم توانِ داغِ پسر دارم و ولی  
در خود، توانِ داغِ برادر نداشتم

راضی نمیشوی... بروم خود کفن شوم  
ای کاش در فراقِ تو، من سر نداشتم

## غزل - مهدی قربانی



رضایِ توست رضایِ خدایِ این دو نفر  
خداست شاهدِ حالِ رضایِ این دو نفر

همین که قصدِ فداییِ تو شدن دارند  
هزار مرتبه جانم فدایِ این دو نفر

به التماس کشیده است کارِ من پیش  
بین که آبرویم ریخت پایِ این دو نفر

اگر قبول نداری فدایِ تو بشوند  
کفن به تن کنم اینک به جایِ این دو نفر

کمی به عمرِ تو حتی اگر اضافه شود  
که نیست بهتر از آن در ازایِ این دو نفر

تو در عبايِ خودت دیده ای هزار اکبر  
به من نمیرسد آیا بلايِ این دو نفر؟

سکوت کردی و حالا رضایتت پیدا است  
دعات بدرقه شد در قفایِ این دو نفر

دو نسلِ حیدر و جعفر به معرکه زده اند  
ملائکند تمامی قوایِ این دو نفر

یکی زده به یَسار و یکی زده به یمین  
غرور میچکد از ماجرایِ این دو نفر

به ناگه از همه سو سیلِ تیغ و تیر آمد  
شکست در نظرِ من صدایِ این دو نفر

اگر چه در پیِ آنان به معرکه زده ای  
محال شد که ببینی شفایِ این دو نفر

ز دور دیده ام آخر به دست آوردی  
تو عاقبت بدنِ نخ نمایِ این دو نفر

برون ز خیمه نیام برای دیدنشان  
اگر چه پر زده قلبم برایِ این دو نفر

چه اقتدایِ شریفی به رأسِ تو دارند  
به نیزه شد سرِ از تن جدایِ این دو نفر



ستون عرش به شوق تو استوار شده  
بخوان نماز، که سجاده بی قرار شده

قنوت می روی و عطر یاس می پیچد  
به احترام دعای تو نوبهار شده

چکیده باز ستاره ز چشم روشن تو  
شب از تلالو نور تو نونوار شده

دویده ثانیه ها تا رسد به مقدم تو  
زمان به شوق وجود تو رهسپار شده

به عشق پا قدم تو بروی دوش نسیم  
شکوفه سرزده از خاک بی بهار شده

دمیده سایه ی مهرت در آسمان عفاف  
قسم به چادر مادر که یادگار شده

خرد به پای تو افتاد و وام دار تو شد  
اگر به مرکب فرزانیگی سوار شده

چه قدر حیدری و هم چه قدر فاطمه ای  
چه قدر حُسن حسن در تو بشمار شده

بگو به نم نم بارانِ ذکر تسبیحت  
به ابر دیده که لبریز انتظار شده

بگو خودت چه مُحَرَّم؟ چه ندبه و چه غم است؟!  
که کل عالم و آدم به غم دچار شده

چقدر چشمه و دریای سرخ جوشیده  
ز قطره قطره ی اشکت که چشمه سار شده

کنار صبر تو زانو زده شکیبایی  
و کوه زیر قدومت پر اعتبار شده

چه کوفه، موصل و شامی که از نفس افتاد  
ز خطبه خطبه سرخت که ذوالفقار شد

سپاه ظلم که با صبر تو در افتاده  
شکست خورده ی این اوج اقتدار شده

اسیر ذلت و خواری نمیشوی، هیهات  
شکوه بیرق هستی همین شعار شده

و احترام تو بر هر چی بود واجب شد  
یزید ماند و سپاهی که لعن و خوار شده

خوشا که حاصل عمر حسینی و علویت  
دوسرو خوش قد و قامت، دو باوقار شده

بدون شبهه به امضای فاطمه برسد  
شهادتی که به پای تو افتخار شده



## مثنوی - سعیده کرمانی

عطر گلاب بود و دم اسفند  
شکر و سلام بود و سپس لبخند

در خانه اشتیاق لبالب بود  
میلاذ سبز حضرت زینب بود

نوزاد گریه کرد و به هر آغوش  
رفت و نشد به هیچ سبب خاموش

آمد سپس حسین و در آن هنگام  
خوابید روی دست حسین آرام

او تشنه از سبوی حسینش بود  
دل بی قرار روی حسینش بود

چندین بهار پشت بهار آمد  
در را زدند و خواستگار آمد

شرط عروس بر همه روشن بود  
پیش حسین فاطمه بودن بود

چندین خزان گذشت و خزان آمد  
همراه با دو نخل جوان آمد

زینب چه گفت؟ گفت که مولایم  
نذر شماسست جان پسرهایم

از من قبول کن دو فدایی را  
اما نخوان سرود جدایی را

یک جمله است دینم و عرفانم  
من بی حسین زنده نمی مانم

با اینکه برده غصه توانم را  
گریه نمی کنم دو جوانم را

من مادرم دلم شده صدپاره  
صد داغ دیدم آه یک باره

بر خاک ریخت خون پسرهایش  
از خیمه اش نرفت برون پایش

از خیمه اش نکرد برون سر را  
تنها گذاشت دست برادر را

چندی گذشت و تیره جهانش شد  
وقت وداع زینب و جانش شد

زینب به سر زنان به روی تل رفت  
شاه غریب تا سوی مقتل رفت

زخمی به روی زخم زمین می خورد  
از دلهره برای حرم می مرد

هم می شنید ناله ی مادر را  
هم می شنید ضجه ی خواهر را

بر روی خاک پیکرش افتادو  
از دست شمر هی سرش افتادو

سر را به افتخار نشان دادو  
زینب هزار مرتبه جان دادو

سنگ و عصا رسید به گودال و  
ده مرکب و حسین و لگد مال و

زینب پناه اهل حرم بود و  
در خیمه ها که بود پر از دود و

آتش به جان اهل حرم افتاد  
زینب به اضطرار رسید ای داد

بر زخم هاش خوب نمک می خورد  
از هرکسی رسید کتک می خورد

بعد از حسین دید جسارت را  
بعد از حسین دید اسارت را

زمزمه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر، یاسین زندی



بند اول

الهی دورتون بگردم  
منم تو خیمه گریه کردم  
تا یه کمی سبک شه دردم

مادر

شما رفتین و پر از غصه شدم

مادر

گریه می کنم به غربت خودم  
ای وای. ای وای

مادر

واسه تشییع تونم نشد پیام

مادر

دایی تون اومد کنارتون به جام  
ای وای ای وای

بند دوم

خون شمام ریخته تو صحرا  
هزار تا نقشه دارن این ها  
برای بچه های زهرا

ای کاش

پیش مادرم منو دعا کنین

ای کاش

طلب مرگمو از خدا کنین

ای کاش ای کاش

ای وای

داغتون آتیش زده به قلب من

ای وای

شما هم شدین شهید و بی کفن

ای وای

بند سوم

کاش این حرومیا بمیرن  
می ترسم اینقد که حقیرن  
حسینمو ازم بگیرن

ای وای

نکنه سرش جدا شه از تنش

ای وای

نکنه غارت بشه پیراهنش

ای وای

نکنه بشه اسیر نیزه دار

ای وای

تنشو لگد کنن ده تا سوار

ای وای ای وای



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)

## زمینه - مهدی صابری



### بند اول



تموم زندگیم، تمنای توئه  
تموم دلخوشییم، تماشای توئه

داداش خوب میدونی، دلم بی طاقته  
نفسهام بسته به، نفسهای توئه

حالا امروز، دلخونم، که پریشون و تنهایی  
بی یاری، می‌بینیم، که تو بین نامردایی  
ای عمرم، می‌میرم، که غریب این صحرائی

دستم به دامنت حسین  
روی منو زمین نزن  
نذر علی اکبرت  
گلهای من

### بند دوم



گلام از بچگی، تو رویای توآن  
پسرهای من و، غلامای توآن

پرستوهای من، دارن دق میکنن  
نگاشون کن حسین، که شیدای توآن

بده اذنه، میدونو، به دلاورهای زینب  
می‌بینی، و پرونه، دل دلبرهای زینب  
یا برن یا، می‌میرن، بی تو اکبرهای زینب

اینبار تو رد نکن منو  
این بار آخره حسین  
زینب فدایی توئه  
ای نور عین



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

برا دلای مرده آب حیاتی  
فقط توهستی که کشتی نجاتی  
حتی میبخشی اونکه راهتو بست  
مبدل السیئات بالحسناتی

محبتت مثل حرّ تو سینه مونده حسین  
حرارت غم تو دل و سوزونده حسین  
منم بحر ببرم که هنوز از این دهه  
یه نیمه مونده حسین

اینکه تو گودالی سخته برام  
زخمی و بی حالی سخته برام  
به زیر سم مرکب افتادی  
غریب و پا مالی سخته برام

بند دوم

نشونیه خیمت قبله ی عباده  
سرای عشق تو خونه ی مراده  
ممنونم از اونی که تو رو به من داد  
همین حسین گفتن از سرم زیاده

عطوفت تو شده همیشه شامل من  
همینکه میگم حسین آروم میشه دل من  
خدا کنه مثل حرّ که وقتی میره نفس  
بیای مقابل من

خونی شده سرت سخته برام  
زخمیه پیکرت سخته برام  
اینکه میمونه تازه تاابد  
غمای اکبرت سخته برام

بند سوم

برات آورده دوتا هدیه خواهر  
میگه قبول کن از من کم و برادر  
خودم میمونم پای غمت عزیزم  
نگه میدارم این پرچم و تا آخر

اگر نمونده کسی خودم که هستم حسین  
نبینم اینکه بیاد به چشم تو غم حسین  
کی گفته که برا تو نمونده دیگه سپاه  
من که نمردم حسین

اینکه تو غم داری سخته برام  
میگی که بی یاری سخته برام  
اینکه برای غارت حرم  
اشک تو شد جاری سخته برام



[دریافت فایل صوتی](#)

## زمینه - سجاد توکلی



### بند اول

من حر آزاده ام من، زندان کوی حسینم  
شرمنده ز روی زینب، شرمنده از عالمینم  
من اوادم تو خیمه گاهت حسین  
راهی بشم به قتلگاہت حسین  
مابین نارو نورم آقا  
سرشار از عشق و شورم آقا  
(سیدی مولانا یاحسین))

### بند دوم

از دنیا بریدم و از ، عشق تو دل نبریدم  
من آخر عاقبتم رو ، توی چشمای تو دیدم  
من اوادم بشم فدات یاحسین  
بچم فدای بچه هات یاحسین  
من حر سر به راه تو ام  
راهیه قربانگاه تو ام  
(سیدی مولانا یا حسین))

### بند سوم

حالم این لحظه ی آخر ، درگیر حال و هواته  
تنها دلشوره ی من از تشنگیه بچه هاته  
من اوادم راه و نشونم بدی  
خیلی بدم میشه امونم بدی  
دارم از خجالت آب میشم  
مدیون طفل رباب میشم  
(سیدی مولانا یاحسین))

## واحد سنگین - عالیہ رجبی، امیر اسدی، سعید حمیدیان فر



### بند اول

دارایی زینب فدای تو  
جان می دهم حتی برای تو  
چیزی ندارم جز پسرهایم  
آن هم فدای بچه های تو

بر نیزه ی تنهایی خود تکیه نزن  
آتش به دلم می زند آه تو حسین  
من کوه تحملم ولی صبر مرا  
برده است غریبی نگاه تو حسین

این دو قربانی خواهرت را بپذیر  
هدیه های مرا هم بگیر  
یا حسین یا حسین یا حسین

### بند دوم

شیران زینب مرد پیکارند  
سربازهای نسل کرارند  
بگذار قربان سرت گردند  
اینها امید و آرزو دارند

خواهر به فدای دل تو، غصه نخور  
دیدی اگر افتاده تن بی سرشان  
شرمندگی تو می کشد زینب را  
ای کاش نیاید به حرم پیکرشان

کاش کسی پیش من پا نزند بر بدنت

پیشم از هم نپاشد تنت

یا حسین یا حسین یا حسین



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

ای صبر بی حدود  
باید تورو ستود  
از اعماق وجود  
باید تورو ستود

کوه صبوری و ام المصائبی  
عالی مقامی و والا مراتبی  
بنت الفاطمه و بنت ابوالعجایی

میگرده آسمون دور مدار تو  
لرزیده کاخ ظلم با اقتدار تو  
تیغ کلام تو شد ذوالفقار تو

یازینب یا زینب  
مدد یا زینب

بند دوم

ای وارث قیام  
از ما به تو سلام  
همسنگر امام  
از ما به تو سلام

نور آل عبا در تو خلاصه شد  
باهر کلام تو خلق حماسه شد  
نام تو بهترین دلیل استغاثه شد

ای استواریت جلوه گر علی  
لحن خطابه ات یاد آور علی  
ام الحماسه ای ای دختر علی

یا زینب یا زینب  
مدد یا زینب

بند سوم

ای مایه ی غرور  
یا زینب الصبور  
معنای عشق و شور  
یا زینب الصبور

مثل تو در جهان، خواهر نیامده  
از تو ملیکه ای بهتر نیامده  
هیچ عقلی از پس درک تو بر نیامده

مردان روزگار مات شجاعتت  
زانو زده همه پیش صلابتت  
فرمان اسکتوا گویایی هیبتت

یا زینب یازینب  
مدد یازینب



[دریافت فایل صوتی](#)



## قصیده - وحید عظیم پور



زل میزنم فقط وسط کربلا به تو  
یعنی پناه میبرم از هر بلا به تو

وقتی من از توئم دگر از من خبر نگیر  
از من که هیچ فاصله ای نیست تا به تو

بی نامه آمدم که مرا قاسم کنی  
من نیز هدیه‌ی پدرم مجتبی به تو

طاقت نداشتم که ببینم بدون تو  
دستش کند طناب اسارت رباب تو

والله لافارقک یا ابوعلی  
وصلم میان هجمه‌ی این دست و پا به تو

اینها که میزنند مرا دشمن توئند  
چون میدهند با زدنم ناسزا به تو

من پاره تن توئم ای بضعه رسول  
این شد که دوختند مرا نیزه ها به تو

موسای نوجوانم و بر نیل میزنم  
تا اینهمه هجوم نیارد عصا به تو

پیراهن تو گشتم و دشمن مرا درید  
اینجا عمو نیامده اصلا عبا به تو

از نعل‌هایشان به زر و سکه میرسند  
در کوفه بسته است بهای طلا به تو

## دوبیتی - محسن عسکری



دلم پیش تو باقی مونده رفتم  
حلالم کن نگو ناخونده رفتم

خودت گفתי عموت تنها نمونه  
ببین تنهای تنها مونده رفتم



آمد غروب و بختِ پریشانِ ما شده  
 خیمه چقدر محفلِ ماتم سرا شده  
 وقتِ پریدنِ من از این خیمه ها شده  
 محشر شده است یا که قیامت به پا شده

لشگر چگونه در ته گودال جا شده

گودالِ قتلگاه، شلوغ از تراکم است  
 عمه رها کنم که عمو در تلاطم است  
 لشگر به سمت و سویِ عمو در تهاجم است  
 در بین تیغ و تیر، قد و قامتش گم است

قدری تحملی بشود او فدا شده

من آمدم عمو تو کمی هم نفس بگیر  
 قدری نفس به گوشه ای از این قفس بگیر  
 هرچه توان که رفته ز تو باز پس بگیر  
 دستی به جای ضربه‌ی ابن انس بگیر

جانم، فدایِ این همه زخمی که وا شده

غصه نخور که شیرِ نرت میشوم عمو  
 من جایِ اکبر و قمرت میشوم عمو  
 شمشیر میرسد سپرت میشوم عمو  
 اصلا فدایِ مویِ سرت میشوم عمو

حالا که نوبتِ پسرِ مجتبی شده

گیرم شود ز خون، بدنم غسل و شستشو  
 گیرم تنم شود ز سرِ تیغ ها رفو  
 گیرم به زیرِ پا بدنم گشت زیر و رو  
 وقتی که جان دهم به سرِ دستت ای عمو...

والله حاجتِ دلِ من هم روا شده

تقصیرِ من که نیست تقلا که میکشم  
 تن را مقابلِ تو به هر جا که میکشم  
 دریاب آخرین نفسی را که میکشم  
 از درد اگر به خاک، چنین پا که میکشم...

شرمنده دستم از سرِ کتفم جدا شده



عمه من میروم خداحافظ  
چون تحمل نمیکنم اصلا  
که ببینم عموی من افتاد  
زیر چنگال لشگر دشمن

تا به گودال آمدم گفتم  
نیزه را بر تن عمو زنید  
گرچه افتاده است جان دارد  
لااقل نیزه بر گلو زنید

کنج گودال را نمیبینید؟  
پیش چشمان مادرش زنید  
پیرمردان لشگر کوفه!!!  
با عصا ضربه بر سرش زنید

این همه زخم کار یک تن نیست  
از قفا یا که رو به رو زنید  
با نوک نیزه ها یا با تیر  
بدنش را دگر رفو زنید

له کنیدم مرا ، ولی با پا  
بر تن این شکسته پر نروید  
دست من را جدا کنید اما  
سمت انگشترش دگر نروید

نوهی حیدر آمده گودال  
از عمویم کمی عقب بکشید  
دست من از تنم اگر افتاد  
دست من را به علقمه ببرید



عمو جانم همیشه تو مرا امداد می کردی  
یتیم مجتبی را تو همیشه شاد می کردی

تمام خاطرات من در آغوشت رقم خورده  
پریشانم پریشانم که گیسویت به هم خورده

نخواه این گونه تنها باشی و در خیمه ها باشم  
تو دست و پا زنی در مقتل و بی دست و پا باشم

یقینا می شود آخر وبال جان دل داده  
سرو دستی که در راه تو از پیکر نیفتاده

اگرچه دست خالی آمدم اما دو دستم هست  
اگر دست از تنم افتاد بعد از آن سرم هم هست

قد کوتاه چیزی نیست وقتی پر جگر باشم  
هزاران زخم هم باشد برای تو سپر باشم

به قدر قامت خود آمدم تا داد بستانم  
تمام تیرها را میخرم با قیمت جانم

برایم جان سپردن بین آغوشت عمو خوب است  
مرا گر نیزه می دوزد به تو این مرگ محبوب است

چه باک از زخمها وقتی مرا از پا بیاندازد  
که نعل اسب هم ما را به هم نزدیک تر سازد

زمزمه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر، یاسین زندی



بند اول

نیزه چرا شد تکیه گاهش  
خاکی شده صورت ماهش  
یک نفره می شم سپاهش

باید ، برای تن عمو سپر بشم  
باید ، تیرو از تن عمو من بکشم

ای وای ای وای

دردم ، اینه که نمونه واسش پیروهن  
دردم ، اینه که اینا غریب کشش کنن

ای وای ، ای وای

بند دوم

ای نیزه بی رحمیو رو کن  
یتیم نوازیو شرو کن  
پیکر من رو زیر و رو کن

گودال، دو تا یوسف داره و هزار تا گرگ  
گودال، پره از چکمه‌ی سنگین و بزرگ

ای وای ای وای

سرخه، جای تیری که نشسته به تنم  
سرخه، سر نیزه ای که رفت تو دهنم

ای وای ای وای

بند سوم

فرود میاد روی تن ما  
شمشیرایی که میره بالا  
عمه ببند چشاتو حالا

حالا ، تنمو نیزه می دوزه به عموم  
حالا، می شه خونی خنجر از خون گلوم  
ای وای ای وای

کم کم، واسه تشییع جنازه می رسن  
کم کم ، مرکبا با نعل تازه می رسن

ای وای ای وای



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)



بند اول

به نام نامی کرم  
روانه شد دلم حرم  
رزق شهادتم بده  
صاحب سفره ی کرم

صدای هل من معین حسین بالاست بالاست بالاست  
عزیز فاطمه ببین تنهاست تنهاست تنهاست  
ز غربتش عرش خدا غوغاست غوغاست غوغاست

به سمت گودال دوان  
اشک ز چشمش روان  
فدایی حسین شد  
عزیز مجتبی چه سان  
یا حسن یا حسین  
یا حسن و یا حسین

بند دوم

هر چه گداست آمده  
بر سر سفره ی کریم  
روزی اشک می دهد  
به بزم این ضبح عظیم

ناله مادری ز گودال بلا بالاست بالاست بالاست  
شاه زمین خورده تک و تنهاست تنهاست تنهاست  
چشم ملائک به حسین فاطمه دریاست دریاست  
دریاست

حسن به میدان بلا  
رسیده پور مجتبی  
فریاد می زند حسین  
منم فداییت شها  
یا حسن یا حسین  
یا حسن و یا حسین



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر



بند اول

تو راه تو عمومی مظلومم  
چون دادن می‌تونه رویا باشه  
قطره باید به دریا برگرده  
وقتی آغوش تو دریا باشه

منم و پرواز از خیمه تا گودال  
منم و پا گذاشتن وسط جنجال  
همه ی دنیا اگه جلوی تو وایسن  
تو رو تنها نمیذارم در هر حال

توی آغوش همیشه آروم  
می‌میرم واست عمومی مظلوم

بند دوم

مردن واست حیاته واسه من  
زندگی بی حضورت زندونه  
سخته دست از تو بردارم یک دم  
دست از جون شستن اما آسونه

منم و دستایی که سپرت می‌شه  
منم جسمی که فدا سرت می‌شه  
توی این کوچه ی تیر و نیزه ها بازوم  
شبيه بازوی مادرت می‌شه

می‌شنوم انگار صدای مادر رو  
می‌مونم پیشت لحظه ی آخر رو

بند سوم

بغضی از مجتبی داره این دشت  
رو پیکری که پامال افتاده  
دل رو باید به دریا زد این جا  
دریایی که تو گودال افتاده

منم و استقبال از سُم مرکب  
منم و این جونی که می‌رسه تا لب  
مرهمی نمی‌مونه برای زخم من  
غیر اشک چشای عمه زینب

چی بخوام دیگه وقتی تو باهامی  
نمی‌رم جایی آخه تو بابامی



[دریافت فایل صوتی](#)



همه رفتن از حرم  
بذار عمه جون برم  
مگه میشه زنده باشم و جونم نشه فداش  
ببین افتاده رو خاک عمو، نمیشه باورم

نگاه کن صداش میاد  
صدا ناله هاش میاد  
توی قتلگابه و نداره یار و یاوری  
ببین اشک غربته که داره از چشاش میاد

دیدم افتاد، عمو جون از رو زین  
دورش کردن، کافرایی بی دین  
نیزه هاشون، میره بالا و پایین

عمو حسین من غریب و تنهاست  
تن مطهرش رو خاک صحراست

آخه چرا دارن باهاش می‌جنگن  
مگه نمیدونن عزیز زهراست



عمو جون دارم میام  
دارم از حرم میام  
میام و برای تو سپر میشم عمو حسین  
آرزوم همینه با تموم باورم میام

سرمو جدا کنید  
عمومو رها کنید  
نبینم که پیکر عمو غرق خون شده  
تن من رو جای اون پر از نیزه ها کنید  
پاشو عمو، پاشو تا برگردیم  
خیمه تنهاست، بیا ما برگردیم  
جون بابام، جون زهرا برگردیم

عمو حسین من شکسته باله  
پریشونه برانش دل سه ساله


نشد عمومو تا حرم بیارم  
باید حرم بریم ولی محاله



[دریافت فایل صوتی](#)

واحد سنگین - سعیده کرمانی،  
امیر اسدی، سعید حمیدیان فر




بند اول 

جان در قفس وقتی که زندانیست  
غیر از جوانمرگی خوشی در چیست  
وقتی که فرزند حسن .ع. باشی  
غیر از شهادت آرزویت نیست

دلواپس غربت عمویم هستم  
دل را ز عمو اگر بگیرم چه کنم  
وقتی که صراط مستقیم است عمو  
در راه عمو اگر نمیرم چه کنم

زاده ی مجتبی بودنم سعادت است  
ارث من از پدرم شهادت است  
یاحسن یاحسن یاحسن

بند دوم 

بی او نخواهم عمر دنیا را  
بی او نخواهم خواست عقبی را  
فهمیده ام از اولین روزم  
من با عمو معنای بابا را

می میرم اگر ببینمش بر نیزه  
می میرم اگر ببینمش بی پیکر  
من دست زجان شسته ام و می خواهم  
سرباز عمو شوم که باشم بی سر

نیزه ی دشمنان بر بدنم نشسته است  
تیر سه پر بر تنم نشسته است  
یاحسن یاحسن یاحسن



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)



بند اول

داره توو مشتت میدون و میچرخونه  
لشگر درمونده س حیرون و سرگردونه  
حرف از سردار حیدر میشه پس قطعا  
حتی اسمش هم دل هاشون و میلرزونه

تاریخ عینا تکراره / خیبر یا جمل فرقی نداره  
کل عالم فهمیدن حسن مثل حیدر کراره

به وصف مدح تو باید زبان گرفت حسن  
که در پناه تو ایمان امان گرفت حسن  
چه خوب از تو خدا امتحان گرفت حسن  
به صلح و صبر تو اسلام جان گرفت حسن

حسن ابن حیدر / ای یل نام آور

بند دوم

پرچم صلحت پیمان دو سر برده  
روح تازه به ایمان ما آورده  
سلطان عالم میشه هر کس یک دفعه  
قدر یک سهمی از خوان حسن برده

از عشقت دلم آکنده س / دل به ساحت تو پناهنده س  
کل عالم میدونن حسن مثل زهرا بخشنده س

تو در میان امامان چراغ انجمنی  
تو آفتاب جمال خدای ذوالمننی  
تبر به دست نداری خلیل بت شکنی  
تو پاره ی جگر ختم الانبیا حسنی

حسن ابن حیدر / ای یل نام آور

بند سوم

خورشید یکتای عشق دل انگیزم  
تو بارون و عشقی و بی تو پاییزم  
از سرتا پای تو رحمت شده سرشار  
هر چی که دارم و پای تو میریزم

پیدای هر ناپیدا / میوه ی دل حضرت زهرا  
کل عالم مجنون و حسن لیلای بی لیلها

تو روی دست پیمبر تمام قرآنی  
تو فوق فوق ملک در لباس انسانی  
علیست جان پیمبر تو بر علی جانی  
تو تا خداست خداوندگار سلطانی

حسن ابن حیدر / ای یل نام آور



[دریافت فایل صوتی](#)





ابناءِ مجتبی همه بر این عقیده اند  
 ما را برای یاری تو آفریده اند  
 پیش از ازل به نام تو ما را خریده اند  
 از باغِ لاله غنچه برای تو چیده اند

اصلا برای کشته شدن برگزیده اند

جز نام تو نبردم و آوازه ام نشد  
 چیزی به جز غم تو غم تازه ام نشد  
 غیر از لباس و جامه که شیرازه ام نشد...  
 غصه نخور اگر زره اندازه ام نشد

عمامه بین خیمه برایم بریده اند

از خیمه تا کنار من آقا شتاب کن  
 حالا که من فتاده ام از پا شتاب کن  
 مشکل شده است کار من اینجا شتاب کن  
 تا ننگری مقطع الاعضا شتاب کن

اینها سواره بر سر جسمم رسیده اند

نایی نمانده در نفسم بین صحبتم  
 از حد گذشته کار من و این مصیبتم  
 از راه دور گر که ندیدی چه حالتتم...  
 یا سنگ میخورد به لبم یا به صورتم

با هر طریق، خون مرا هم مکیده اند

جانا بیا که خانه ام اینجا خراب شد  
 خرده حساب جنگِ جمل هم حساب شد  
 از خون، تمام دور و بر من خضاب شد  
 در زیر دست و پا بدنم آسیاب شد

با سمّ اسب قد مرا هم کشیده اند

شد گرد و خاک و در نظرم مثل مه شده  
 پیچیده پیکر من و همچون گره شده  
 دریای زخم، این بدن بی زره شده  
 یک استخوان نمانده مگر اینکه له شده

جمعی به چکمه طعمِ عسل را چشیده اند

یک دم بیا به معرکه در جستجوی من  
 قاتل نشسته پیش سرم رو به روی من  
 با چنگ میزند به سر و روی و موی من  
 خنجر رسیده بر لب و زیر گلوئی من

جشنی گرفته اند و ز رویم پریده اند



از خیمه بیرون آمده آینه ی قرص قمر  
شیری به میدان میزند مستانه و شوریده سر

قلب حرم قلب عمو قلب همه دنبال او  
او غرق در عشق عمو و مست از جام عمو

با آن یکاد عمه شد راهی به میدان این پسر  
در ترس چشم کوفیان، تمثال حیدر را نگر

ابرو گره کرده است فرزند معز المؤمنین  
از هیبت این نوجوان لرزید ارکان زمین

گویا مهیا گشته تا برپا نماید محشری  
با ذوالفقار حیدر و رزم علی اکبری

فریاد زد: آن تنکرونی، این منم ابن الحسن  
فرزند پاک مرتضی، سبط نبی المؤمن

شمشیر میچرخاند آقا زاده ی شیر جمل  
زهره درید ابروش از یک لشکر هفتاد یل

با رزم داده خاتمه هر قال را هر قیل را  
از خون دشمن ساخته صدها فرات و نیل را

می شد شنید از غرش او صور اسرافیل را  
فریادهای ممتد تکبیر جبرائیل را

دیدند اهل عرش از رزم علی تمثیل را  
ردّ عرق بر روی پیشانی عزرائیل را

آیات خشم مرتضی تفسیر شد در کربلا  
طرز نبرد مجتبی تکثیر شد در کربلا

پاشیده شد شیرازه ی کل سپاه از هیبتش  
پاشیده شد قلب یلان از صولت و از شوکتش

در قبضه دارد جنگ را همچون عقابی تیزپر  
فریاد سر داده عدو: این المفرد؟ این المفرد؟

طوفان شده از غرش این شرزه شیر مجتبی  
با هر هجومش می شود سرها معلق در هوا

دشمن حریف او نمی شد در نبرد تن به تن  
یکبار دیگر کوچه و ... اینبار فرزند حسن

از هر طرف سنگی به سوی قامتش پرتاب شد  
آنقدر در شهد عسل غلطید تا بی تاب شد

یک بار دیگر دوره کردن هایشان شد دردسر  
در های و هوی تیغ ها تکرار شد شق القمر

از روی زین افتاد، قلب مادرش آتش گرفت  
از هُرم نعل اسب هاشان، پیکرش آتش گرفت

گویا مدینه باز هم تکرار شد در کربلا  
تا درد سینه باز هم تکرار شد در کربلا



کجا داماد دیدی عازم میدان خون باشد  
به روی کاکل و دستش حنابندان خون باشد

چراغ ریشه اش از برق شمشیر عدو باشد  
عسل در کام داماد و شهادت آرزو باشد

چه دامادی ، چه دامادی هوای بزم دارد؟ نه  
به قربانگاه راهی شد لباس رزم دارد؟ نه

رجز می خواند و در خیمه ماتم می شود بر پا  
صدای مجتبی از حلق قاسم می شود پیدا

علیلان جمل با کینه اینجا سر در آوردند  
به بغض مجتبی شمشیر را بالاتر آوردند

به زحمت لحظه‌ای از گرگ‌ها خود را رها کرده  
عمو را با دهان غرق در خونش صدا کرده

از این یوسف در این میدان نمانده پیرهن حتی  
ندارد قدر بوسه جای سالم در بدن حتی

چه تفسیری! چو تابوت پدر شد پیکرش پر تیر  
چه تعبیری! پذیرای تنش شد نیزه و شمشیر

شما ای کوفیان! وحشتی ترین اقوام انسانید  
اگر جان در بدن دارد بر او مرکب نتازانید



آمد ز ابرِ خیمه برون قرصِ روی ماه  
وجهِ شبّه به روی مَهش، خور به صبحگاه  
گویا که پا نهاده حسن در جمل، به راه  
خیره به سوی او همه لشگر، همه سپاه

در قامتش قیامتِ کبراست بنگرید  
ابنُ الحسنِ کریمِ دو دنیااست بنگرید

بر عارض است زلف سیاهش شکن، شکن  
لعلِ لبش چو سنگِ عقیقی است در یمن  
حتی نداشت خود و زره بر سر و به تن  
تنها ز پیرهن به تنش داشت یک کفن

آمد رجز به نامِ حسن خواند "یا حسن"  
نامش به خاطرِ همگان ماند با حسن

چون گل میانِ لشگر خار است، بی سپر  
آخر، ز چشم زخمِ عدو خورد، او نظر  
گردید تا که نیزه قسمتِ پهلوش، پس دگر  
افتاده یادِ کوچه و دیوار، یادِ در

یک تن کجا و لشگرِ در دست حربه دار  
زین غصه هاست شه شده پای تو داغدار

دیگر تمامِ لشگر خود را صدا زدند  
یک کوچه باز گشت و تو را بی هوا زدند  
شمشیر و تیر و دشنه به او از جفا زدند  
با کینه های بدر و حنین از قفا زدند

بارانِ سنگ بود و تنِ آینه مثال  
گشتی شبیه اکبرِ من ای حسن خصال

افتاد تا ز زین به زمین از سوی سما  
با سینه ای که گشته لگدکوبِ اسب ها  
لبه‌اش می خورد به هم امّا، چه بی صدا  
زد یک صدا فقط، که عمو جان، بیا، بیا

یکدم بیا و جویِ عسل را ببین برَم  
بار دگر به دامن خود گیر، این سرم

شد خیمه گاه شه ز غمت، آه، غصه ناک  
پا می کشی چرا به زمین، مانده ای به خاک  
با یک دلی که مثلِ تنت گشته چاک، چاک  
آمد عمو و خون ز رُخ تو نمود پاک

از انکسار سینه دلی در شکست شد  
دیگر کنارِ پیکرِ تو شه ز دست شد

زمزمه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر، یاسین زندی



بند اول

تو یادگار مجتبابی  
تو غریبی عین بابایی  
زخمی سنگ و نیزه هایی

ای وای بی زره رفتی و با سنگ زدنت  
ای وای پره لخته خون شده پیراهنت  
ای وای ای وای

ای وای دست و پا نزن جلو چشم ترم  
ای وای خجالت می کشم از برادرم  
ای وای ای وای

بند دوم

شلوغ شد اینجا مته گودال  
تو این شلوغی بین جنجال  
آه... بمیرم که شدی پامال

ای وای استخونت زیر دست و پا شکست  
ای وای دوباره غرور مجتبی شکست  
ای وای ای وای  
ای وای رو زمین افتادی مثل مادرم  
ای وای من چجوری تو رو خیمه ببرم  
ای وای ای وای

بند سوم

حالا به آرزوت رسیدی  
شیرین تر از عسل رو دیدی  
رعنا شدی و قد کشیدی

ای وای تک و تنها می رسونمت حرم  
ای وای می خوابونمت کنار اکبرم  
ای وای ای وای  
ای وای حالا من موندم و داغ جگرم  
ای وای برسون سلام مو به مادرم  
ای وای ای وای



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)

## زمینه - محمدجعفر درخشان



### بند اول

در عشق تو میبینم عبادتو  
مردن پای اسم تو سعادتو  
راهی میدونم کن که حس کنم  
طعم شهد شیرین شهادتو

حائو سین و یائو نون  
ضربان قلب من  
دلداده ی تو هستم و  
جگر گوشه ی حسن

حتی بی خوود و بی عمامه  
میرم تو میدون مثل حیدر  
کاری میکنم که نیفته  
از لب تو الله و اکبر

### بند دوم

می گیرم با یاد تو نفس عمو  
میتازم تو میدون بر فرس عمو  
هرکی باتو بوده خوب میدونه که  
میشه دنیای بی تو قفس عمو

دونه دونه دشمنات  
می ریزن روی زمین  
من مثل تو رجز میخونم  
پسر خوندتو ببین

فرمانده باشه یا که سرباز  
برای ی من فرقی نداره  
وقتی میتازم توی میدون  
یه لشکر در فکر فراره

### بند سوم

وقتی من رو میگیری بغل عمو  
از چشمامون می ریزه غسل عمو  
توو خیمه حرفامونو زدیم به هم  
شهادت یعنی خیرالعمل عمو

تو پدر شدی برام  
که پسر بشم برات  
حالا دیگه وقتش شد  
که سپر بشم برات

میبینم توی این غریبی  
بابامو که ابر بهاره  
کی دیده دومادی که باشه  
باضرب نیزه پاره پاره



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

یل کربلا، شیر شرزه منم  
گل باغ حسین، پسر حسنم

دل من می تپه، به هوای حسین  
همه هستی من، به فدای حسین

ای عمو تو میدون، غرق شور و حال  
عاشق شهادت، تشنه‌ی وصال

می رسه عمو جون، عطر یاس مادر  
ذکر روی لبهام، یا علی یا حیدر

جهادم معنی خیرالعمل شد  
که انگار کربلا جنگ جمل شد

شهادت پای عشق تو عمو جون  
برای قاسم احلی من غسل شد

بند دوم

منم اونکه زده، به دل شب تار  
وارث خون، حیدر کرار

دانش آموز، مکتب ادبم  
بنده‌ی عباس، فارسِ عربم

از گل شقایق، پر شده تو میدون  
دشمنار رسیدن، کاش بیای عمو جون  
زیر سم مرکب، قاسم تو افتاد  
از لب من اما، یا علی نیفتاد

دم آخر رسیدی در کنارم  
می خوام سر روی پای تو بذارم

دیگه وقت سفر کردن رسیده  
من از دوری بابام بی قرارم



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - منصوره محمدی مزینان،  
هاتف نیک پور



بند اول

غیرت غیور کربلاست  
محرم حریم خیمه هاست  
آیه آیه نور هل اتی است  
پاره های قلب مجتباست

روده جاری و میره که برسه تا دریا  
حرف آخره عشق وبا شور بزنه با دریا

پشت سر صحراست  
پیش روش دریاست  
ساحل غیرت  
پسره حسن مجتباست

گوشواره:

دریا و موج و ساحل و صحرا گرفتن دم  
جانم حسن جانم حسن جانم حسن جانم

بند دوم

میره تا تو آسمون صداس  
میخونن و ان یکاد براس  
به رکاب نمیرسیده پاش  
هم قدش میشد زرهی کاش

جای خون تو رگاش داره موج میزنه صلابت  
برده ارث از علی دریا دریا وفا وغیرت

شیره تو پیکار  
حیدره انگار  
میدرخشه چون  
تیغ دو دمه ذوالفقار

گوشواره:

دریا و موج و ساحل و صحرا گرفتن دم  
جانم حسن جانم حسن جانم حسن جانم

بند سوم

از زمین و آسمون زدن  
بی هوا و بی امون زدن  
به غزال خسته جون زدن  
هم قد یه پهلوان زدن

زیر بارون سنگ میزنه با عطش به سینه اش  
تکه تکه شده توی غم ها دل آینه اش

شوره تو میدون  
تو چشاش بارون  
غوطه ور تو خون  
انا علیه الراجعون

گوشواره:

دریا و موج و ساحل و صحرا گرفتن دم  
جانم حسن جانم حسن جانم حسن جانم



[دریافت فایل صوتی](#)

## زمینه - دانیال مهرانی



### بند اول

ماه حسن منم ؛ به دل لشگر میزنم  
دعای خیر مادرم ؛ جوشنم جوشنم

حی علی خیر العمل / قاسم پسر فاتح جمل  
سرخی خون راه تو / شیرین تره برام از عسل

من مرده باشم حرم غارت بشه ای عمو  
عمه زینبم اسیر بشه چی جواب بدم به بابام تو بگو

ابن الحسن قاسم / ابن الحسن قاسم / شیر بنی  
هاشم

### بند دوم

شیر دلاورم ؛ زهره ی دشمن و میبرم  
توی لباس مجتبی ؛ حیدرم حیدرم

وقت هنر نمائیم شده / قلب من پیش بابام پر زده  
جوری میجنگم فک کنن / انگاری که حسن اومده

من پیرو راهتم با خون میگیرم وضو  
یه مو از رقیه کم بشه چی جواب بدم به بابام تو بگو

ابن الحسن قاسم / ابن الحسن قاسم / شیر بنی  
هاشم

### بند سوم

آه میکشم عمو ؛ بیا برس به داد من  
نفس آخر میخونم ؛ یا حسن یا حسن

زیر سم مرکب شدم / هم قد علی اکبرت عمو  
توام بیا بالا سرم / که رسیده برادرت عمو

زیر دست و پا ببین قاسم شده زیر و رو  
پیش پات زمین خوردنمو تو خودت بیا و به بابام  
بگو

ابن الحسن قاسم / ابن الحسن قاسم / شیر بنی  
هاشم



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر، امیر اسدی



بند اول

دشمن می‌دونس  
از جگرداری حسن باید ترسید  
کربلا ثابت کرد  
از پسر داری حسن باید ترسید

پسر اون سردار تنها  
نمی‌ذاره تنها عموشو  
از غسل شیرینتر می‌بینه  
آخرین برگ آرزوشو

کاش عقیق یمنی باشم  
کاش اویس قرنی باشم  
کاش شهادت بشه پایانم  
قاسم ابن الحسنی باشم

بند دوم

توی میدونه  
پسری که حتی رجزهاش شمشیره  
نوجوونه اما  
یک تنه جون یک سپاهو می‌گیره

توی چشاش برق مشتاقی  
رو گونه هاش شوق دیداره  
واسه دیدن روی باباش  
معلومه طاقتی نداره

کاش مرید ازلی باشم  
کاش احلی من عسلی باشم  
تا دم آخر شبیه قاسم  
با حسین ابن علی باشم

بند سوم

کل صحرا رو  
خاطرات تلخ مدینه پر کرده  
رو زمین افتاده  
قلبای بی تاب خیمه ها پر درده

داغ حسن رو تازه کرده  
تن پر از تیرش تو میدون  
می‌بره عمو پیکرش رو  
برا خیمه های پریشون

دیدن قامت خم سخته  
داغ جوون برا حرم سخته  
دیدن صورت پر از خون و  
دیدن پای قلم سخته



[دریافت فایل صوتی](#)

واحد سنگین - عالیہ رجبی،  
امیر اسدی، سعید حمیدیان فر



بند اول

میدون پر از عطر نفسهاته  
عکس حسن تو قاب چشماته  
معلومه از طرز نگاهشون  
دشمن تو چه فکر و خیالاته

پیچیده صدای رجزای حسنیت  
افتاده به لرزه بدن لشکریا  
یک عده به خون تن تو تشنه شدن  
دل واپستم چون عمو زود بیا

رفتی و نمیدونی عمه چقد حالش بده  
تو حرم جون به لبامون اومده  
قاسمم قاسمم قاسمم

بند دوم

از هر طرف روی سرت داره  
سنگ بلا و نیزه می باره  
تا وقتی که از پا نیفتادی  
دشمن تورو راحت نمی ذاره

با نیزه مسیر نفست بسته شده  
پا روی زمین نکش جلو چشم ترم  
کش اومده اعضای تنت زیر سما  
این پیکرو تا خیمه چه جوری ببرم

رو زمین پرشده از بال و پر کندهی تو  
شد عمو همیشه شرمندهی تو  
قاسمم قاسمم قاسمم



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)





حسینی زاده هستی شیوه ی اعجاز میدانی  
بگو با حنجرت قدری به ما اسرار پنهانی

گلویت راه شیری و سه جرعه تیر قادر نیست  
که روی کهکشان را خط بیاندازد به آسانی

تبارت آفتاب است و زلال رود و بارانی  
بهاران را نشان دادی در آن عصر زمستانی

کجای این جهان دیدند یک لشکر به یکباره  
ز نوزادی بیاموزد چنین رسم مسلمانی

علی الظاهر تو نوزادی، ولیکن یک ولی الله  
که می بردند نامت را علی جویان به حیرانی

تو روح عدلی و حقا توانستی به نای حق  
ستون کاخ ظلمت را چنان زینب بلرزانی

تو و سرنیزه ها و باز تکرار جسارت ها  
ملائک با تو میگریند وقتی روضه میخوانی

دلی که بی تو میماند بیابان است میخشکد  
نگاهت نور مهتاب است در یک شام بارانی

شبیله بادسرگردان، میان صحن میچرخم  
و میگویم به آنهایی که می آیند مهمانی

گدای کربلا بودن شرف دارد به اربابی  
بیا مسکین در این خانه ک پشت در نیمانی

بیا که سفره احسان در این بیت الکریم پهن است  
چه خوانی و چه احسانی چه روزی فراوانی

منم آنکه کریمی چون تو را دارد و تو آنی  
که دستم را گرفتی بارها در کمتر از آنی

پیشانم پریشان هوای کربلای تو  
زیارت هست پایان دل انگیز پریشانی

## غزل - مهدی قربانی

تو که لب تشنه بودی چاره ای را دست و پا کردند  
برایت عاقبت زیرِ گلویت چشمه وا کردند

تنت را موقع بیرون کشیدن از درونِ خاک  
به زورِ ضربه های محکمِ سرنیزه تا کردند

فقط یک نیزه خالی بود و نیزه دار سرمیخواست  
که اینها با سرِ تو حاجت او را روا کردند

غریبی میکنی بالای آن نیزه نمیمانی  
سرت را چند باری روی نیزه جا به جا کردند

نخ قنداق، یا معجر، نمیدانم چه بود اما  
سرت تا بند شد بر نیزه جشنی را به پا کردند

سرت بر روی نیزه، رو به رویِ مادرت اما  
تنت را مثلِ بابا در بیابان ها رها کردند

## غزل - وحید عظیم پور

شش ماهه‌ی حسین لبش التهاب خورد  
آنجا که اسب شمر لب نهر آب خورد

آورد طفل را وسط دشت و آب خواست  
گوشش ولی به هلهله جای جواب خورد

شاه احتجاج کرد ولی در جواب شاه  
تیری به حنجر پسرش با شتاب خورد

آنقدر تیز بود که یک جا ز جا پرید  
مثل تلنگری که به روی حباب خورد

از نهر آب رفت و به نحر علی نشست  
هی تیر تاب خورد و علی پیچ و تاب خورد

قربانی حسین به یک تیر ذبح شد  
آن روز راه بهت به عالیجناب خورد

یک بار خون اصغر و یک بار قتلگاه  
پس صورت حسین دو دفعه خضاب خورد

آورد طفل را ببرد سمت دار حرب  
یک دفعه چشم‌هاش به چشم رباب خورد



## چهارپاره - مهدی قربانی

خیمه‌ها را عجیب تر میکرد  
گریه‌های عجیب آن نوزاد  
پیش گهواره اش زمین میخورد  
مادر بی شکیب آن نوزاد

همه مشغول کودکش بودند  
خبر از سمتِ علقمه آمد  
که عمو روی خاک افتاده  
و پدر دست، بر کمر میزد

نا امیدانه مادرِ اصغر...  
رو به زینب، چکار باید کرد؟  
دارد از دست می‌رود طفلم  
سوخت از تب، چکار باید کرد؟

اینچنین صحنه را تصور کن  
این همه درد را کجا دیدی؟  
تا به حالا تمام عمر آیا  
سُرفه‌ی خشکِ طفل را دیدی؟

پدرش آمد و عبایی خواست  
طفل را در عبای خود پیچید  
نرم و آهسته گام بر میداشت  
لب او را چقدر میبوسید

تا عبا را کنار زد بابا  
دید طفلش دوباره تب میکرد  
پسرِ مظهرِ مناعتِ طبع  
آب از دشمنش طلب میکرد

اشکِ بابا فقط تمسخر داشت  
به علی رحم شد؟ بگو اصلاً  
حرمله آمد و نشانه گرفت  
یک سه شعبه رسید تا گردن

گره افتاده بود در کارش  
پدری مانده بود شرمنده  
این طرف گریه‌ی حرم بود و  
آن طرف یک سپاه در خنده

و گذشت و گذشت و گذشت  
روزگاری به مادرش طی شد  
اصغرش را ندید تا وقتی  
که سر او سوار بر نی شد

گفت حالا به روی این نیزه  
لاأقل قد کشیده‌ای، مادر  
از کبودی پلک تو پیداست  
چقدر زجر دیده‌ای مادر



از تشنگی هرگز نبودى زار و بى تاب  
رفتى به میدان نه به قصد خواهش آب

رفتى چراغ کوچكى باشى در این راه  
رفتى كه دستى را بگیری از دل چاه

رفتى كه آزادی ببخشی محبسى را  
از جهل شاید بازگردانى كسى را

حيدر شدى بر منبرى از دست بابا  
با چشم‌هايت خطبه خواندى ، آه، اما

غير از سپیدی گلويت را ندیدند  
آن خطبه‌هاى روشنت را سر بریدند

از هم جدا شد جمله‌ها پای گلويت  
خون دجله می‌شد در بلندای گلويت

کینه دل تیر سه پر را سخت می‌کرد  
خوابیدنت کار پدر را سخت می‌کرد

یک دست او گهواره جنبان سرت بود  
دست دگر گهواره بهر پیکرت بود

در چشم‌هايش تیره می‌شد روز روشن  
نه جان ماندن داشت و نه روی رفتن

شمشیر کارش قبر كندن شد ولی حيف  
مادر كنارت گفت با آه ، از علی حيف

لطفی ندارد بى تو ديگر منزل من  
چشمان خود را باز كن نور دل من

با تو سخن بسیار دارم تا بگويم  
قنذاقه‌ی خونیت را باید بشویم

خشک است مادر جان چرا دور دهانت  
از حنجرت بیرون چرا زد استخوانت

برگرد و بارى از غم بردار مادر  
تلقین و تدفین من است انگار مادر

زود است حالاها برایت سوگواری  
در خاک خوابیدی چرا ؟ گهواره داری

رباعی - سعیده کرمانی



آن قوم که خواستند پر پر بشوی  
بر دست پدر شهیدِ بی سر بشوی

ای کودک شیرخواره می ترسیدند  
از اینکه تو هم علی اکبر بشوی

زمزمه - سعیده کرمانی، سعید  
حمیدیان فر، یاسین زندگی



بند اول

تو ساقه‌ی یاس جوونی  
رودست بابا غرق خونی  
دیگه کنارم نمی‌مونی؟

مادر

چه طوری رفتنتو باور کنم

مادر

لب خشکتو با گریه تر کنم

ای وای ای وای

مادر

استخون تو گلوت دیده می‌شه

مادر

گهواره ات به زودی دزدیده می‌شه

ای وای ای وای

بند دوم

گرفتنت چه جوری از شیر

بابات شد از غصه‌ی تو پیر

قبر تو می‌کنه با شمشیر

مادر

خونو از رو صورتت پاک می‌کنم

مادر

قلبمو کنار تو خاک می‌کنم

ای وای ای وای

لالا

لالا لالا ای گل نخورده آب

لالا

تو مزارت دیگه آسوده بخواب

ای وای ای وای

بند سوم

آتیش زدن قلب حرم رو

کشتن امید آخرم رو

بیرون کشیدن پسر رو

ای وای

سرتو دارن به غارت می‌برن

ای وای

مادرت رو به اسارت می‌برن

ای وای ای وای

ای وای

روبه روی سرت از هوش می‌رم

ای وای

سرت از نیزه بیافته می‌میرم

ای وای ای وای



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)



بند اول

بابا فدای / ترک‌های روی لبات  
داری می‌بینی / توی علقمه موج فرات  
از بس که گریه کردی / گرفته صدات

اومدی تو / آغوش بابا  
حالا که هستم / تنهای تنها  
رو دست من / میون صحرا  
بین عموت و / کنار نخلا

یه قطره آبم نخورد  
عموت کنار دریا  
نشد برسونه آب و  
به آتیش خیمه‌ها

بند دوم

مبارز تو / تیر و کمون میشه بابا  
تیر سه شعبه / می‌بوسه حنجره‌ات رو حالا  
سیراب میشی با دست / مادرم زهرا س

حیرون این / وضع گلوتم  
با خونت انگار / توی قنوتم  
حال من رو / رباب س می‌دونه  
کاشکی میون / خیمه بمونه

برای بابا سخته  
تو خاک تو رو ببینه  
داره با چشای گریون  
برات لحد می‌چینه

بند سوم

خون تو چشمم / می‌باره از روی نیزه  
گلوت و دیدم / نشست رو گلوی نیزه  
دیدم میره مادرت / به سوی نیزه

از رو نیزه / قرآن می‌خونم  
تا باشی آرام / عزیز جونم  
تا مادرت / آرام بگیره  
آخه می‌ترسم / رباب س بمیره

حالا دیگه رو نیزه  
ستاره‌ی شب‌هایی  
داره می‌خونه عزیزم  
بابا برات لالایی



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - امیررضا قناتی، مجید فراهانی



بند اول

ترک زده لبای کوچیکت  
مث لبای مادرت  
سری توی سرا درآوردی  
تو هم مث برادرت

منم مث تموم مادرها / دارم سری میون این سرها  
سرم رو میگیرم بالا پیش زهرا

علی بالام  
فدای اون نگات  
هنوز تو گوشمه  
صدای خنده هات

بند دوم

یه روز توو خوابمم نمی دیدم  
رو نیزه ها ببینمت  
سر شکسته ی عمو عباس  
یه روزی میشه هم دمت

یه وق(ت) چیزی نگی بهش مادر / نمی بینه شدیم ما

بی معجر  
نده دیگه خجالتم از این سر

ندیده که  
چجوری کشتنت  
روو دستای بابا  
میلرزیده تنت

بند سوم

چه تشییع جنازه ای داشتی  
تو روی دستای بابا  
نوای لا اله الا الله  
پیچید میون خیمه ها

به جای فاتحه زدن ما رو / شبیه فاطمه(س) زدن ما رو  
کنار علقمه زدن مارو

زدن منو با  
کمون حرمله  
به جای تسلیت  
میکردن هلهله



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - منصوره محمدی مزینان،  
هاتف نیک پور



بند اول

فدات بشم که رو نیزه چه میخندی  
هنوز چشاتو رو چشمام نمیبندی

مادر بمیره الهی که شیر نداشتم  
چند روزیه که گلم و رو تشنه گذاشتم

من از این بی قراریت خجالت میکشم  
چرا آروم نداری فدای تو بشم

لالایی لالایی لالایی علی اصغر  
لالایی لالایی لالایی علی اصغر

بند دوم

داری با اشکات دلم رو تگون میدی  
رو نیزه آغوش من رو نشون میدادی

الهی بارون نباره که تشنه موندی  
جلوی دشمن با اشکات رجز میخوندی

دیگه بعدت چه خاکی به سرم بریزم  
تا ابد توی گوشم صداته عزیزم

لالایی لالایی لالایی علی اصغر  
لالایی لالایی لالایی علی اصغر

بند سوم

باور نداشتم که دیگه تو بر نگردی  
ندارم آروم که مادر صدام نکردی

مادر بمیره ندیدم یه سالگیتو  
نه حرف زدن و نه بازی نه بچگیتو

گرفتن حتی از من علی گهواره تو  
نباشم که ببینم گلوی پاره اتو

لالایی لالایی لالایی علی اصغر  
لالایی لالایی لالایی علی اصغر



[دریافت فایل صوتی](#)

## زمینه - دانیال مهرانی



### بند اول

نیمه شب با چشم گریون می‌گه به زینب  
خواب علی اصغر و میدیدم / که برآش گهواره خریدم  
تا اومد صدام بزنه مادر / یهو از خوابم پریدم

چه امیدایی که نا امید شده  
یه شبه موی سرم سفید شده  
عصای دست پیری رباب / شهید شده

سرخ‌چو چشاش ؛ یادمه / خشکی لباس ؛ یادمه  
زخم توو صداش ؛ یادمه / خاک رو موهاش ؛ یادمه

لالا - لالا - لالایی / علی - علی - کجایی

### بند دوم

زیر سایه نمیشینه می‌گه به زینب  
دل یه مادر و شکستن / با خنده سر رام نشستن  
با سر زلف پریشونش / سرشو رو نیزه بستن

پا به پای سرتو کشوندنم  
توو آتیش غم تو سوزوندنم  
دل شکسته مو ندیدن و / شکوندنم

خون به جیگرم ؛ کردن و / گهواره تو دُز ؛ دیدن  
(دزدیدن)

پیش چشم آب ؛ خوردن و / افتادم و خن  
؛ دیدن (خندیدن)

لالا - لالا - لالایی / علی - علی - کجایی

### بند سوم

دلش از غم شده پاره می‌گه به زینب  
زمانی که میان و سرا رو / روی نیزه ها می‌شمارن  
با نیزه ها پیکرشو از / زیر خاکا در میارن

دیگه نه رمق مونده توو صدام  
دل همه خون شد با گریه هام  
بعد علی دیگه نه غذا میخوام / نه آب میخوام

توی قنوت ؛ نافله / با یه دل بی ؛ حوصله  
دعا میکنم ؛ بشکنه / دستت الهی ؛ حرمله

لالا - لالا - لالایی / علی - علی - کجایی



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول



آسمون میبینه، خشکی لبهاتو  
خیمه ها می سوزه، لحظه لحظه با تو  
توی میدون کی میدونه، حال باباتو

چشمات، داره می باره  
قلبم، چه بی قراره  
حال منو کی، می دونه ای مادر

رفته، عمو به میدون  
بابا، شده پریشون  
عمو تو راهه، بخواب علی اصغر

گمونم داری تو خواب می بینی  
توی خواب داری سراب می بینی

عموتو توی فرات می بینم  
بمیرم، که خواب آب می بینی

بند دوم



از عطش پیچیده، ناله هات تو صحرا  
از تو نخلا اومد، قد خمیده بابا  
میری رو دستای بابا، تا خود دریا

رنگت، چرا پریده  
جونم، به لب رسیده  
بعد تو مادر، من میشم آواره

دنیام، تیره و تاره  
دیدم، حرمله داره  
تیر سه شعبه، برای تو میاره

حالا که به روی نی خوابیدی  
گل من بگو چرا خندیدی  
بمیرم که تشنه لب چون دادی  
گمونم دوباره خواب میدیدی



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

از هرم تو نفسات  
شراره میگیره قلب مادرت  
رو دستم بال و پر نزن  
میکشی منو فدای بال و پرت  
دور و بر گهوارت  
گریه میکنه برای تو خواهرت

ای علی جانم ، ای علی جانم  
بگردم دور سرت

لالا لالا علی ، ای مهربونم  
بخواب ای اصغرم دردت بچونم  
عمو رفته که واست آب بیاره  
بخواب مادر ، برات لالا میخونم  
لالا لالا لالا لالا لالایی

بند دوم

میدون میری پسر  
داری میری سیرابت کنه بابا  
ای وای از این حرمله  
ای وای از این تیر و سر نیزه ها  
میدونم میکشنت  
بی قرار و بی تابم ای خدا

ای علی جانم ، ای علی جانم  
نری زیر دست و پا

ببین مادر چقد دل نگرونم  
سرت از تن جدا میشه میدونم  
تو میری روی نیزه پیش بابات  
من این پایین برات لالا میخونم  
لالا لالا لالا لالا لالایی



[دریافت فایل صوتی](#)

واحد سنگین - سعیده کرمانی،  
امیر اسدی، سعید حمیدیان فر



بند اول

ای مرحبا بر غیرتت بابا  
شش ماهه سرباز رشید من  
خوب ایستادی در رکابم ای  
کوچکترین سرو شهید من

بر دست پدر بیا کمی خطبه بخوان  
با گریه به هم بریز دشمن‌ها را  
شمشیر تو ذوالفقار چشمان تو است  
مانند عمو کمک بده بابا را

یا علی نام تو در صف نام شهداست  
یا علی غدیر تو کرب و بلاست  
یا علی یا علی یا علی

بند دوم

جام شهادت را به کف داری  
چشمت چراغانی این بزم است  
وقتی علیِ معرکه باشی  
قنடைهات هم جامه‌ی رزم است

با خون خودت به آسمان رنگ بپاش  
مظلومیت حسین را امضا کن  
آه ای سند حقیقت راه حسین  
مفهوم قیام را بیا معنا کن

رفتی و در بغل فاطمه سیراب شدی  
روی دست پدر خواب شدی  
یا علی یا علی یا علی



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)

## واحد - پوریا باقری



### بند اول

یه مادر دل بی قرار و بی تاب و گریون  
کنار گهواره ی بچه ش دل پریشون  
نشسته اشک غریبی توی نگاهش  
لالایی میخونه خانوم با قلب پر خون

لالا لالا ای گل پرپر

کودک نازم ای علی اصغر

عموت رفته آب بیاره آروم بگیر مادر

لالا لالا

لالا لالا

لالا لالا روی لبهامه ، اشک بی تابی توی چشمهامه

لالا

لالا ای علی اصغر

### بند دوم

رسیده وقت عملداریت پهلونوم  
داری میری قل هوالله واست میخونم  
الهی دور باشه چشم بد از تو مادر  
میری سیراب میشی برمبگردی میدونم

برو دست حق به همراهت

ای به قربون صورت ماهت

الهی دشمن نگیره مادر سر راهت

لالا لالا

لالا لالا

لالا لالا جون فداتم من ، زود بیا مادر چشم براتم من

لالا

لالا ای علی اصغر

### بند سوم

داره برمبگرده اما باز بسته چشماش  
تو گوشم مونده هنوزم هُرم نفس هاش  
گمونم سیراب شده طفل بی زبونم  
چه آروم خوابیده روی دستای باباش

خدایا بچه م چرا خوابه

دست باباش لرزون و بی تابه

اونی که میریزه از لبهاش خونه یا آبه

لالا لالا

لالا لالا

لالا لالا بچه مو کشتن ، خون میباره ابر نگاه من

لالا

لالا ای علی اصغر



[دریافت فایل صوتی](#)



هرشب / با صدای گریه ت  
پامیشدم یادش بخیر  
هر روز / با دیدن خندت  
میخندیدم یادش بخیر

نذاشتم آفتاب و مهتاب / تو رو ببینه  
نذاشتم هیشکی بی نقاب / تورو ببینه  
حالا باید رو نیزه رباب / تورو ببینه  
روی نیزه شکفتی / گل امید مادر  
واسه ی بوسیدنت جون میده مادر



رفتی / ولی خبرداری  
تو آتیشه قلب رباب  
گاهی / نگام بکن شاید  
آروم بشه قلب رباب

غارت گهواره میشه / بلای جونم  
حنجره ی پاره میشه / بلای جونم  
افتادن تو داره میشه / بلای جونم

بخدا زوده واسم / که به داغت بشینم  
دیگه باید خنده تو / تو خواب ببینم



داغه / تودلم از داغه  
دل زهرا بیشتر که نیست  
خونت / رنگین تر از خون  
عزیز پیغمبر که نیس

سوخته تو آفتاب سر و روت / مثل حسینم  
خون میچکه از سر موت / مثل حسینم  
جای بوسه نداره گلوت / مثل حسینم

واسه داغت اگرچه سیاپوشه دو دنیام  
ولی شکر خدا که همدرد زهرام



[دریافت فایل صوتی](#)





## قصیده - وحید عظیم پور

جوشن به خاک خورد، سپر تکه تکه شد  
بابا قدش خمید ، پسر تکه تکه شد

هر ضربه که زدند به جان پدر زدند  
اولاد تیغ خورد پدر تکه تکه شد

حکم پسر برای پدر دیده و دل است  
یعنی که چشم دید جگر تکه تکه شد

از باغ ، میوه را به درستی نچیده‌اند  
بلکه چنان زدند ثمر تکه تکه شد

با احتساب این که علی در نماز بود  
طوری به سر زدند که سر تکه تکه شد

آرام گفت یا ابتا را اَبَ اَبَ  
یعنی نفس برای پسر تکه تکه شد

طوری ز روی اسب به روی زمین فتاد  
گفتند زانوان پدر تکه تکه شد

گریان گذاشت صورت خود را به صورتش  
دیگر به پا نخواست ، کمر تکه تکه شد

تشییع او کسای یمانی نیاز داشت  
یک تن به قدر پنج نفر تکه تکه شد

عمه رسید تا به پدر کم نظر کنند  
عمه که سر رسید نظر تکه تکه شد

## قطعه - مهدی قربانی

بابا فدای قدِ رشیدی که داشتی  
آن نعره های صف شکنت بی نتیجه ماند

یوسف شدی و پشت تو یعقوب میشوم  
رفتی و بوی پیرهنت بی نتیجه ماند

اینجا که چاه نیست چرا پس ندیدمت  
در خاک، جستجوی تنت بی نتیجه ماند

پا شو به خاطر دل بابا قدم بزن  
حالا که دست و پا زدنت بی نتیجه ماند

این خواهشم که باز صدایم کنی مرا  
با خون مانده در دهنت بی نتیجه ماند

آن یک عبا که پنج تنی را جواب داد  
بر جمع کردنِ بدنت بی نتیجه ماند



یک روز سردِ سرد، زمستان شصت و پنج  
بین حیاط کوچک خانه دم غروب  
دلشوره بود در دل بی تاب مادرم  
با این همه ولی شده سرگرم رفت و روب

زنگ حیاط خانه صدایش بلند شد  
آورده بود یک خبر از سمت جبهه ها  
از لحظه ی شهادت سخت برادرم  
گفت و خمید قامت مادر در این عزا

می گفت زنگ خانه به لکنت برایمان  
از ماجرای ماه و شب و سیم خاردار  
از بصره و شلمچه و از کربلای پنج  
میدان مین و معبر و تخریب و کارزار

فردای آن غروب جلوتر ز مادرم  
رفتم زیارت تن پاک برادرم  
آغشته بین خاک، تنی پاره پاره بود  
چیزی نمانده بود ز سرو صنوبرم

می خواست مادرم پسرش را بغل کند  
آن میوی دل و ثمرش را بغل کند  
بعدش به دامنش سر او را بگیرد و  
آخر ستاره سحرش را بغل کند

اصرار بود مادر و من بودم التماس  
با اضطرار و عجز نشستیم به روی خاک  
با دست هام چادر او را گرفتیم و  
گفتم: «به جای دیدن این جسم چاک چاک...»

ای مادر شهید بیا با دو چشمه اشک  
مرهم گذار بر جگر اطهر حسین ع  
هر جا دلت گرفت برای شهیدمان  
خون گریه کن برای علی اکبر حسین ع»

مادر به روی خاک نشست و شکسته شد  
بر سینه کوفت، چادر خود را به سر کشید  
آهی کشید و روضه همانجا شروع شد  
گفت از دمی که شاه صدای پسر شنید

از روی اسب روی زمین خورد با شتاب  
برخاست روی پا و به سمت پسر دوید  
شاه بلند مرتبه اما دومرتبه  
افتاد روی خاک و قدش بیشتر خمید

اینجا حسین ع با سر زانو نفس زنان  
بالاسرش رسید ولی محتضر رسید  
آخر حسین ع گرچه رسیده ولی بین  
از خیمه گاه خواهر او زودتر رسید

با التماس گفت لب ت را به هم بزن  
«بابا» بگو دوباره، پدر خون جگر شده  
آن سوی دشت هلهله و طبل شادی است  
این سوی دشت خون جگری بی پسر شده

با دست و پا زدن نفست وا نمی شود  
پا بر زمین مکش که دلم ریش می شود  
با دست و پا زدن جلوی چشم من فقط  
اعضای قطعه قطعه پس و پیش می شود

بر سینه اش فشرد سر چون ستاره را  
بر دامنش گرفت تن پاره پاره اش  
آرام که نشد سر خود را زمین گذاشت  
صورت به صورت پسر ماه پاره اش

فریاد زد علی! ولدی! میوهی دلم!  
«برخیز قلب شعله ورم را شرر مده»  
بابا تمام دشت نگاهش به عمه است  
«پنجاه سال زحمت ما را هدر مده»

از خیمه آمدند جوانان هاشمی  
دیگر رمق نمانده در این دست و پا علی ع!  
تو بر عبا بخواب و برو سمت خیمه ها  
می آورم به خیمه خودم عمه را علی ع!



بگو کدام بپوشانم از نگاه ملامت  
کبود پیکر تو یا که سرخ روی جریحم

الی الابد به روی خاک پیکر مشبک او را  
به روی دست گرفتم شده است نقش ضریحم

یگانه شبه پیمبر هزار امید ذبیحم  
قرار برده‌ای از من به وقت حشر شبیهم

چنان شرار به جان کرده‌ای که آن فراق  
دمی به سوگ و عزایم دمی به وصف و مدیحم

لسان و صمت و کلامم اذان اقامه قیامم  
چکیده‌ی همه مصحفی به لحن فصیحم

به روی خاک فتادی و خاک از تو فلک شد  
به هر کجا که نظر شد نشان توست وجیهم

چگونه قطعه به قطعه شکسته آینه من  
چه کرده با همه‌ی من عدوی خوار و قیحم

گسسته شعر بلندم قصیده گونه‌ی درهم  
کتاب تازه‌ی آشفستگی به نظم فصیحم

نفس زدم نفسی و نفس گرفتی و بعدش  
نفس نفس زدی و حی شدی همیشه مسیحم

که چشم بستنی و چشم از جهان بعد تو بستم  
طلوع صبح قیامت رخ وجیه صبیحم

ز سر فاش بر آن لب به لمحہ کاش دوباره  
اشارتی بکنی جای بوسه‌های صریحم

إِذَا جَرَحْتَ فُوَادِي بِسَيْفِ حَزْنِكَ فَأَقْتُلْ  
به مقدم تو فتادم به خاک من که فقیهم

## غزل - حمیدرضا عباسی



از خیمه می روم پسرم را بیاورم  
تا پاره پاره ی جگرم را بیاورم

پیش نگاه اهل حرم تیره شد زمین  
باید ستاره ی سحرم را بیاورم

مثل عقاب میروم اما چه فایده  
نایی نمانده بال و پر را بیاورم

چشم انتظار دخترکی ایستاده تا  
روی عبا امید حرم را بیاورم

زینب! بیا به یاری ام از روی خاک ها  
صدها علی دور و برم را بیاورم

آه ای عصای پیری بابا بلند شو  
سرو رشید خانه ی لیلا بلند شو

عمه رسید و چشم چرانها رسیده اند  
خوش غیرت قبيله ام از جا بلند شو

هرجا نگاه میکنم از تو نشانه ای است  
ای تکه تکه از دل صحرا بلند شو

پا بر زمین نکش، جگرم آب می شود  
لب تشنه ماهی لب دریا بلند شو

## غزل - سعیده کرمانی



رجز بخوان ، رجز بخوان ، شبیه مرتضی علی  
که حیدری دگر شود دوباره سهم ما علی

برو که اولین شهید این قبيله می شوی  
برو برو عزیز خانواده مرحبا علی

سوار شو به سمت خیمه گاه دشمنان برو  
عقیق خون خویش را ببخش بر گدا علی

برو به فتح خیبری دوباره و تو هم بده  
جواب ظلم قوم بدتر از یهود را علی

هزار بار خورده ام زمین و باز پاشدم  
خودت بیا به من بگو چقدر مانده تا علی

جوان من بلند شو ، نخواب بین معرکه  
بلند شو ، بلند شو ، بگو دوباره یا علی

نه پیرهن که جوشنت شده است پاره یوسفم  
چگونه این چنین شدی اسیر گرگ ها علی

هم این طرف ، هم آن طرف ، به هر طرف تو هستی و  
بیابمت کجا علی ؟ کجا علی ؟ کجا علی ؟

چقدر تکه تکه ای ، چقدر پاره پاره ای  
به قول شاعران شدی هجا هجا هجا علی

زمزمه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر، یاسین زندی



بند اول

وا کن یه بار دیگه چشاتو  
می‌خوام که بشنوم صداتو  
زمین نزن روی باباتو

ای وای

اینا از اسم علی کینه دارن

ای وای

از چشات یه بغض دیرینه دارن

ای وای ای وای

ای وای

صورتت کبوده مثل مادرم

ای وای

چه طوری تو رو تا خیمه ببرم

ای وای ای وای

بند دوم

رحمی نکردن به جوونم

دیگه چه طور زنده بمونم

بعد تو ای عزیز جونم

ای وای

مگه داغ تو سبک میشه یه. روز

ای وای

نیزه توی بدنت مونده هنوز

ای وای ای وای

ای وای

دشمنم خندید به گریه های من

ای وای

شده تابوت تنت عبای من

ای وای ای وای

بند سوم

از داغ رفتنت شدم پیر

شدم بابا دیگه زمینگیر

کشتن تو رو هزار تا شمشیر

ای وای

ریخته انگاری یه لشکر سرتو

ای وای

هر طرف پر شده از پیکر تو

ای وای ای وای

ای وای

همه جا پر شده از خون تنت

ای وای

اربا اربا شده حتی جوشنت

ای وای ای وای



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)



بند اول

با غرور مرتضوی اومد  
تو نگاش عجب غضبی داره  
پسر حسین نوه حیدر  
چه شرافت نصبی داره

خلقا و خلقا منطقا، پیمبر کرب و بلاس  
مایه غرور عمه هاس  
میوه دل آقای ماس

الله اکبر و الله اکبر  
این حیدره یا علی اکبر  
نبین لباش ترک داره  
به پاش افتاده حوض کوثر

بند دوم

خیمه غرق شیون و فریاده  
رو زمین غرور من افتاده  
عوض حمایت و دلداری  
یه سپاه برا غم من شاده

پر شده صحرا از تو و نشونه های مبهمت  
کمر منو شکست غمت  
چجوری میخوام بیارمت

میام عزیزم ، عبا میارم  
دلمو کنارت جا میدارم  
رفتی و از داغ تو بابا  
حالا دیگه رو به احتضارم



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر



بند اول



چه دامنگیره این خاک  
پر از داغ جوونه  
نداره لیلا ولی  
جزیره‌ی مجنونه

برا تو شوق وصال  
برا من هجران داره  
بلند شم بعد این داغ  
آخه مگه امکان داره

این عطش آب نیست  
که رو لبامه پسر  
داغ تو رو دلم نشست  
داره می‌سوزه جگرم

بند دوم



ببین عمه رسیده  
کنار پیکر تو  
نشد حتی ببینه  
ثانیه‌ی آخر تو

جوونای هاشمی  
که بردارن این تن رو  
بیان دنبال عمه  
یا ببرن جسم من رو؟

دیدنی چشم تار من  
تو خاک و خون جوونتو  
خیری دیگه نیس علی  
تو دنیای بدون تو

بند سوم



برای ذره ذرات  
می‌گردم توی صحرا  
شده روی دو زانو  
می‌برمت از این جا

شدی از اهل کسا  
عصای دست بابا  
عبام تابوت شد  
ای همه‌ی هست بابا

نایی نمونده واسم  
که بتونم کاری کنم  
هنوز جوونی چطوری  
برات عزاداری کنم



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

مهر پدر و پسری  
کی می‌گه نداره اثری  
داری میری میدون بابا  
برام نمونده جگری

چرا برات ناله سر ندَم  
تو که تنت صد پاره نبود  
قبل تو شکستن کمرم رو  
اما بابات بیچاره نبود

بیچارم کرده تن پاچیده روی زمینت  
بیچارم کرده رد زخمای روی جبینت  
بیچارم کرده دوتا چشمای مثل نگینت

بند دوم

پاهاتو نکش رو زمین  
پیش همه اهل حرم  
آخه تن پاشیدتو من  
چطور تا خیمه ببرم

پاشو منو جون به سر نکن  
پاشو علی حالمو ببین  
حرفمو نزن روی زمین و  
پاشو یکم پیش من بشین

می‌خنده دشمن به دست رفته رو کمر من  
می‌خنده دشمن به این اوضاع دور و بر من  
می‌خنده دشمن به اشک چشمای خواهر من

بند سوم

جونم به لبم میرسه  
لب هات که به هم میخوره  
بابات پیش جسمت داره  
از همه جا دل می‌بره

دل منم پاره پاره شد  
مٹ همین پیکرت علی  
دور و برم ریخته ای بابا  
روی زمین پیکرت علی

مبھوتم بابا بدون تو دیگه نمی‌تونم  
مبھوتم بابا نمونده چیزی از تو جوونم  
مبھوتم بابا چه جوری بی تو زنده بمونم



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - خسرو جولافیان،  
ابراهیم جولافیان



بند اول

دیدم که تنت روی زمین پاشیده  
کی روی تن گل پسرش این همه خنجر دیده

پاشو عزیزم پاشو ریشه جگرم  
پاشو پسر دوبره  
تورو بغل می‌کنم آرام نمی‌شم  
ای مصحف پاره پاره

وداع باتو سخته  
برا دل شکسته  
برای من پیرمرد خسته

بند دوم

پاشو همه خندونن و دشمن شادم  
آتیش نزن بر جگرم ای شاخه‌ی شمشادم

تو دل غربت تورو از دس دادم  
بند بند دلم گسسته  
حالا باجسم روی خاکت چه کنم  
غم‌ها سر من شکسته

چقدر شیه‌ی غم  
میون نگاته  
چقدر بابا دلتنگ صداته

بند سوم

هرجای از این دشت تورو می‌دیدم  
ای وای خدا پاره شده تسبیح مرواریدم

تنت و هر بار که شمردم دیدم  
چندتا استخون مونده  
بقیه‌ی پیکرت اما ای وای  
دست این و اون مونده

چقدر تیغ و خنجر  
لای دنده‌هاته  
چقدر جای زخم رو دست و پاته



[دریافت فایل صوتی](#)

## زمینه - دانیال مهرانی



### بند اول

رحمی به حال بابا / ای ماهپاره ی لیلا  
تا رفتی حرم لرزید / پاشو منو نذار تنها

از اونی که میترسیدم سرم اومد  
توو خاطر م پهلوی مادرم اومد  
برا تسلا ی دل پریشونم خواهرم اومد

عذاب دادنت علی  
زنده زنده تیکه تیکه کردنت علی  
جلو پیکرت علی  
به حال داره میخنده دشمنت علی

آتیش به قلبم زدی ولدی / ولدی / ولدی / ولدی

### بند دوم

گلگونه چشمات از خون / قد و بالاتو قربون  
پاشو بریم خوش غیرت / عمه زینبو بر گردون

زحمتای یه عمر داره میره بر باد  
چشم حرومیا به زینبم افتاد  
پیش چشم علی اکبرم چون داد ای داد بی داد

چه بد کشتنت علی  
تیرا رو میکشم از توو گردنت علی  
با هر زحمتی شده  
نیزه ها رو در میارم از تنت علی

سمت خدا پر زدی ولدی / ولدی / ولدی / ولدی

### بند سوم

ما بین میدون مردم / جون کندی و جون کندم  
زخمایی که وا مونده / با بوسه هام می بندم

دعا کنید علی من طاقت بیاره  
تا خیمه با این گلوی پاره پاره  
میره و داغ رفتنش رو تا قیامت رو دلم میذاره

شکست حرمت حسین / دوره ش کردن و فقط  
هلله میکنن  
شکست حرمت حسین / بالای نعش علی زخم زبون  
زدن


غریب عالم حسین / یا حسین / یا حسین / یا حسین / یا حسین  
حسین



[دریافت فایل صوتی](#)

## زمینه - مهدی صابری



بند اول 

درامدی و رخ ماه تو دیدم  
دوان دوان از پی تو بدویدم


تو راهی قتلگه‌یی و بدان که  
دل از تو بابا بخدا نبریدم

امید من کجایی... امان ازین جدایی

گل خوش بوی حرمم  
علی اکبر ای پسر

تو اشبه الناسی به شه اطهر  
رود سوی میدان خود پیغمبر

امید من کجایی... امان ازین جدایی

بند دوم 

تو از حرم رفتی و غم شده یارم  
نمانده بعد از تو نه صبر و قرارم


خزان عمر پدر تو رسیده  
چرا که رفته همه باغ و بهارم

امید من کجایی... امان ازین جدایی

تو تمنای حرمی  
گل یاس پرپرمی

تو که تمام برگ و برم بودی  
تو که همه عمر و ثمرم بودی

امید من کجایی... امان ازین جدایی

بند سوم 

به خاک و خون خفتی و ناله کشیدم  
کشان کشان پیش تن تو رسیدم

رسیده زینب به سر بالینت  
بین که از حرمله طعنه شنیدم

امید من کجایی... امان ازین جدایی

لب عطشانانت پر خون  
سر و چشمانت پر خون

تن تو صد چاک ای گل بی جانم  
ورق ورق گشته همه قرآنم

امید من کجایی... امان ازین جدایی



[دریافت فایل صوتی](#)

## زمینه - عالیہ رجبی



### بند اول

به جونم افتاده شراره  
حرف سفر شده دوباره  
برای رفتن بی قراری  
دل توی سینه م بی قراره

داری میری

با اشکای جاری میری

تو غصه ها

باباتو میذار میری

داری میری ۴

باشه ولی یه بار دیگه

جلو چشم راه برو

بذار که تا یک دل سیر

بابا نگاه کنه تورو

### بند دوم

جلو حرم چشم به راهه

دلواپسم خدا گواهی

پاهام میلرزه تا میبینم

دور و برت پر از سپاهه

خونه دلم

زارو پریشونه دلم

اینجام ولی

میونه میدونه دلم

خونه دلم ۴

رجز بخون تا پدرت  
بدونه سراپایی هنوز  
اذان بگو که کم بشه  
از این غمای سینه سوز

### بند سوم

صدات میاد سرو رشیدم  
کجا زمین خوردی امیدم؟  
خدا میدونه به چه حالی  
تموم میدونو دویدم

پاشو علی

دوباره سرپا شو علی

از پدرت

میگیری دنیا شو علی

چکار کنم تا رو لبات

دوباره لبخند بیاد

بگو چکار کنم تا یکم

خون گلوت بند بیاد



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - منصوره محمدی مزینان،  
امیر اسدی



بند اول

الهی ام لیلا  
فدات بشه علی جون  
از عمه هات شنیدم  
چه کردی توی میدون

کاش بودم و دستتو / رو شونه هام میزاشتی  
من ان یکاد میخوندم / تو مشک و برمی داشتی  
چشم حسود دور که باز / تو کربلا گل کاشتی

الحق که شیری / هیبت حیدری  
خَلقا و خُلقا / شبه پیغمبری

بند دوم

میگن شبیه حیدر  
تو رزم حریف نداشتی  
دل زمین می لرزید  
قدم که برمیداشتی

شبیه رعد و برقه / هیبت شمشیر تو  
برده به رزم حیدر / تو جبهه تدبیر تو  
فدای قد و بالات / اون جگر شیر تو

قد قامتِ العشق / به سر زبانت  
پیچیده در صور / هیبت اذانت

بند سوم

شیشه ی سینه ی تو  
شکسته با سنگ غم  
عطر موها تو نسیم  
آورده سمت حرم

شنیدم از رو کینه / ریختن روی سر تو  
یه کوفه نون خورده از / بخشش پیکر تو  
هجا هجا پر کشید / پیکر پر پر تو

تسیح قلب / مصطفی پاره شد  
رشته ی عمرم / زیر پا، پاره شد



[دریافت فایل صوتی](#)

واحد سنگین - عالیہ رجبی،  
امیر اسدی، سعید حمیدیان فر



بند اول

در رفتن جان از بدن بابا  
گویند هر نوعی سخن بابا  
دیدم به چشم خویشتن می‌رفت  
با رفتن تو جان من بابا

پشت سر تو آب شد و ریخت دلم  
لرزیدن زانوی مرا دید سپاه  
دل کندی و چشمان مرا آب گرفت  
بر اشک من غم زده خندید سپاه

غصه‌ی رفتن تو شعله زده بر جگرم  
خم شده باغم داغت کمرم  
یاعلی یاعلی یاعلی

بند دوم

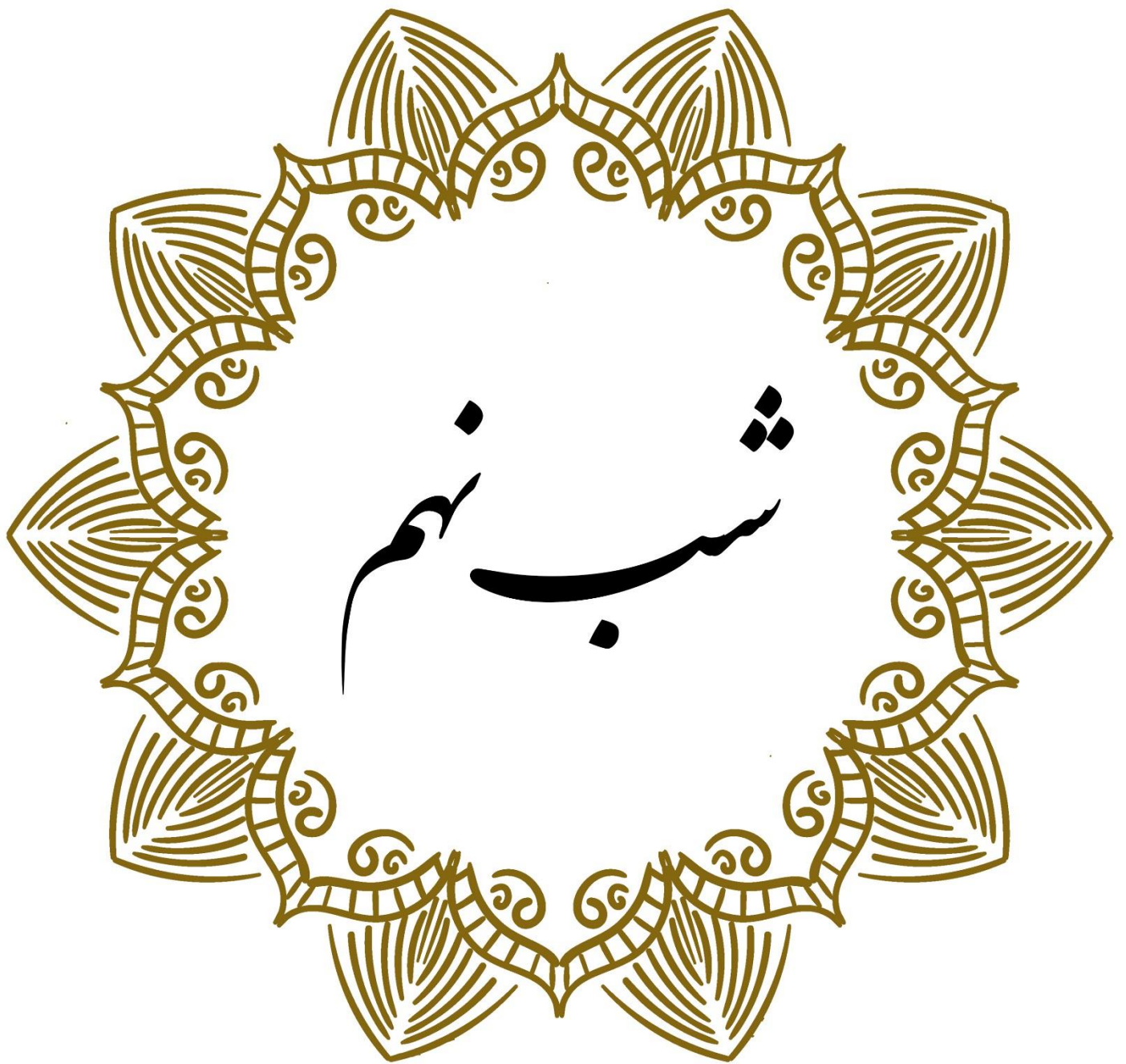
صحرا به صحرا جستجو کردم  
دشت بلا را زیر و رو کردم  
دنبال اعضای تنت بابا  
هر خاک را با گریه بو کردم

جسم متلاشی شده‌ات را چه کنم  
ای یوسف پاره بدن کرببلا  
مانده‌ست چگونه دست لرزان پدر  
اعضای تو را جمع کند لای عبا

کو رمق تا ببرم جسم تورا سمت حرم  
داغ تو کرده چه خاکی به سرم  
یاعلی یاعلی یاعلی



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)





گشت قنடைات به دور سرش  
این چنین بود که شدی قمرش

مادرت خویش را کنیزش خواند  
پدرت بود اگرچه که پدرش

پدرت گفته بود خواهی شد  
روزگاری فدایی پسرش

بوسه‌های پدر اثر دارد  
این چنین دست‌ها شد سپرش

آه از چشم‌های خونینت  
آه از داغ چشم‌های ترش

تیری از پیکرت نشد بکشد  
چقدر تیر می‌کشد جگرش

چه بگوید به کودکان حرم  
می‌کشد اهل خیمه را خبرش

بعد تو خیمه بر زمین افتاد  
بعد داغ شکسته شد کمرش

دور دیدند چشم‌هایت را  
سر نیزه اگر که رفت سرش

می‌رسد تا اسارت این روضه  
زینب و بی تو بودن و سفرش



به شام تیره ی ما صبحِ روشنا عباس  
سفینه عشق حسین است و ناخدا عباس

تو آن طریقِ نجاتی که می‌رود تا عرش  
مسیرِ روشنِ توحید تا خدا عباس

شروع منقبت توست، انتهای کلام  
ورای مرتبه ی عشق تا فنا عباس

خوشا به آنکه کناره گرفت از دنیا  
غریبه با همه شد، با تو آشنا عباس

به زخمِ خویش نمک گرچه می زخم شادم  
که دردِ خسته دلان را کند دوا عباس

برو به خاکِ حریمش به سجده طوفی کن  
که بهر چشم دل ماست توتیا عباس

بشوی لوح دل و رو به قبله ی جان کن  
ز سوز سینه بخوان و بزنی صدا عباس

بگو تو یکصد و سی و سه مرتبه باعشق  
به نامِ نامی سلطانِ اولیا عباس

مخواه از کرمش کم که لطفِ بسیارش  
کند به سائلِ خود کیمیا عطا عباس

تویی که طعم خجالت چشیده ای آقا  
اراده کن به نجاتِ من از بلا عباس

گرفت تا به کف آب از شریعه، بر هم ریخت  
که مستِ عشقِ حسین است هر کجا عباس

اگرچه دست ندارد کسی حریفش نیست  
به تیرِ غمزه بگیرد شکار را عباس

میانِ علقمه از هجمه ی کمانداران  
رسید از همه سو بر سرش بلا عباس

دمی که خواست در آرد به زانویش تیر  
عمود از طرفی خورد بی هوا عباس

"بلند مرتبه ماهی ز صدر زین افتاد"  
نمود حقّ وفا را چنین ادا عباس

همین که گفت به مولا آخا مرا دریاب  
حسین هم به لبش دم گرفت آخا عباس

عمودِ خیمه ی او را کشید ثارالله  
به خیمه ناله بلند است: عمو، بیا، عباس



## چهارپاره - مهدی قربانی

لحظه ای آمدی که افتادم  
پیش پایت نشد که برخیزم  
تو برای من اشک میریزی  
من برای تو اشک میریزم

دستهایم قلم شد و بی دست  
از بلندای مرکب افتادم  
بگذر از من اگر به محضر تو  
اینچنین نامرتب افتادم

روزگاری عجیب دارم من  
از حرم شرم میکند سقا  
من که امید یک جهان هستم  
غصه‌ی مَشک میخورم حالا

من رسیدم به علقمه اما  
به خدا که به آب لب نزدم  
موج میزد فرات در دستم  
یادِ طفلِ رباب لب نزدم

تیرها چون به سَمَتِ من آمد  
سنگری دورِ مَشکِ خود بودم  
آبرویم که ریخت روی زمین  
شاهدِ سیلِ اشکِ خود بودم

بدتر از این نمیشود حالا  
قحطِ آب است و من زمینگیرم  
به سکینه بگو که شرمندم  
با همین شرم و غصه میمیرم

جانِ من فکرِ دیگری بهر  
آن لبِ خشکِ خردسال کنید  
رفتی از من به اهلِ خیمه بگو  
این دمِ آخری حلال کنید

مادرت آمده به بالینم  
السلامُ علیک ای بانو  
کمرت را گرفته ای او هم  
دستِ خود را گرفته بر پهلو

برو از پیشِ من نمان اینجا  
ساعتی بعد بینِ گودالی  
هیچکس پیشِ تو نمیماند  
آن زمان که خودِ تو پامالی

من و تو میرویم اما من  
به فدایِ غمِ دلِ زینب  
و قرارِ من و شما باشد  
رویِ نیزه مقابلِ زینب

## غزل - حسین حمیدی



ای تشنه‌ی ماه رخ تو دیده‌ی دریا  
ای مرده‌ی هُرم نفست، هوی مسیحا

ای کشته‌ی در برق نگاهت ملک الموت  
ای در کف تو قبضه‌ی روح همه دنیا

ای لایتناهی تر از آفاق، نگاهت  
ای سرو قدت راست تر از عرش معلیٰ ۱

ای ماه بنی هاشم و ای دست یدالله  
دلدار حسین ای نفس زینب کبریٰ ۱

حیدر، اسدالله و تو شیر اسدالله  
سردار و علمدار، یل عصمت طاها

ای روح نبی جان علی همدم ارباب  
ای چشم و چراغ دل ذریه زهرا

ای خانه تو قبله حاجات دو عالم  
ای سوی تو چشم همگان غرق تمنا

ای آنکه رهت ختم به کشتی نجات است  
بنگر دل طوفان زده و خسته‌ی مارا

ما سائل و محتاج و به صد درد گرفتار  
باب همه حاجات، ابالفضل علمدار

## غزل - حسین حمیدی



الا ای عرشیان روزی بگیر خوان احسانت  
زمین و آسمان ها معتکف در ظل ایوانت

تو نور عالم بالایی و خورشید هم حتی  
فقط یک بازتابی باشد از رخسار تابانت

هر آنکه لحظه ای سوی تو روی آورد بی تردید  
عنایت می شود هر لحظه از الطاف پنهانت

هر آن جنینده ای را از خدا روزی رسانی هست  
خدارا شکر رزق ما مقدر شد به دستانت

زمین لب تشنه و ما تشنه تر ای حضرت دریا  
به گوشه چشم خود تر کن لب ما را ز بارانت

من آن گرد پریشانی که یک عمر است، رویایم  
شده روزی که بنشینم به گیسوی پریشانت

من آن ذره غباری که به خواب خویش می بینم  
که یک عان کمتر از عانی نظر کردم ز چشمانت

تو گر روزی بخواهی نزد خود من را نگه داری  
نگه می داریم آری شده حتی به دندانت

بیا و دست خالی گدا را رد مکن از خود  
که محتاجم به دستان تو ای دستم به دامانت



تیرها بدرقه‌ی راه خیامت کردند  
بعد از آن دسته‌ی شمشیر سلامت کردند

وصل شد ادرک اخوا روی لبانت اما  
تیغ‌ها از دهن قطع کلامت کردند

تو تمام منی عباس نبردم به حرم  
که بگویم به حرم این که تمامت کردند

دشمن و دوست هراسان پی دستت بودند  
دستهای تو در این دشت قیامت کردند

گریه کردم همه بر گریه‌ی من خندیدند  
دشمنان روی به شمشیر ملامت کردند

تو که از خیمه سوی علقمه رفتی ، اطفال  
همه از تشنگی اظهار ندامت کردند

نیزه‌ها هوی کشان از تو جدایم کردند  
نیزه‌ها طعنه زنان راهی شامت کردند

منصور قطعه قطعه شده روی دارها  
پخش و پلا ترین سر نیزه سوارها

خونی که روی دار علمدار میچکد  
خون کرد بر دل همه‌ی چشمه‌نارها

طوری که بر تن تو نشستند تیرها  
پای رقیه نیز نشستند خارها

بالا سرت برای حرم نقشه داشتند  
بین خیام بود پس از تو قرارها

آن ضربه‌ی عمود سرت را به هم نریخت  
پاشیده اند راس تو را نیزه دارها

بر روی نیزه نیز تو را نیزه میزدند  
افتاد در مسیر سر از نیزه بارها



بند اول

وقتی که دست تو جدا شد  
فرق سرت تا ابرو وا شد  
عجب قیامتی به پا شد

داداش بمیره برای تو برادرت  
داداش تا زمین خوردی همه ریختن سرت  
داداش... ای وای

داداش خیلی بد شکسته فرق سر تو  
داداش چقدر کوچیک شده پیکر تو  
داداش... ای وای

بند دوم

امان از این غم نفس گیر  
تنت پُره از زخم شمشیر  
سمتت اومد چهار هزار تیر

ای وای بی هوا با هرچی می شد زدنت  
ای وای جای سالم نداری رو بدنت  
ای وای

ای وای لخته های خون چشات و بسته آه  
ای وای اینهمه تیر رو تنت نشسته آه  
ای وای...

بند سوم

اهل حرم شدن بیچاره ت  
واویلتا از قتل و غارت  
زینب داره می‌ره اسارت

بی تو ، خون میشه حتی دلِ آب فُرات  
بی تو ، می شکنه حُرمتِ این مخدرات  
بی تو... ای وای

بی تو ، زن و بچه رو اسارت می‌برن  
بی تو ، دشمننا همه به فکر معجرن  
بی تو... ای وای



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)

## زمینه - محمدجعفر درخشان



### بند اول

توی این غربت حرم من و داغ برادرم از پا در میاره  
امیر علقمه پاشو پسر فاطمه پاشو پاشو ای مه پاره

غم روی غم

بگو حرمو چیکار کنم

نگم چی شده

چشم ترم و چیکار کنم

ببین لشکرو

دورو برم چیکار کنم

روزمو سیاه نکن داداش

پاشو همه ی توون من

چه جوری برم به خیمه ها

دیگه داره میره جون من

### بند دوم

پاشو آب اور حسین امیر لشکر حسین بی تو قلبم

خونه

علمو بردار از زمین پاشو حال منو ببین که برادر

حیرونه

زخم روی زخم

بال و پرتو چیکار کنم

روپاهام داداش

بگو سرتو چیکار کنم

چقدر کم شدی

دورو برتو چکار کنم

غمتو روی دلم نزار

پاشو همه ی سپاه من

پاشو که نرن به خیمه ها

امید دل و پناه من

### بند سوم

بی تو باید که خواهرم بگه با ناله تو حرم که دیگه

آوارن

بگه که از نبود تو دخرام معجرای نو از سر در بیان

غم روی غم

بگو معجرو چیکار کنه

توی شعله ها

پای دخترو چیکار کنه

باسنگ میزنن

بگو که سر و چیکار کنه

پاشو که نبینه این حرم

غمه روزای اسارت و

نبینه تو مجلس شراب

پیش سرتو جسارت و



[دریافت فایل صوتی](#)

## زمینه - مهدی صابری



### بند اول

ای تکیه گاه من  
میر سپاه من  
تو ظلمت شبای کربلا تو ماه من  
هم کاشف الکربی و هم پشت و پناه من

ای یاور حسین  
سرلشگر حسین  
تو این عطش تو ساقی آب آور حسین  
بارونیه دو چشم تو دلاور حسین

میری تا علقمه  
خیمه ها پر از غمه  
روی سینه‌ی حسین  
داغ عالمه

نالهی آسمون  
گریه های بی امون  
تو حرم همه میگن  
ای عمو بمون

تو نور چشم ترمی  
امید اهل حرمی  
تو غربت و خستگیام  
کنارمی، یاورمی

### بند دوم

تا دست و پا زدی  
من رو صدا زدی  
عمری گذشت و ناله‌ی ادرک اخوا زدی  
رفتگی ولی آتیش به جون خیمه ها زدی

رفتگی برادرم  
رفتگی دلاورم  
غرق بخونی و بدون همیشه باورم  
عباس من پاشو دیگه باهم بریم حرم

زینب تو خیمه ها  
چشم به راهته بیا  
پاشو که داره تو رو  
میزنه صدا

غم تو سینت نشست  
تو نگات یه ناله هست  
مثل مادرم شدی  
پهلوهات شکست

یل دریادل من  
ببین که قامتت خمید  
بگو کی فرقت رو شکست  
بگو کی دستاتو برید



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - منصوره محمدی مزینان، هاتف  
نیک پور



بند اول

گوشواره:

دلبر هاشمی نصب  
ساقی چشمه ی ادب  
ای بهارم، ای قرارم، ای علمدارم

فراز اول

امید من و اهل حرم  
نیفتد ز کف تو علم  
دل از من نبریده دلت  
به دستان بریده قسم

فراز دوم

عباسم/ بحر ادبی، میر عربی، یا ابو فاضل  
عباسم/ تاب و تبمی، ذکر لبمی، یا ابو فاضل

بند دوم

یادگار ابوتراب  
ماه من بر دلم بتاب  
قرص ماهم، ای پناهم، عشق دلخواهم

تویی یاس بهار علی  
همه دار و ندار علی  
به رزم و به وفا و جنم  
تویی آینه دار علی

اسم تو / ذکر حرمه... بحر کرمه، یا ابو فاضل  
اسم تو / روح علمه... نفس قسمه، یا ابو فاضل

بند سوم

ساغر حق به دست تو  
ساقیان جمله مست تو  
تو فراتی، تو نجاتی، باب الحاجاتی

تویی ساحل بحر کرم  
منم سائل پر ز غمم  
به داد دلم من برس ای  
ابو فاضل امید حرم

یا عباس  
شور و شعفی، مهر شرفی یا ابو فاضل  
یا عباس  
در نجفی، راه و هدفی یا ابو فاضل



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

ای سپهسالار دشت کربلا  
ای دلیل خلقت ارض و سما  
بی قرین شیر آفرین ام البنین  
طرز رزمش راببین  
شبیهِ حیدر تو جنگ بدر و خیبر میره  
هر طرفو میبنی یکی داره در میره  
مولا یا ابالفضل  
آقا یا ابالفضل

بند دوم

مرتضی شعبه زده در کربلا  
ای حمایتگر آیین خدا  
مادرت بود اگر میزد صدا  
مرحبا و مرحبا  
چه دل و دلداری عجب دلاور مردی  
پرچم و بالابردی عجب قیامت کردی  
مولا یا ابالفضل  
آقا یا ابالفضل



[دریافت فایل صوتی](#)

واحد سنگین - عالیہ رجبی،  
امیر اسدی، سعید حمیدیان فر



بند اول

درمان درد قلب مشتاقی  
ای سایه ی تو تا ابد باقی  
بین تمام خیمه پیچیده  
ذکر الا یا ایها الساقی

برگرد که در خیمه همه منتظرند  
لبهای ترک خورده و چشمان پرآب  
باران که نبارید خدا رحم کند  
بیهوش شد از فرط عطش طفل رباب

نالہ ی واعطشا میرسد از سوی حرم  
تشنگی خیمه زده روی حرم  
واعطشا واعطشا واعطشا

بند دوم

افتادی و دور تو غوغا شد  
پشت حسین بن علی تاشد  
افتادی و دور از نگاه تو  
پای حرامی به حرم واشد

ای ماه به گرداب بلا کرده خسوف  
با رفتن تو روز همه تار شده  
شاهی که پناه همه ی ارض وسماست  
در حلقه ی بی کسی گرفتار شده

بعد تو نقش زمین پیکر شاه شهادت  
بر سر، نی سر شاه شهادت  
واعطشا واعطشا واعطشا



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)



بند اول

سلام ساقی سلام  
سلام عالی مقام  
تویی آقا و من  
غلام بن غلام

هرکی به امید اومده شفا خونت  
نذاشتی ناامید برگرده  
هرکی دخیلی بسته به سقاخونت  
نذاشتی ناامید برگرده

ابلفضله رفیق روزای بیکس و بی یاری  
ابلفضله به دادت میرسه روز گرفتاری  
رفیق غم نخوری وقتی یکی مثل ابلفضل پیشت داری

بند دوم

دلیری تو دلیر  
به شیرانی تو شیر  
نداری تو نظیر  
امیر بن امیر

تو بودی آرامش محضی که حسین  
به سمت تو پناه آورده  
تو کاشف الکربی یعنی غمش میره  
هرکی پیش تو آه آورده

کلید درای بسته فقط یه یا ابلفضله  
بزرگ این حسینچیا و مشتیا ابلفضله  
نماد ادب و وفا و مردونگی و حیا ابلفضله

بند سوم

حسین شد هست تو  
جهان سمرست تو  
شفیع محشره  
مقام دست تو

اگرچه بی دستی ولی یه معجزست  
که رزق عالمین دستت توست  
و این مقام اختصاصی توست  
پرچم یاحسین دستت توست

برای حضرت عقیله ای ، کفیل ابوفاضل  
عزیز دل اربابی و بی بدیل ابوفاضل  
صدای التماس عالم و آدمه الدخیل ابوفاضل



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

چه سرلشگر و/چه آب آور و/چه صاحب علم  
مطیع و تحت ولایت حسینه  
سپاه حسین/پناه حسین/امیر حرم  
سایه ی سرخ قیامت حسینه

ای / ماه زیبای شب تاب من  
باب الحوائج نایاب من  
کاشف الکره عن وجه ارباب من

حیدر کربلا قمر کربلا  
ای دلاور حسین شیر نر کربلا قمر کربلا

سپهدار حسین / یل کرب و بلا

بند دوم

چه فرمانده ای/چه رزمنده ای/علی در عیان  
پاسبان حرم و ماه حسینه  
نگار حسین/قرار حسین/علی در بیان  
نور سر سلسله ی راه حسینه

ای / خونت خونه ی امن دلم  
رافع غصه و هر مشکلم  
من بنده ی آقای ابوفاضلم

من ابوالفضلی ام به ابوالفضل قسم  
ای علمدار حسین تا حرمت میرسم سحر کربلا

سپهدار حسین / یل کرب و بلا

بند سوم

چه سرداری و/چه دلداری و/چه کراری و  
چه جمال دلربای بی مثالی  
قدر قدرت و/ پر از هیبت و/ابوالفضلی و  
تو مفسر و جواب هر سوالی

ای / روح روح روح هر دعا  
جان جان جان قالوا بلی  
شور شیرین شب های کرب و بلا

من گرفتارتم به امید خدا  
ای کس و کار حسین مهر پر از لطف شما  
میبره کربلا

سپهدار حسین / یل کرب و بلا



[دریافت فایل صوتی](#)



رباعی - محسن عسکری



شاخه شاخه برگ به برگ از تن رفت  
از نخل هر آنچه می توان رفتن رفت

تیغ کندی زخم به گردن زد تا  
رشته رشته رگ به رگ گردن رفت

رباعی - محسن عسکری



خاکسترم از شعله تنم سوخته است  
پیراهن من شد کفنم سوخته است

از گونه گل سرخ کنم تقدیمت  
گل های سفید دامنم سوخته است

زمزمه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر، یاسین زندی



بند اول

این شب آخره برادر  
از این به بعد چشم می‌شه تر  
دو تا گره زدم به معجز

می‌خوام ، تا خود سحر فقط نگات کنم  
می‌خوام ، تا خود سحر فقط صدات کنم  
ای وای ای وای

باید ، واکنم گوشواره‌ی دختر تو  
باید ، بزنم شونه موهای سرتو  
ای وای ای وای

بند دوم

آغوش تو پناه من بود  
یه عمری تکیه‌گاه من بود  
شونه ات قرار آه من بود

داداش ، فردا شب تنها ترینم تو جهان  
داداش ، منم و اشک چشای بی‌امان  
ای وای ای وای

ای وای ، چجوری کنار پیام با ماتمت  
ای وای ، بعد تو چه کار کنم با حرمت

ای وای ای وای

بند سوم

فدات بشه الهی زینب  
می‌ترسم از فردای امشب  
از نعلای تازه‌ی مرکب

ای وای، غرق بوسه می‌کنم حنجر تو  
ای وای ، نکنه زخمی بشه پیکر تو

ای وای ای وای

ای وای، می‌میرم خاکی بشه پیرو هنت  
ای وای ، بی‌حیا اگه بشینه رو تنت

ای وای ای وای



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)

زمینه - سعیده کرمانی،

سعید حمیدیان فر



بند اول

کاش یک خواب پریشون بود  
نه یک گزارش از دل تاریخ  
کاش تو مقتل نبود حرفی  
از آتیش از کوچه از میخ

آتیش مدینه خیمه رو سوزوند  
کوچه ی مدینه اومد قتلگاه  
میخ در شد نیزه های کربلا  
مقتله یا شرح تصویری آه

آه اسم خداست

به زبون دلای شکسته

آه ذکریه که

به لب اهل حرم نشسته

آه عزیزالله

بند دوم

چی بود تو سینه ی قاتل  
قلبی که سنگی تره از آهن  
حتی خنجر حیا می کرد  
تا سر تو جدا کنه از تن

وای از آبروی رفته ی بشر  
داد از نامردی تو میدون جنگ  
باید جون داد از غصه وقتی که  
خون گریه می کنه از داغ تو سنگ

آه یعنی نفس

میگه توی سینه ها اسیرم

آه می کشم و

آرزوم اینه که برات بمیرم

آه عزیز الله

بند سوم

آه از زینب که می دوید

دنبال قاتل تا حسین

آه از زینب که می برید

دل از زندگی باحسین

قاتل می نشست و زینب نشست

پیش مادرش کنار قتلگاه

کی میدونس حال پر از تلاطم

حنجره های زخمیو به غیر آه

آه سر و شکست

مته قلب بی قرار خواهر

آه سرو برید

بی حیا پیش چشای مادر

آه عزیز الله



[دریافت فایل صوتی](#)

واحد سنگین - سعیده کرمانی،  
امیر اسدی، سعید حمیدیان فر



بند اول

هر جای دنیا روضه می‌گیرند  
حتما همان جا جنت الاعلاست  
از اشک روضه نور می‌گیرم  
اشکی که دارم هدیه‌ی زهراست

این چشم فقط برای تو گریان است  
این اشک تبرک است این اشک شفاست  
از بردن نام تو به دل می‌افتد  
شوری که میان هر حسینیه به پاست

یا حسین، زنده شد از ، شهادتت ، دین خدا  
دست ما را برسان تا شهدا  
یا حسین یا حسین یا حسین

بند دوم

هر بار که چشمان ما تر شد  
بر اشک های ما بها دادی  
حتی سه ساله دخترت را هم  
در راه اسلام و خدا دادی

دَرّی که به روی خاک صحرا افتاد  
دندان ترک خورده ی دردانه ی توست  
با موی پریشان خودش گفت شبی  
دست پدرم کجاست که شانه ی توست

گریه‌ی ، دختر تو ، تا به خدا رسیده است  
روضه تا شام بلا رسیده است  
یا حسین یا حسین یا حسین



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)



روز عاشورا



## قصیده - منصوره محمدی مزینان

دریا به کام هیچ رودی خوش نیامد  
وقتی عطش شرمنده کرد آب آورت را

ای زخم در گودال خون، تا دق نکرده  
بردار از خواهر نگاه آخرت را

آهت به آتش بی هوا دامن زد و آه  
شعر از نفس افتاد، شاعر دفترت را...

لبریز اشک و آهم و دلتنگ دریا  
دریاب دریا قطره قطره نوکرت را

دیگر به خوبی خودت باید ببخشی  
لکننت زبان شاعر نوحه گرت را

از خاطرش هرگز نخواهد برد دنیا  
دریای موج و خروش لشکرت را

گسترده ای تا آسمان بال و پرت را  
در جانمان تزریق کردی باورت را

از نیزه میتابی و یا خورشید تشتی  
باید کجا پیدا کنم ماه سرت را؟

دردا که افزون از شمارش بارش زخم  
گل بوسه داده جای جای پیکرت را

تابید آیه آیه نور از قتلگاهت  
گویی خدا بوسیده ماه حنجرت را

ای حاتمان حیران حاتم بخشی تو  
هم داده ای انگشت و هم انگشرت را

خیمه به خیمه با حسد آتش کشیدند  
چادر به چادر یادگار مادرت را

از چشم کوه صبر می جوشید چشمه  
این آسمان می بارد اشک خواهرت را

آرام آغوشت کجا جامانده که غم  
حالا بغل کرده به جاییت دخترت را؟

از نیزه می افتد پیاپی زیر پاها  
دستی رسان بردار قدری اصغرت را

آهسته، کم کم، قطعه قطعه می سپردی  
بر دست لرزان عبا پیغمبرت را



سرِ ما بر زمینِ ثارالله  
تا ابد دل غمینِ ثارالله

مُهَجَّتِ قلبِ او که جاری شد  
دینِ حقّ شد رهینِ ثارالله

با تو من آشنا به حقّ گشتم  
مؤمنم من به دینِ ثارالله

از بزرگی و از کرامتِ اوست  
نامِ ما شد عجیبِ ثارالله

نامِ ما را بخوان به دفترِ عشق  
خادمِ خادمینِ ثارالله

خم به ابرو نیلورد از داغ  
عقل، مبهوت از یقینِ ثارالله

اکبرش در یسارِ لشگرِ اوست  
و ابالفضل در یمینِ ثارالله

روحشان در حسینِ فانی شد  
جانشان شد قرینِ ثارالله

اصغرِ شیرخواره ظهرِ دهم  
گشت با جانِ معینِ ثارالله

جانِ عالمِ فدای آن دم که  
سنگ می خورد بر جبینِ ثارالله

نیزه داران کنارِ گودال اند  
منتظر در کمینِ ثارالله

صورتش تا به خاکِ مقتل خورد  
لک لَبیک شد طنینِ ثارالله

بعدِ او رو به خیمه ها کردند  
محشرِ دیگری به پا کردند



## غزال - رضا جوان بخت

خنجر نمی بُرد!  
هر چه دوباره می زند آخر نمی بُرد!

این بار سوم است  
سر را به روی زانوی مادر نمی برد!

انگار چشم تیغ  
افتاده در نگاه پیمبر نمی برد!

از شرم مجتبی ست؟  
یا این که پیش دیده‌ی حیدر نمی برد!

حتما به حرمت  
آن بوسه های آخر خواهر نمی برد

آبش نمی دهید؟  
شاید برای خشکی خنجر نمی برد!

والشَّمْسُ كُوْرَت  
خنجر در این هیاهوی محشر نمی برد

شاید که تیز نیست!  
این خنجر شکسته از این ور نمی برد؟

شد ضربه ی دهم  
هر چه تلاش می کند آخر نمی برد

قبله کدام سوست؟  
این گونه از شکار کسی سر نمی برد

این بار آخر است  
این آخرین تلاش لب کند خنجر است

ضربه دمادم است  
«سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است»

این بار آخر است  
از بین قتلگاه نگاهش به خواهر است

ضربه دمادم است  
سرپنجه های شمر در این زلف درهم است

این بار آخر است  
این آخرین صدای لب خشک خنجر است

ضربه دمادم است  
پیوسته و مداوم و پشت سر هم است

اصرار می کند  
هی میزند به خنجر و تکرار می کند

از دورتر سنان  
یک نیزه را سریع فرو کرد در دهان

این بار می بُرد  
این خنجر شکسته به اصرار می بُرد

از پشت می بُرد  
با تیغ کند خود نه که با ... میبرد

این شمر لعنتی  
مشغول کشتن تو شده چند ساعتی

تیغ از قفا برید  
مشغول ذکر بودی و او بی هوا برید

مادر نداشتی  
«ای تشنه لب تو طاقت خنجر نداشتی»

بر طبل می زدند  
بر پای اسب ها همگی نعل می زدند

خولی ز راه دور  
هی فکر می کند به سر و سرخی تنور

پیچید در جهان  
فریاد واحسین حسینا حسین جان...



از فرط تشنگی لب نازش کبود بود  
تکیه به نیزه زد همه جا مثل دود بود

ساعت حدود سه طرف قتلگاه رفت  
آن شاه بی سپاه به جنگ سپاه رفت

آن سو برادرست که گودال میروود  
این سمت خواهریست که از حال میروود

خواهر ز حال میروود آنقدر که نگو  
درمانده‌ای به حسرت یک بوسه از گلو

دامن کشید و رفت ولی در غبارها  
افتاد بین دسته‌ای از نیزه دارها

سرنیزه‌ها که روی تنش سر گذاشتند  
این جسم را به دسته‌ی دیگر گذاشتند

شمشیرها سیوف خذینی شنیده اند  
رفتند و تیغ روی دهانش کشیده اند

ساعت گذشت از سه و نزدیک چار بود  
خورشید سر برهنه میان غبار بود

آن ساقی عزیز که میرفت هوکشان  
شمشیرهای مست پی او سبو کشان

یک سو عزیز فاطمه صدپاره پیرهن  
یک سو عزیزه‌های حسینند مو کشان

شمشیر میبیرید و نمیدوخت هیچ کس  
پس نیزه‌ها زدند به جسمش رفوکشان

با این که تیز بود نگاه سنان و شمر  
سرنیزه‌های خسته چه کنداست نوکشان

پا بر دهان قاری قرآن نمی‌زنند  
این شرط ذبح نیست به پشت و به روکشان

آنها که آمدند به گودال بی سلاح  
یک دسته پا زنان و دگر دسته مو کشان

بعد از هزار و نهصد و پنجاه تا شکاف  
شمر آمده‌ست خنجر خود بر گلو کشان

خون بر دل کبوتر مقتل نکن ببر  
کارت بریدن است معطل نکن ببر

این تیغ کند هرچه قدر زجر میدهد  
جایش ولی خدا به حسین اجر میدهد

میدید روی تل چه می‌آرند بر سرش  
تا ضربه‌ی دوازدهم مرد خواهرش

ساعت چهار یوسف زهرا دریده شد  
با ضربه‌های شمر گلویش بریده شد

ساعت چهار رد شد و سمت غروب رفت  
سردار سربلند سرش روی چوب رفت

خارج شدند مردم کوفی ز قتلگاه  
وارد شدند خیمه‌ی عطشان به ذکر آه

آنجا که پیش فاطمه نزدیکی فرات  
کون و مکان گریست بر اجساد العاریات

آنجا که چنگ شمر به زلف حسین رفت  
وقتی بریده شد سر کل مقدسات

جایی که خورد ، سینه‌ی ام‌الکتاب شد  
جایی که تکه تکه شد آیات محکومات

فریاد زینب است که یا ایها الرسول  
هذا مرمل بدما ، هذه بنات

ما را نگر که معجرمان آستین ماست  
خون گریه میکنند از این داغ کائنات

این قوم هتک حرمت زینب نموده اند  
روز قیامت از تو نبینند التفات

## شور - سعیده کرمانی، بهمن عظیمی



### بند اول

بین قتلگاه ، به پرت می زد  
با ته خنجر به ، پیکرت می زد  
تو رو پیش چشم ، مادرت می زد  
طعنه به اشکای ، خواهرت می زد

تو بی تاب و

پیش چشمت رو زمین ، می ریخت آب و

همه دیدن

به لب تشنه ی تو ، می خندیدن

چه بد حالی

بمیرم که غرق خون ، تو گودالی

شدم مضطر

برا غارتت هجوم ، آورد لشکر

### بند دوم

بین قتلگاه ، غرورت شکست

پیش چشم زینب ، رو تنت نشست

با یه نیزه راه ، نفست رو بست

خواهرت هی می زد ، دست به روی دست

عمیق زدن

زن و بچت توی خیمه جیغ زدن

جفا کردن

زنده زنده سرت و جدا کردن

کجا بردن

سرتو به روی نیزه ها بردن

دلَم پُر غم

زینب تو موند و خیل نامحرم

### بند سوم

بین قتلگاه ، همه دشمنت  
بمیرم برات که بد ، جوری کشتنت  
یهو ریختن واسه ، غارت تنت  
یکی بُرد عمامه ، یکی پیرهنت

چه بد می زد

به تن زخمی تو ، لگد زدن

دل و سوزوند

سرت و بُردن ولی ، تنت جاموند

چرا کشتن

هستی زینب و نا روا کشتن

چه ها کردن

منو از تو آخرش ، جدا کردن

### بند چهارم

بین قتلگاه ، شدی زیر رو

وصیت کردی با ، خس خس گلو

پنجه تو موهاات زد ، شمر بی وضو

بدنت سرتاسر ، زخمه مو به مو

عمود افتاد

خیمه هات بین آتیش و دود افتاد

چکار کردن

زن و بچه ها همه ، فرار کردن

کم آوردن

چندتا بچه زیر دست و پا مُردن

دلَم شد ریش

دامن دخترکی ، گرفت آتیش



[دریافت فایل صوتی](#)



شام غریبان

## غزل - حسین حمیدی



بوسیده دو صد تیغ ضریح تن او را  
آتش زده اشرار حسد، خرمن او را

در حیرتم این قوم، طمع داشته حتی  
عمامه و انگشتری و جوشن او را

اینبار بنا نیست به کنعان برسانند  
حتی نخ‌ی از پاره‌ی پیراهن «او» را

از روز ازل عزم شبانگاه بر این بود  
خاموش کند شمع دل روشن او را

گویند نبی را که سرانجام همین قوم  
چیدند گل سرسبد گلشن او را

«او» قصد سفر کرده ولی در دل گودال  
آفاق دخیل اند پر دامن او را...

«ما را وسط ظلمت دنیا نگذاری  
ای نور، جهان را تک و تنها نگذاری!»

## غزل - حسین حمیدی



پیچیده به پای خیمه گاه تو شراره  
نیمه نظری بر حرم انداز دوباره

برخیز ببین سوختن معجر ما را  
چشم سیه کفر شده گرم نظاره

از سوی حرم هر چه که فریاد برآمد  
آمد فقط از سوی عدو خنده هماره

ای هوی مسیحا بنگر بین بیابان  
کم کم نفس دخترت آمد به شماره

ای حضرت غیرت تو دعا کن که بپوشند  
چشم از سر این معجر و این چادر پاره

این بین فقط چشم تو درمان دل ماست  
یک لحظه میپوش از حرمت چشم نظاره

همواره بتاب ای سر سرنیزه نشین بر  
چشم حرم تیره و بی ماه و ستاره



«اندوه» اشک ریخت و «ماتم» عزا گرفت  
«فریاد» ناله کرد و سخن در رثا گرفت

با خیل کودکان حرم «آه» یکصدا  
آواز کرد و نوحه‌ی واویلتا گرفت

وقتی که آسمان وسط ظهر تیره شد  
وقتی که قلب نور به تیر جفا گرفت

وقتی که خاک پر شد از آواز اشک‌ها  
وقتی که ذره ذره اش از خون حنا گرفت

وقتی که تیغ مدعیان دروغ دین  
از خون آیه آیه‌ی قرآن جلا گرفت

وقتی که نیزه عازم محراب گشت و تیر  
او را در این مسیر به خود مقتدا گرفت

وقتی شکست بغض «غم» و مصحف نبی  
صفحه به صفحه زیر سم اسب جا گرفت

وقتی که دست خلق، به قصد رضای حق  
جان عزیز جان رسول خدا گرفت

آتش گرفت خاک زمانی که از کفن  
فرزند بوتراب به تن بوریا گرفت

ای صد دریغ چشم طمع کار روزگار  
آخر لباس کهنه‌ی ارباب را گرفت...

آه این به یمن و برکت انگشتی‌اش بود  
بازار شام هم اگر از نو بها گرفت

فریاد؛ هر که جان دهد از یک مصیبتی  
دامان نفوس پاک تو را صد بلا گرفت

بارید «ابر» سنگدل آخر ولی چه سود  
ارباب، تشنه مقصد دیگر سرا گرفت...

## زمزمه - سعیده کرمانی، بهمن عظیمی



### بند اول

وقت غروبِ آرزومه  
یه بغض سنگین تو گلومه  
گودالی از خون روبرومه

ای وای برا تشییع جنازه اومدن!  
ای وای اسباشون با نعل تازه اومدن  
ای وای... داداش

ای وای بدن بی سر و زخمیت توی راه  
ای وای یکی شد با خاک گرم قتلگاه  
ای وای... داداش

### بند دوم

بلند شو ای سردار بی سر  
بین که خیمه ها سراسر...  
سوخته شبیه دل خواهر

سوختن همه ی ملائکه برای تو...  
سوختن لابلای خیمه بچه های تو  
سوختن... ای وای

سوخته بس که داد زدم حسین، صدای من  
سوخته موی دخترت رقیه وای من  
سوخته... ای وای

### بند سوم

دل شکستم مضطرب شد  
نیزه نصیب حنجرت شد  
اسیری سهم خواهرت شد

رفتی ولی با خودت نبردی خواهر و  
رفتی ندیدی پارگی این معجرو  
رفتی ای وای

رفتی شدم آواره ی این دشت بلا  
رفتی شدی همدم و اُنیس نیزه ها  
رفتی... ای وای

### بند چهارم

امون از این تلخی تقدیر  
می برنم به زور زنجیر  
می مونی زیر نیزه و تیر

ای وای پاشو خواهرت رو بیچاره نکن  
ای وای سر پیری منو آواره نکن  
ای وای ای وای

ای وای  
غل و زنجیر وصله ی پای منه  
ای وای  
مگه مجلس شراب جای منه  
ای وای ای وای



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)

زمزمه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر



بند اول

دیگه امیدی نیست به دیدار  
ای بی کفن خدانگهدار  
می برنم ولی به اجبار

ای وای ، یک تن بی پیروهن مونده رو خاک  
ای وای، قافله سالار من مونده رو خاک  
ای وای ای وای

ای وای ، رسید آخرش به کوفه قافله  
ای وای ، ولی تو با نیزه من با سلسله  
ای وای ای وای

بند دوم

همراه ما با سر رسیدی  
حرفامو از نیزه شنیدی  
وضع عزاداری مو دیدی ؟  
باید ، مجلس ختمتو آخر بگیرم  
باید ، مجلس عزا بشه هر جا می رم

ای وای ای وای

ای وای ، کوفیا بانی اشکای منن  
ای وای ، تو رو کشتن ولی گریه می کنن

ای وای ای وای

بند سوم

امشب چشات از من چه دوره  
خونه‌ی خولی پر نوره  
جای سرت مگه تنوره ؟

حالا ، که نشد کفن کنم پیکرتو  
ای کاش ، بشورم با اشک چشمم سرتو  
ای وای ای وای

ای وای ، کوفیا انگار نمی شناسنمون  
ای وای ، قاری قرآن من قرآن بخون

ای وای ای وای



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)

زمینه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر



بند اول

نسیم از نیزه آورده  
برامن عطر موها تو  
باید پیدا کنم مادر  
قطعه به قطعه اعضا تو

سرت رو نیزه اما  
جسمت تو میدونه  
من هم شبیه موها تو  
حالم پریشونه

بنی

به کی بگم چطوری کشتنت رو  
حتی ندارم عطر پیرهن تو  
با بوریا کفن کنم تنت رو

بند دوم

بگو مادر که من باشم  
عزادار تو یا خیمه ات  
کشوندن آخر آتیش  
کینه هاشونو تا خیمه ات

غار تگرا نگفتن

این حرم عزاداره  
بمیرم واسه گل هات  
صحرا پر از خاره

بنی

اهل حرم رو کاش میشد میبردی  
چقد برای خیمه غصه خوردی  
دل نگرون بودی و جون سپردی

بند سوم

پیش چشمای خیس من  
می مونی روی خاکا تو  
همه دارن میرن اما  
فقط من می مونم با تو

تنت رو سوز آفتاب  
سه روزه می سوزونه  
دلَم میسوزه مادر  
دلَم برات خونه

بنی

سر نداری تا بگیرم به دامن  
وقتی تو رو به دست خاک سپردن  
گریه کنی نمی مونه به جز من



[دریافت فایل صوتی](#)

واحد سنگین - عالیہ رجبی،  
امیر اسدی، سعید حمیدیان فر



بند اول

آتش میان خیمه ها برپاست  
صحرا پر از فریاد واویلاست  
در گوش شب آهی که پیچیده  
سوز صدای زینب کبری ست

چون شیشه‌ی عطری که درش گم شده‌است  
پیچیده شمیم بدن بی سر تو  
ای کاش که بر پیکر درهم شده‌ات  
یک لحظه نیفتد نظر خواهر تو

لحظه‌ی آخر تو نمی رود از نظرش  
داغ تو شعله زده بر جگرش  
یا حسین یا حسین یا حسین

بند دوم

سر نیزه ها را زیر و رو می کرد  
هر نیزه را با گریه بو می کرد  
با دیدن هر تکه از جسمت  
مرگ خودش را آرزو میکرد

ای کاش برایت کفنی می آمد  
تا پیکر پاشیده‌ی تو جمع شود  
مجبور به رفتن است، زینب باید  
بر خاک تنت را بگذارد برود

بعد تو پرشود از رنج و بلا دور و برش  
می شود قاتل تو همسفرش  
یا حسین یا حسین یا حسین



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)

## شور - امیرمحمد انصاری



### بند اول

من به آسفتگی تو روضه عادت دارم  
به نوکرای تو خیلی ارادت دارم  
این افتخارمه بهم محبت داری  
این و خوب میدونم روی ما غیرت داری

خدا تو رو تو سرنوشت همه نوکرا نوشت  
تا که دلی دوس دارمت، وسط سینه‌مه بهشت

اشکی که روی گونه‌مه  
فخر و مباهات منه  
گریه واسه غم تو  
روح عبادات منه

صلی الله علیک  
ای محبوب خدا  
صلی الله علیک  
سیدالشهدا

### بند دوم

من از این روزگار فقط به تو دل بستم  
از می کربلا تا به قیامت مستم  
میخوام مٹ حبیب پیر رفاقت باشم  
تا مو سفید بشم خادم هیات باشم

همه چی رو حل میکنه یه نیم نگاه مادرت  
گریه ما سینه زناس مرهم زخم پیکرت

داروی آرامشمه  
تربت کربلای تو  
منو بهشتی میکنه  
آخر سر ولای تو

صلی الله علیک  
ای خاک تو شفا  
صلی الله علیک  
سیدالشهدا

### بند سوم

توی اون گیر و دار خیمه رو غارت کردن  
به من داغ دار چقد جسارت کردن  
پر حرفه دل پر از شرار زینب  
شده مثل خزون فصل بهار زینب

روی کبودم رو ببین، من دیگه هیچی نمیگم  
انگاری آخر نداره، مصیبت اهل حرم

ای قمره نیزه نشین  
رو پای دخترت بشین  
بیا خودش بهت میگه  
چجووری عمه خورد زمین

صلی الله علیک  
ای مقتول جفا  
صلی الله علیک  
سیدالشهدا



[دریافت فایل صوتی](#)

شور - سعیده کرمانی، امیر اسدی



بند اول

تو دل شب می‌گردم و  
نمی‌تونم رهاش کنم  
صدام دیگه در نمیاد  
نمی‌تونم صدات کنم

حسین ع من حسین ع من

یاری بده به خواهرت  
دیگه شکسته کمرم  
ای قربون صدات برم  
برادرم برادرم

حسین ع من حسین ع من

بند دوم

میون صحرا می‌بینم  
گودی قتلگاهت و  
بی محرم و غریب ببین  
خواهر بی پناهت و

حسین ع من حسین ع من

بین تو و بین حرم  
ببین که آواره شدم  
تنت رو زیر دست و پا  
دیدم و بیچاره شدم

حسین ع من حسین ع من

بند سوم

ای بی کفن به من بگو  
پس کهنه پیرهن کجاس؟  
انگشتر عقیقت و  
دیدم تو دست دشمناس

حسین ع من حسین ع من

تن تو رو نمی‌تونم  
کفن کنم فدات بشم  
چادر پاره مو روی  
تنت میتونم بکشم

حسین ع من حسین ع من

بند چهارم

صدای هلپله پیچید  
تو گوش کل خیمه‌ها  
شدم اسیر دشمن و  
شدی امیر نیزه‌ها

حسین ع من حسین ع من

هر طرف صحرا پر از  
تکه‌های پیرهنه  
پشت سرت میام ولی  
دل‌م کنار تنته

حسین ع من حسین ع من



[دریافت فایل صوتی](#)



رام سجاد

عبدالله

## غزل - مرضیه عاطفی



غرقِ تب! افتاد از تاب و توان بعد از پدر  
شد نگهدار و پناه کاروان بعد از پدر

دست بر موی پریشان رقیه (س) میکشید  
بود دستانش امیدِ کودکان بعد از پدر

اشکِ پنهانی او را دیده بود و گشت و گشت  
مثل پروانه به دورِ عمّه جان بعد از پدر

گر چه دستش بسته بود اما کماکان غیرتی  
شد سپر در پیش چشم دیگران بعد از پدر

خطبه اش جنگِ مجسم بود و هر ثانیه داد-  
کاخ دشمن را چنان محکم تکان بعد از پدر

«أشهدُ أنّ علی (ع)... داغِ برادر تازه شد...  
شد پریشان - حال هنگام اذان بعد از پدر

خورد با بغضِ گلو! دلتنگ! با چشمان خیس  
هر کجا که بر دهان بگذاشت نان بعد از پدر

یادِ آن لب های خشک و پیکرِ در بوریا...  
سال ها در خلوتش شد روضه خوان بعد از پدر!

## مربع ترکیب - وحید دکامین



تو یادگار حسینی که کربلا دیدی  
شبیه عمّه ی مظلومه ات بلا دیدی  
«سری به نیزه بلند است» را شما دیدی  
و غارت حرم و خیمه گاه را دیدی

دو چشم گریه ی تو تا همیشه آباد است  
در این سکوتِ تو صدها هزار فریاد است

برای گریه ات آقا اشاره کافی بود  
همین که چشم تو بیند سه ساله، کافی بود  
گلوی نازک یک شیرخواره کافی بود  
به آب دادن ذبحی نظاره کافی بود

تو را به غصّه چهل سال مبتلا دیدند  
به لحظه لحظه گریز تو کربلا دیدند

اگرچه عصر دهم قسمتِ تو غم گردید  
که سایه ی پدرت از سرِ تو کم گردید  
نصیب تو فقط آه و غم و الم گردید  
ز بار غصه ی یارانِ قدِ تو خم گردید

اگرچه تب نگهت را ز درد، تیره نمود  
خدا برای امامت تو را ذخیره نمود

دلت ز داغِ اسارتِ غم فراوان داشت  
دو پلک چشم تر تو همیشه باران داشت  
همیشه خاطرِ تو یادی از شهیدان داشت  
به سینه روضه ی مکشوف چون هزاران داشت

سه شعبه دیدی و تیر و گلوی اصغر را  
تو تیغ دیدی و خنجر به روی حنجر را



می خورد جسم قافله از هر طرف زخم  
 فریاد شادی، هلهله، از هر طرف زخم

هر قدر هم غم باشد و دشنام باشد  
 انگار باید اوج قصه شام باشد

باید تو هم این قصه را زیبا ببینی  
 باید تمام دیدنی ها را ببینی

باید ببینی، در دلت آشوب باشد  
 توی سرت تصویر تشت و چوب باشد

چوبی که ... نه! چوبی که از هر داغ بدتر  
 زخمی به جانت زد که از شلاق بدتر

باید ببینی صحنه ها را مات باشی  
 تنها امید عمه ی سادات باشی

حالا رسیده نوبت افسوس بعدی  
 کنج خرابه، نیمه شب، کابوس بعدی

حالا تو باید لب به لب شمشیر باشی  
 باید که پشت عمه مثل شیر باشی

چیزی بگو غوغا شود، دل ها بلرزد  
 کافی ست که لب وا کنی دنیا بلرزد

سخت است اما کربلا دنباله دارد  
 این امتحان پر بلا دنباله دارد

... آزادگی و صبر، قانون درخت است  
 تو خوب می فهمی "علی" بودن چه سخت است

سخت است در اوج بلا بیمار باشی  
 زخم و مصیبت باشد و تب دار باشی

لب تشنه باشی، صف به صف آتش ببارد  
 تب باشد و از هر طرف آتش ببارد

تقدیر باشد تب توانت را بگیرد  
 قسمت نباشد کینه جانت را بگیرد

بیدار باشی لحظه لحظه غم ببینی  
 یک عالمه کابوس پشت هم ببینی

سرهای روی نیزه و تن های بی سر  
 داغ پدر، داغ عمو، داغ برادر

سخت است که دنبال هر سر، گرگ باشد  
 شب باشد و صحرا سراسر گرگ باشد

لبریز غم باشی و همدردی نباشد  
 غیر از تو در آن قافله مردی نباشد

دنیایی از غم دیده باشی، مات باشی  
 تنها امید عمه ی سادات باشی

این غم بزرگ است این بلا دنباله دارد  
 آماده شو این ماجرا دنباله دارد

پای برهنه توی صحرا راه رفتن  
 منزل به منزل پشت سرها راه رفتن

زمزمه - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر، یاسین زندی



بند اول

یه عمره از داغت می سوزم  
داغت برام تازه ست هنوزم  
میگذره با غم شب و روزم

هر روز، تیره و تاره برام با روضه هات  
هر روز، می سوزم به یاد خشکیه لبات  
ای وای ای وای

هر روز، روضه ها پیش چشم مرور میشه  
هر روز خاطریم زخمی دود و آتیشه  
وای ای وای

بند دوم

بنی اسد وقتی رسیدن  
پیکر بی سرت رو دیدن  
رو یه حصیر تنت رو چیدن

سخت بود، پیدا کردن تموم بدنت  
سخت بود، اینکه بوریا شد آخر گفت  
ای وای ای وای

سخت بود، اینکه از قفا جدا شده سرت  
سخت بود، بوسه دادم به رگای حنجرت

ای وای ای وای

بند سوم

یادم نمی ره شام و آزار  
امون از این مردم بی عار  
خیلی شلوغ شد سر بازار

سخت بود، دست بسته رفتن با سلسله  
سخت بود، خنده های شوم شمر و حرمله  
ای وای

سخت بود، همسفر شدن با اون حرومیا  
سخت بود، طعنه و زخم زبون شامیا  
ای وای



[دریافت فایل صوتی مشابه](#)

## زمزمه - عالیه رجبی



### بند اول

صدای بارون که میاد  
عذاب من میشه زیاد  
یادم میاد از تشنگی  
علی چه جووری جون میداد

توگوشمه صداس هنوز  
صدای ناله هاش هنوز  
بارون میاد تازه میشه  
داغ دلم براش هنوز

ای بارون  
نیومدی و جگرم سوخت  
ای بارون  
بی تو لب برادرم سوخت  
ای بارون  
بی تو گلوی خواهرم سوخت

آه از شام  
امون از شام آه امون از شام

### بند دوم

سی و سه ساله آزرگار  
دلم نمی گیره قرار  
تا نعل اسبو می بینم  
چشام میشه از گریه تار

صحرای غم دل منه  
آب منو آتیش میزنه  
چادر سوخته بینم  
دوباره بغضم میشکنه  
این سالا

کم نشده یه ذره داغم  
این سالا  
گذشته هر ثانیه باغم  
این سالا  
زخمای شام سراغم

آه از شام  
امون از شام آه امون از شام

### بند سوم

زخم زبون اهل شام  
بدتره از زهر هشام  
طشت طلا، سربابا  
همش میاد جلو چشم

بازار شامو یادمه  
سنگای بامو یادمه  
هی دس به دس چرخیدن  
سر بابامو یادمه

آه از شام  
که از غمش موهام سفیده  
آه از شام  
جونم دیگه به لب رسیده  
آه از شام  
یادش امونمو بریده

آه از شام  
امون از شام آه امون از شام



[دریافت فایل صوتی](#)



\_\_\_\_\_

## غزل - حسین حمیدی



عمری نوشتم از تو و از کربلای تو  
از نقش گنبد تو و صحن و سرای تو

من از الست با قلمم عهد کرده ام  
تا صبح و شب غزل بنویسم برای تو

با آه دم گرفتم و با آه بازدم...  
رزق من است سوختن در عزای تو

راه رسیدنم به تو شبهای جمعه بود  
راهی که می رسد به تو و کربلای تو

شبهای جمعه عازم پرواز می شوم  
با دو پر شکسته‌ی میان هوای تو

شبهای جمعه یکسره با هم نفس زنیم  
شعر و من و نگاه ترم در رثای تو

شبهای جمعه سوی تو پیوسته می دوم  
آنقدر که ز پام بیفتم به پای تو

رویام آن شبی است ببینم که می شوم  
در داغ روضه های غم تو فدای تو

## غزل - منصوره محمدی مزینان



ابر رحمت می‌نشیند بر سر دوش نسیم  
فصل باران است «بسم الله الرحمن الرحيم»

ای عزایت خوش ترین بزم خداجویان سلام!  
ای که داری خیمه در اعماق جان های سلیم

چشم هایم زادگاه ابرهای بی قرار  
دستهایت آسمان رحمت از عهد قدیم

در هوای آسمانت باز هم پر میکشم  
سمت پرواز کبوتر های بامت یا کریم

در مسیرت باز می‌گردند درهای نجات  
راه تو سیر الی الله و صراط المستقیم

تا مسیر عطرت از سمت جهنم بگذرد  
می‌شود آنی جهنم صحن جنات النعیم

صاحب جانهای عالم هستی و با این حساب  
هرچه جان پای تو بگذاریم کم می آوریم

از غبار آستانت شعبه می‌سازد بهشت  
عالمی هستند زیر سایه ی مهتر مقیم



## چهارپاره - مهدی قربانی

تو بگو آن سه روز و سه شب  
بدنِ بی سرت کجا افتاد  
خاکِ عالم به فرقِ این دنیا  
سر و کارت به بوریا افتاد

کعبه‌ی رویِ نیزه‌ها گاهی  
پیشِ ما، هم نزول کن آقا  
گرچه حجِ تو نیمه‌کاره شده  
حجِ ما را قبول کن آقا

کارگرهایِ روضه‌ات هستیم  
مُزدِ ما را جلو جلو دادی  
قبلِ خلقت، به یادِ ما بودی  
مثلِ آن لحظه‌ای که افتادی...

نامِ ما را به لوحِ محفوظش  
مادرت بود رو نویسی کرد  
نوکرت هم برایِ عرضِ ادب  
آمد اینجا و کاسه لیبی کرد

ما نبودیم ، رویِ نی رفتی  
خجل از روزگار و تاخیریم  
ولی آقا به جایِ آن یک عمر  
مینشینیم و روضه میگیریم

یکی از روضه‌ها همین بیت است  
خواهرت را به پایِ نی گُشتند  
اهلِ تهران شدن چه ننگین است  
که تو را درِ اِزایِ ری گُشتند

کاش اهلِ دهاتِ ها بودم  
اهلِ ده پایِ پیکرت ماندند  
حتما آنروز، وقتِ تدفینت  
روضه‌ی جسمِ بی کفن خواندند

## غزل - منصوره محمدی مزینان



به حسرتی که در آن اشتیاق شیرین است  
قسم که دیدن رویش همیشه تسکین است

نشان به زمزمه ی نام او ز صبح ازل  
غمش دلیل همان گریه ی نخستین است

دم شنیدن نامش شود نگاهم خیس  
میان گوش و دو چشمم قرار بر این است

سلام بوده که کوتاه کرده فاصله را  
خوشم که فاصله ی بین ما دروغین است

گران خریده دلم را، خودم که میدانم  
همیشه قیمت جنس خراب پایین است

قسم به روزنه های عمیق زخم فراق  
قسم به نور که تاوان عشق سنگین است

تپیده نبض دو عالم به عشق لبخندش  
جهان بدون نگاهش همیشه غمگین است

کسی که دست کریمش بهکم نرفته و هم  
بساط سفره مهرش وسیع و رنگین است

عجیب نیست حسینی شوند، کافرها  
که این علاقه فراتر ز دین و آیین است

## غزل - سعیده کرمانی



وقتش رسیده قاعده‌ها را به هم بزن  
طرحی جدید در همه عالم رقم بزن

صحرای خشک را به حضورت بهشت کن  
نقشی سپید از تب و تاب حرم بزن

ای جاودانه! تشنه نگهدار آب را  
آب حیات را به لب محتشم بزن

از شیرخواره صف شکن قابلی بساز  
قنداقه را گره به عمود علم بزن

پیروز جنگ باش ولی بین خاک و خون  
شرحی دگر به طرز بقاء و عدم بزن

گودال را رفیع کن از خون پاک خویش  
خاتم ببخش و تکیه به تخت کرم بزن

وقت غروب بر سر نیزه طلوع کن  
با هر شفق به بوم جهان رنگ غم بزن

آزادگی ببخش به جان اسیرها  
بر نیزه از بلندی آیات دم بزن

بر روی تشت کاخ نشین را ذلیل کن  
در سرسرای قلعه‌ی عزت قدم بزن



## غزل - منصوره محمدی مزینان

می بارد از هر باغچه باران شب بو  
پیچیده عطر یاس ها گیسو به گیسو

باد آمد و دامن به آتشدان جان زد  
تا شعله ور شد آشیان هر پرستو

یک گله گرگ و یک بیابان وحشت و غم  
بر خاک غم جا مانده رد پای آهو

گودال غربت، یک تن و یک کهکشان زخم  
یک آسمان اختر همه در حال سوسو

لبهای خنجر حنجری را در زیارت  
می بوسد و می بوسد و هی میکند بو

خورشید بر نی میکند تفسیر قرآن  
حرف خدا جاری شده از هر رگ او

می آید از سمت شریعه عطر نابی  
دریاگرفته با شمیم سبز او خو

افتاده پای علقمه دستی که عالم  
پای شکوهش میزند هر بار زانو

خم بود زانوی ادب در پیشگاه  
قدی که میزد بر ستون عرش پهلو

سر می رود از نای نیزه سر هستی  
سر هوالحق و هو العشق و هوالهو



## غزل - حسین حمیدی

قبول کن که رسیدم اگرچه دیر رسیدم  
تو ناامید مکن از نگاه خویش امیدم

مرا ببین که به پهنای صورت از نم اشکم  
بهار روی تو را بهر خویش نقش کشیدم

فرار کرده ام از «خود» فرار کرده ام از "من"  
فرار کرده ام از هر چه غیر روی تو دیدم

خیال جز تو حرامم که در تمامی عمرم  
به جز حلاوت طعم وصال تو نچشیدم

خدا گواست که جز جلوه محبت و مهرت  
از آن دمی که گشودم دو چشم خویش ندیدم

بعید نیست که قبل از وجود در عدم من  
خدا به نام «تو» از روح خویش روح دمیدم

مرا ببین به نگاهی اگرچه نیمه نگارا  
که من دگر ز همه روزگار جز تو بریدم

اگرچه گاه غلامی غیر کرده ام اما  
ز یاد خویش نبردم که جز تو کس نخریدم

قبول کن که بگیری سر از تنم که به عالم  
نشان دهم سر و دلداده ی حسین شهیدم



مثل قنوت و تری  
 که بانگ ربنا را  
 تنها نمی گذارد  
 یا مثل آن کریمی  
 که لحظه ای گدا  
 را تنها نمی گذارد  
 یا در کناره‌ی نیل  
 موسی اگر عصا را  
 تنها نمی گذارد

ما ملت حسینیم  
 لطف حسین ما را  
 تنها نمی گذارد

گفتم حسین و دیدم  
 از عرش ناله برخاست  
 آه ای غریب مادر  
 گفتم که بود آن که  
 خاکش شفاست؟ گفتند  
 خد التریب مادر  
 گفتم پس این مسیحا  
 این کشته مرده ها را  
 تنها نمی گذارد

عافیت حسینیم  
 لطف حسین ما را  
 تنها نمی گذارد

از کودکی برایش  
 در تکیه‌ی عزایش  
 با شوق کار کردم  
 اوج جوانی ام را  
 خرج حسین کردم  
 من افتخار کردم  
 پس وقت پیری ارباب  
 هم نوکر سرا را  
 تنها نمی گذارد

در خدمت حسینیم  
 لطف حسین ما را  
 تنها نمی گذارد

روزی که خاک ما را  
 بردند کربلا و  
 با خاک او سرشتند  
 در کارگاه تقدیر  
 ما را غبار کوی  
 کربوبلا نوشتند  
 پس بوتراب هرگز  
 اولاد کربلا را  
 تنها نمی گذارد

از تربت حسینیم  
 لطف حسین ما را  
 تنها نمی گذارد

حب الحسين يعنى  
هر خدمتى كه كردم  
بى مزد بود و منت  
در زلف چون كمندش  
سرها بريده بينى  
بى جرم و بى جنائت  
اين زلف داده بر باد  
بر باد رفته ها را  
تنها نمى گذارد

در منت حسينيم  
لطف حسين ما را  
تنها نمى گذارد

آه اى طيب پر زخم  
آه اى مسيح مصلوب  
اى دلبر دلاشوب  
اى زلف داده بر باد  
آه اى امام مكروب  
اى رفته بر سر چوب  
در شام و كوفه زينب  
يك لحظه هم شما را  
تنها نمى گذارد

در غربت حسينيم  
لطف حسين ما را  
تنها نمى گذارد



## مربع ترکیب - وحید عظیم پور

خوشم که شدم جلد بام حسین  
 که هستم گرفتار دام حسین  
 همه عمر من خرج نام حسین  
 غلام غلام غلام حسین

شدم پای حب الحسینم اسیر  
 امیری حسین و نعم الامیر

من از کودکی پرچم افراشتم  
 علم پای این عشق برداشتم  
 به دل بذر مهر علی کاشتم  
 اگر مهر او را نمیداشتم

حلالم نمیکرد مادر ز شیر  
 امیری حسین و نعم الامیر

در این کوی با سر نداری خوشم  
 تو رادارم از هر نداری خوشم  
 ندارم ولی در نداری خوشم  
 تو دست از سرم بر نداری خوشم

چه دارا شوم یا چه باشم فقیر  
 امیری حسین و نعم الامیر

چنان شمع افروختم عشق را  
 چو پروانه ها سوختم عشق را  
 به شال عزا دوختم عشق را  
 من از اسلم آموختم عشق را

به این ذکر سیراب شد در کویر  
 امیری حسین و نعم الامیر

بسوزید در هرم بازار عشق  
 بکوبید سر را به دیوار عشق  
 هوالحق بگویند بر دار عشق  
 به کربوبلا میخورد کار عشق

الا عشق ای خانه‌ی دلپذیر  
 امیری حسین و نعم الامیر

چراغی که روشن در این محفل است  
 به خانه اگر بردی اش باطل است  
 حرم خانه‌ی ماست نور دل است  
 پس این فرش خانه‌م که ناقابل است

اگر زندگی هم کنم بر حصیر  
 امیری حسین و نعم الامیر

نهایی ترین قصد سالک حسین  
 که مملوک ماییم و مالک حسین  
 شده قبله گاه ملایک حسین  
 که داریم ما یک خدا یک حسین

به کربوبلا ختم شد هر مسیر  
 امیری حسین و نعم الامیر

پر از عزتی و شکوهی حسین  
 تو صبح و قدوس و روحی حسین  
 تو توبه پذیر نصوحی حسین  
 منم غرق دنیا تو نوحی حسین

الا نوح دست مرا هم بگیر  
 امیری حسین و نعم الامیر

هوای لطیف بهاری حسین  
قرار دل بیقراری حسین  
مزاری به دل‌های زاری حسین  
امان من النار داری حسین

اجرنا من النارنا یا مجیر  
امیری حسین و نعم الامیر

به زخمم زدم مرهم کربلا  
غم من فدای غم کربلا  
حسین است عیسا دم کربلا  
و شد زینبش مریم کربلا

ولی نه ندارند اینها نظیر  
امیری حسین و نعم الامیر

به نی رفت اما سرت خم نشد  
سری نیز در لشکرت خم نشد  
سری گرچه دوروبرت خم نشد  
قدی چون قد خواهرت خم نشد

شده زینب از داغ دوری ت پیر  
امیری حسین و نعم الامیر



## قصیده - وحید عظیم پور

ولی ساریان مادرت را ندید  
و انگشت انگشتی را برید

سر کوچی عشق دنبال تو  
میایم به پرسیدن حال تو

من آنم که بار غمت را کشید  
نشسته سر دوش من شال تو

به والله بالاتر است از طواف  
بگردم اگر دور امثال تو

تویی صاحبم خوش به اقبال من  
منم نوکرت وای از اقبال تو

همه خستگی های تو مال من  
همه درد سر های من مال تو

سمرقند و کل بخارا که هیچ  
جهان هم نیارزد به یک خال تو

الهی که هر چه تکان میخورم  
نیافتم من آخر ز غربال تو

تو خود کعبه ای پس نمازم قبول  
اگر خواندمش رو به تمثال تو

دویدم هراسان به سمت خودت  
رسیدم پریشان به گودال تو

همه رفته اند و فقط مادرت  
نشسته است بر جسم پامال تو

زمینه - امیر محمد انصاری



بند اول

بوی تو میده نفسم  
به آبروی تو قسم  
نمی افته از رو لبم  
یک دم ذکرت ارباب  
برا زیارت حرم  
بازم هستم بیتاب  
بیا دستم رو بگیر  
منی که خوردم زمین  
تا دلم آروم بشه  
یه نگاهم کن؛ همین  
یا خیر معین یا نعم الرفیق  
یا خیر محبوبین یا نعم طریق

بند دوم

دوای دردای همه  
یه ذره خاک حرمه  
شعرای تو دفترمه  
که آرومم کرده  
محاله عاشق یه نفس  
از عشقت برگرده  
ارباب  
دلمه تو کربلا  
دم باب القبلته  
نگاه من رو ببین  
چقدر پر حسرته

یا خیر معین یا نعم الرفیق  
یا خیر محبوبین یا نعم الرفیق



[دریافت فایل صوتی](#)

پیش زمینه - امیر اسدی،



سعیده کرمانی

بند اول

لحظه به لحظه کمه  
گریه برای تو  
سیاه پوشه قلبم  
واسه عزای تو  
غم مقدس قلبم  
ای همه دار و ندارم  
بازم بارونیه چشمام  
واسه غمت بی قرارم

یا عزیز الله یا حسین ع  
یا حبیب الله یا حسین ع

بند دوم

السلام ای کشته‌ای  
غریب دور از وطن  
سیدی مولا حسین ع  
ای شهید بی کفن  
با لب تشنه تو صحرا  
دوره شدی تک و تنها  
رو پای مادر بود سرت  
که سرت از تن شد جدا

یا ذبیح الله یا حسین ع  
یا حبیب الله یا حسین ع



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

ای نور معطر خدا بین خلائق  
لیلای مقدس همه دلای عاشق  
هرکس که به عشق پاک تو همیشه لایق

با تو میگذره روزا و شبام، الحمدلله  
واسه داغ تو گریونه چشم، الحمدلله  
تو اجازه بهم دادی بیام، الحمدلله

عشقت تو تار و پودمه  
سر تا سر وجودمه  
من هرچی که بگم کمه...  
دوست دارم حسین(ع)

بند دوم

ای سایه ی رحمت خدا، رو سر دنیا  
منظومه ی عاشقانه ی ، دلای شیدا  
اربابی به آقای تو، همیشه پیدا

تویی عشق همیشگی من، الحمدلله  
تویی رونق زندگی من، الحمدلله  
تویی علت بندگی من، الحمدلله

اسمت، تپش قلبمه  
دل بی تو پر ماتمه  
من هرچی که بگم کمه...  
دوست دارم حسین(ع)

بند سوم

آرامش بی نهایتی تا دنیا دنیا نیست  
کنج حرم تو بهتر از عرش معلاست  
چشمی که شده وقف عزات، عزیز زهراست(س)

دل ما و غم محترمت، الحمدلله  
سر ما و غبار قدمت، الحمدلله  
چش گریون ما و حرمت، الحمدلله

داغت رو دل عالمه  
روضه ات دوی دردمه  
من هرچی که بگم کمه  
دوستت دارم حسین(ع)...



[دریافت فایل صوتی](#)

زمینه - منصوره محمدی مزینان،  
هاتف نیک پور



بند اول

زندگی یعنی حسین  
زندگی یعنی حرم  
خوشبختی یعنی نوکر  
بمیره پای علم

از حال خوب/تو روضه هات/میشه به کربلات رسید  
به عشق تو/مادر تو/اشک چشممونو خرید  
جلوی در/ به مهمونات/ بی بی میگه خوش اومدید

هرکسی میخواد بشه عاقبت به خیر  
باید که جون بده برات مثل زهیر

(حسین حسین حسین حسین حسین حسین)

بند دوم

خدا واسه نوکرات  
ساخته تو هیات، بهشت  
وقتی که اسممون و  
گریه کن تو نوشت

از غصه ی /دوری تو /قلبم شده ترک ترک  
اگه نیام /زیارتت/ دق می کنم بدون شک  
شفای من /دوای من / یا لیتنا کنا معک

خدا تو رو ازم نگیره یا حسین  
نوکر تو به پات بمیره یا حسین  
(حسین حسین حسین حسین حسین حسین)

بند سوم

آسمون کربلات  
اوج پرواز منه  
شونه های گنبدت  
محرم راز منه

دلت میاد/کبوترت /بازم بمونه چش به راه؟  
مرهم بذار/ روی پرم /شکسته بالم و گناه  
جز با حرم /حال دلم / دیگه نمیشه روبراه

همین حسین حسین دوای دردمه  
هر چی دارم بازم از این محرمه

(حسین حسین حسین حسین حسین حسین)



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

و عشق معنا شد با هلال ابروی حسین  
دلَم پا بند آن کمند گیسوی حسین  
زندگی کائنات ؛ بسته به موی حسین  
زائر بیت خداست ؛ زائر کوی حسین

زخمی که خورده بر جگر هر شبانه روز  
سر منشأش جراحت زخم فراق بود  
قربان آن کسی که بجای هر آنچه داد  
از ما گرفت چیزی اگر هم ، سراغ بود  
ای ترنم بارون / ای تبسم مجنون  
این مسلمه بدون تو میشم سرگردون  
ای پناه دو عالم / با تو خوب میشه حالم  
از کسی خیر ندیدم منو سمت حرمت برگردون

ای غریب آشنای من / ارباب با وفای من  
الهی بمونی برای من

بند دوم

خوشا آن دم که هر شب جمعه دل کربلاست  
و عشق معراج بینظیر آن پایین پاست  
سلسله ی موی دوست ؛ حلقه دام بلاست  
هر که در این حلقه نیست ؛ فارغ از این ماجراست

تا دید غرق مشکل و غرق محن شدیم  
قبل از همه رسید به فریاد ما حسین  
یادم نمیرود همه عزتم تویی  
ای عهده دار مردم بی دست و پا حسین

شوق وصل تو دارم / عشق و عاشقی کارم  
باید از رو دوش تو یه باری و بردارم  
تو نهایت عشقی / تو عنایت عشقی  
بار غم رو کشیدم که یه وقت نگو برات سربارم


قبله ی گره گشای من / تو موندی فقط بیای من  
الهی بمونی برای من



[دریافت فایل صوتی](#)

## شور - دانیال مهرانی




بند اول 

اگه قراره ببینمت  
چی بهتر از مردن / پای تو افتادن  
اگه قراره بغلم کنی  
چی بهتر از اینکه / برا تو جون دادن

فمن یمت یرنی      خودت صدام میزنی  
منی که منتظرم      چه منتظر شدنی

هوای تو به سر دارم / من هوایی یارم  
مهربون ترین ارباب / مشتاق دیدارم

بند دوم 

با دونه دونه نفسام میگم  
فقط حسینه که / صلاحمو میخواد  
چجوری نگات منو گرفت  
خرابه بودم من / با تو شدم آباد

شهادت میشم یه روزی      توو جستجوی حسین  
تموم سینه ی من      گرفته بوی حسین

من حتی میون قبرم / بپات چشم انتظارم  
بهترین رفیق من / مشتاق دیدارم



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

غروبا قلب من بارونی میشه  
به یاد گوشه ی صحن تو آقا  
دلم خون میشه از درد فراق  
میشم دلتنگ ترین دلتنگ دنیا

میزارم روی هم چشمامو شاید  
مرور خاطرات آروم جون شه  
میشینم تو خیالم کنج صحن  
که شاید این خیال واسم امون شه

دلم تنگه برات آقا  
خودت حتما خبر داری  
میدونم آخر من رو  
تک و تنها نمیزاری

ای عشق اول و آخر حسین  
ای جانم حضرت دلبر حسین

حسین حسین

بند دوم

میدونم خیلی دارم فاصله تا  
اونی که تو واسم خواستی همیشه  
بهیم ثابت شده هر جا که باشم  
هیچی واسم نگاه تو همیشه

روزگارم شده پر درد و تاریک  
من امیدم به روضه س خوب میدونی  
اینکه با رو سیاهی بازم اینجام  
واسه قلبم خودش هست یه نشونی

حال و روزم بهم ریختس  
خسته از خودمم آقا  
دل بریدم تو میدونی  
از همه مردم دنیا

ای عشق اول و آخر حسین  
ای جانم حضرت دلبر حسین

حسین حسین



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

نفس میکشم

به هوای تازه محرمت رسیدم  
شکر میکنم آقا محرمت رو دیدم  
نفس میکشم

نفس میکشم

با هوای روزه ی شما چه خوبه حالم  
روبروی حرمت هستم تو خیالم  
نفس میکشم

وقتی که اسمتو میگم

پرواز میکنه دلم  
زائر کربلا میشم  
پر میزنه توی حرم

من اگه تورو نداشتم

بیچاره ی عالم بودم حسین  
هیئتت اگه نبودش  
آواره ی عالم بودم حسین

دوست دارم امام حسین

بند دوم

حبیبی حسین

زندگی با روزه های تو گرفته معنا  
نوکریت هویت تموم ماس تو دنیا  
حبیبی حسین

حبیبی حسین

من امیدم به نگاهای توه نگام کن  
واسه جون دادن پا پرچمت بیا صدام کن  
حبیبی حسین

راه نشانم بده تا

بیراهه نره دلم  
از سر لطف و کرم  
پریم بده سمت حرم

اگه پرچمت نبودش

بیچاره ی عالم بودم حسین  
اگه کربلا نبودش  
آواره ی عالم بودم حسین

دوست دارم امام حسین



[دریافت فایل صوتی](#)

شور - سعیده کرمانی، امیر اسدی،  
سعید حمیدیان فر



بند اول

رفیق ببین مرام پیغمبرو  
شک ندارم بخوای بهش می‌رسی  
خودش می‌رفت خبر بگیره وقتی  
دو روز می‌شد خبر نداشت از کسی

تا حالا شده پرسی، توی عالم رفاقت  
چی شده که خیلی وقته، رفیقت نیست توهیات

بگیر از دلا یا حسین، بی مرامی دنیارو  
مهربون با معرفت، شبیه خودت کن مارو

بند دوم

هیئت با معرفت به مولا  
یادت نره رفیقتو یه وقتی  
رفیقای امام حسینی مونو  
نشه که تنها بذاریم تو سختی

اونی که می‌مونه پای، خوب و بد روزگارت  
رفیقیه که تو روزه، گریه می‌کنه کنارت

اگه حضرت فاطمه، مادر همه نوکراس  
پس برادری های ما، یادگاری کربلاس

بند سوم

یادت نره تو سفر کربلا  
رفیقتو که گریه کردی باهات  
چند قدمم به نیتش راه برو  
یه روزه تو حرم بخونی به جاش

زیر گنبد قشنگی، که می‌شه دعا اجابت  
دعا کن کسی نمونه، توی حسرت زیارت

بازم دعوتم می‌کنی؟ تو که مهربونی آقا  
با رفیق هم هیئتیم، اربعین پیام کربلا



[دریافت فایل صوتی](#)

شور - سعیده کرمانی،  
سعید حمیدیان فر



بند اول

مردن همیشه اونکه می گن نیست  
یه وقتا شکل دیگه ای داره  
فکر کن کسی هست توی دنیا و  
پاشو توی هیئت نمی داره

فکر کن محرم باشه اما تو  
نشینی یک شبم پای منبر  
فکر کن که بچه دار بشی اما  
بچه ات نشه نذر علی اصغر

نفس کشیدن بی روضه  
خدا نیاره چقد سخته  
نفس کشیدن بی روضه  
واسه کسیه که بد بخته

دارو ندار من حسین

بند دوم

یه لحظه فک کن همه چی داری  
به غیر این پیراهن مشکی  
کلی آدم می شناسنت اما  
تو هیئت نمی شناست هیشکی

فک کن نری هیچ وقتی مشایه  
تو موکبا نخوابی یک لحظه  
نبینی کربلا رو تو عمرت  
این زندگی خسارت محضه

غیر امام حسین ع دنیات رو  
روی حساب کی می سازی  
غیر امام حسین ع اگه قلبت  
با هر کسی باشه می بازی

دارو ندار من حسین



[دریافت فایل صوتی](#)



بند اول

جز نام تو در سرم نباشد  
ای ذکر تو دل نشین تر از قند  
پابند شدم به روضه‌ی تو  
کو بهتر از این بهشت پابند  
دیگر نرود به هیچ مطلوب  
خاطر که گرفت با تو پیوند  
جز عشق تو ارث بهتری نیست  
تا من برسانمش به فرزند

من مه‌رت را

در روضه‌ها از مادر گرفتم

روز اول

تصمیم خود تا آخر گرفتم

تا برخیزم

دست خود را بر منبر گرفتم

حسین جانم ۳ ای جانانم حسین

بند دوم

حاجت به جز از حرم چه خواهم  
غیر از طلب تو در سرم نیست  
جز کنج حریم دلربایت  
والله که جای بهترم نیست  
در غربت قبر شک ندارم  
جز یاد تو در تصورم نیست  
اصحاب طریقت حسینم  
جز روضه طریق دیگرم نیست

مه‌رتو را

من برعالم امکان ندهم

ثروتمندم

عشق تو را من ارزان ندهم

تا بر سرم

قدم ننهی من جان ندهم

بند سوم

در حلقه‌ی پیچ و تاب زلفت  
از قبل تولدم اسیرم  
مه‌رت که به سینه ام نشسته  
همراه من است تا بمیرم  
ای اهل کرم قدیم الاحسان  
دریاب مرا که من فقیرم  
از دوری کربلا چگونه  
بنشینم صبر پیش گیرم

برمشامم

می‌رسد عطر ناب کربلا

در سینه ام

قلبی دارم بی تاب کربلا

مردم از بس

دیدم این شب‌ها خواب کربلا



[دریافت فایل صوتی](#)

شور - سعیده کرمانی، امیر اسدی



بند اول

رحمة الله به عشاق اباعبدالله ع  
بابی انت و امی یا ثارالله ع

من الازل الی الابد  
همیشه میگم بی عدد  
تموم زندگیم حسین ع  
ارباب مدد

بند دوم

تو در آمیخته با هر رگ قلب مایی  
تو همان رزق حلال بابا هایی

یا شافع الیوم الجزا  
ای عروه الوثقای ما  
در اضطراب روز حشر  
اشفع لنا

بند سوم

تو اجابت دعاهاى منبرهائی  
تو همان نذر عزیز مادر هائی

ای دین و ای دنیای ما  
ای صاحب دل های ما  
ما را ببر تا کربلا  
آقای ما



[دریافت فایل صوتی](#)



سازمان اوقاف و امور خیریه



آستان مقدس امام قزوينيه اسلاميه



حلقه ابی ریان